مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

همگرایی جهان اسلام

آسیب‌ها و راهبردها

حسین ابوالقاسمی

بسم الله الرحمن الرحیم

هم گرایی جهان اسلام، آسیب ها و راهبردها

نویسنده:

حسین ابوالفضلی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

هم گرایی جهان اسلام، آسیب ها و راهبردها

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابوالفضلی، حسین، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور : هم گرایی جهان اسلام، آسیب ها و راهبردها/حسین ابوالفضلی ؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری : ۱۰۸ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۸۶۳.

شابک : ۷۰۰۰ ریال ۹۶۴-۵۱۴-۰۱۲-۹:

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۰۷ - ۱۰۸.

موضوع : اسلام و سیاست -- کشورهای اسلامی.

موضوع : وحدت اسلامی.

موضوع : کشورهای اسلامی -- سیاست و حکومت.

موضوع : کشورهای اسلامی -- زندگی فرهنگی.

موضوع : کشورهای اسلامی -- سیاست اقتصادی.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : JQ۱۸۵۲/آ۵۸الف۲

رده بندی دیویی : ۳۲۰/۹۱۷۶۷۱

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۲۸۷۹۰

ص:۱

اشاره

دیباچه

دیباچه

جهان اسلام مجموعه ای به هم پیوسته از کشورهای اسلامی است که با وجود تفاوت هایی میان بخشهای گوناگون آن همانند زبـان، نژاد و مـذهب، در عنصـری به نـام «آیین اسـلام» اشتراک دارنـد. از آموزه های اصـیل آن در عرصه بین المللی، اتحاد و برادری میان مسـلمانان است. این آموزه ناب اسـلامی، مسـلمانان و دولتمردان کشورهای اسلامی را به در پیش گرفتن سیاست واحد در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فرا می خواند.

اهمیت و ضـرورت اتحاد و هم گرایی میان کشورهای اسـلامی آن گاه آشکار می شود که چنین هم گرایی را میان کشورهای اروپـایی به منظور دست یـابی به هم گرایی در زمینه هـای اقتصـادی و سیاسـی و موضع گیری واحـد در برابر چـالش های بین المللی با عنوان اتحادیه اروپایی می بینیم.

کشورهای اسلامی افزون بر دارا بودن عنصر فرهنگی مشترک به نام دین، از نیروی عظیم انسانی و منابع مادی فراوان برخوردار هستند که می توان به عنوان ابزار مناسبی در جهت ایجاد هم گرایی از آنها بهره گرفت.

برخی از کشورهـای اسـلامی برای دست یـابی به مواضـع مشـترک در زمینه هـای گونـاگون، تشـکل هـای منطقه ای از جمله: شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب، سازمان وحدت آفریقا و در نهایت تشکل

ص:۳

فرامنطقه ای سازمان کنفرانس اسلامی را تاسیس کرده اند، با این حال، آنچه به طور قطع درباره این نهادها می توان گفت این است که هیچ یک نتوانسته اند به طور کامل جهت هم گرایی و اتحاد کشورهای اسلامی در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گام مؤثری بردارند و هنوز در زمینه های مورد نظر اختلاف نظر دارند.

عوامل گوناگونی در ناتوانی کشورهای اسلامی برای ایجاد هم گرایی فرا منطقه ای دخالت دارد که از آن جمله به فاصله گرفتن از آموزه های اصیل اسلامی، اختلاف های مذهبی، ملی گرایی، ضعف ساختار اقتصادی (تک محصولی) و حضور دیرینه استعمار، می توان به عنوان مهم ترین آسیب ها اشاره کرد.

نویسنده محترم، جناب آقای حسین ابوالفضلی، در این پژوهش با معرفی برخی کشورهای اسلامی و امکانات مادی آنها به آسیب هایی که فرا روی این کشورها قرار دارد، اشاره می کند و راهکارهای اصلاحی در این زمینه را بر می شمارد. با سپاس از تلاش نویسنده محترم امید است این اثر مورد استفاده اصحاب رسانه قرار گیرد.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

شاید بتوان گفت در برهه کنونی، هیچ موضوعی به اندازه هماهنگی و همکاری کشورهای اسلامی در سیاست خارجی برای آنان اهمیت ندارد. این مسئله واقعیتی است که در متون اسلامی هم بارها به آن تأکید شده و از مسلمانان خواسته شده است تا زمینه عملی ساختن آن را فراهم آورند. هرچند آنچه در این متون مورد توجه است، با عنوان وحدت یاد شده است، امروزه بحث هم گرایی ـ که راهکاری عملیاتی تر و همگانی تر در ادبیات سیاسی است ـ مطرح شده است که در آن با توجه به منافع مشترک، تهدیدها و دغدغه های مشترک کشورها؛ سیاست خارجی، آنها را به درک متقابل و همکاری و هماهنگی بیشتر سوق می دهد.

این پژوهش، با هدف طرح این موضوع و اهمیت امروزه آن با توجه به شرایط حاکم بر این کشورها انجام گرفته است و کوشش شده است تا ضمن شناسایی نگرانی ها و تهدیدهای مشترک کشورهای اسلامی، چگونگی مقابله با آنها را از طریق هم گرایی معرفی کند. از این رو، در فصل نخست پژوهش، مفاهیم اساسی آن، یعنی دو واژه «هم گرایی» و «جهان اسلام» بررسی شده و ضمن تعریف آنها، چگونگی ارتباط آنها با موضوع مشخص شده است.

فصل دوم، درباره آسیب شناسی داخلی و خارجی کشورهای اسلامی است و تلاش شده است تا ضرورت اقدام عملی این کشورها برای رفع آنها بیشتر

بیان شود. از این رو، در بعد داخلی به آسیب هایی مانند اقتصاد تک محصولی، پایین بودن درآمد سرانه، فرار مغزها، آسیب پذیری فرهنگی و وابستگی حکومت ها به خارج اشاره شده است. در بعد خارجی نیز به مواردی اشاره شده است که بیشتر در زمینه تعامل این کشورها با کشورهای خارج از آن حوزه است که گاهی همراه با سلطه است که در کل باعث انفعال کشورهای اسلامی و آسیب های جدی در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شده است.

در فصل سوم، دو راهکار وحدت گرایی و هم گرایی جداگانه بررسی شده اند و با تبیین هم گرایی در سه عرصه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، راهکارهای رویارویی با چالش های موجود عرضه شده است.

در فصل چهارم به سخنان بنیان گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی رحمه الله و رهبر معظم انقلاب در زمینه وحدت و هم گرایی کشورهای اسلامی اشاره شده است.

در فصل پنجم (همراه با برنامه سازان) ضمن نقد و بررسی وضعیت موجود، زمینه رسیدن به وضعیت مطلوب با ارائه برنامه سازی به لحاظ شکلی و محتوایی بررسی شده است. همچنین برخی پیشنهادها برای برنامه سازان در صدا و سیما مورد توجه قرار گرفته است.

امید است این تلاش اندک، ضمن طرح مسئله مهم هم گرایی جهان اسلام، زمینه تحقیقات بیشتر و کاربردی تری را فراهم آورد.

ص:۶

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. اهمیت و ضرورت هم گرایی جهان اسلام

۲. تقسیم بندی کشورهای اسلامی (جهان اسلام)

ارزیابی

۱. اهمیت و ضرورت هم گرایی جهان اسلام

اشاره

۱. اهمیت و ضرورت هم گرایی جهان اسلام

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، در سال های پایانی قرن بیستم، زمینه ساز دگرگونی های مهمی در ساختار نظام بین الملل شد که مهم ترین آنها، تغییر نظام دو قطبی از یک سو و تلاش ایالات متحده برای ایجاد نظام تک قطبی از سوی دیگر بود.

در این زمینه، کشورهایی که تا آن زمان، با تمایل به سمت بلوک های قدرت در پی منافع ملی خویش بودند، در موقعیت جدید با رویکردهای تازه ای روبه رو شدند که اساسی ترین این رویکردها، «هم گرایی» در زمینه های مشترک، در موضوع های مختلف منطقه ای و جهانی بود. به طور مشخص، کشورهای اروپایی با پیوستن به «اتحادیه اروپا» و هم گرایی در زمینه های سیاسی و اقتصادی، همچون بازار مشترک، برای تقویت توان اقتصادی و رسیدن به اهداف و جایگاه خویش در آینده نظام بین الملل کوشیدند. از سوی دیگر، قدرت هایی مانند چین، هند و روسیه با توجه به وضعیت موجود و توانایی خویش، برای استفاده از وضعیت آنارشی گونه نظام بین الملل، واکنش های مشابهی نشان دادند. بنابراین، در وضعیت جدید، در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و از میان رفتن جهان دو قطبی، کشورها و

واحدهای سیاسی بیشتر کوشیدند تا در چارچوب همکاری های منطقه ای و با توجه به اشتراک نظر در موضوع های مختلف، به یک هم گرایی دست یابند تا از این طریق، بهتر بتوانند به اهداف اساسی و منافع ملی خویش برسند. از این رو، ما هم اکنون شاهد فعال شدن سازمان های منطقه ای بر پایه همکاری های کشورهای مختلف هستیم که تنها از این طریق (هم گرایی)، خواهان رسیدن به جایگاه مطلوب خویش هستند. به این دلیل، بهترین ویژگی روابط بین الملل در عصر حاضر «وابستگی متقابل» (interdepedency)کشورهاست.

بی گمان، یکی از مناطق مهم جهان که از جنبه های مختلف، نقش مهمی در نظام بین الملل دارد، مجموعه جهان اسلام است که از جمعیت فراوان، منابع سرشار و غنی و امکانات مادی و معنوی بی شمار برخوردار است. از این رو، کشورهای اسلامی، در صورت هم گرایی و اشتراک نظر در زمینه های مختلف بهتر خواهند توانست نقش خود را در نظام بین الملل ایفا کنند و به عزت و استقلال که در متون اسلامی بارها به آن اشاره شده است، برسند. از سوی دیگر، ضرورت این هم گرایی، بیش از هر زمان دیگر در زمان کنونی، برای کشورهای اسلامی احساس می شود؛ به گونه ای که بیشترین چالش، درگیری و تهاجم، امروزه در جهان در محدوده این کشورهاست و آنان با تهدیدهای ابرقدرت ها روبه رو هستند.

برای نمونه، یورش امریکا به افغانستان و عراق و تهدید کشورهایی مانند ایران، سوریه و لیبی از سوی این کشور، خطر رژیم غاصب اسرائیل که با حمایت امریکا در منطقه، در پی امنیت و توسعه طلبی است و نیز تهدید دین اسلام از طرف غرب، به نام «بنیادگرایی اسلامی»، لزوم وحدت و همدلی و

ص:۸

هم گرایی کشورهای اسلامی را بیش از گذشته روشن می کند افزون بر اینکه، مجموعه جهان اسلام متأسفانه از بُعد داخلی هم با مشکلات بسیاری روبه روست که رفع آنها بی گمان بدون اقدامات گروهی و در سایه هم گرایی، امکان پذیر نیست. از این رو، موقعیت خطیر و راهبردی «هم گرایی کشورهای اسلامی» بر کسی پوشیده نیست. اکنون پرسش اساسی ای که می توان مطرح کرد این است که مجموعه جهان اسلام و کشورهای اسلامی برای ایجاد هم گرایی و اشتراک نظر و وحدت سیاسی چه گام هایی برداشته اند؟ و چه نقشی در نظام بین الملل ایفا می کنند؟ و زمینه های اشتراک نظر و هم گرایی آنان چیست؟ و چه موانع داخلی و خارجی بر سر راه آنان قرار دارد؟

طبیعی است که یافتن پاسخ این پرسش های مهم و راهبردی و تدوین شیوه های اجرایی برای بررسی مشکلات کشورهای اسلامی، وظیفه ای خطیر برای نخبگان و رسانه های گروهی این کشورهاست. سازمان صدا و سیما به عنوان رسانه ای فراگیر و مردمی که امروزه در خدمت نظام مقدس اسلامی است، با به دست گرفتن ابتکار عمل و تهیه برنامه های کاربردی می تواند بیش از گذشته سهم به سزایی در وحدت و هم گرایی جهان اسلام و آگاه سازی افکار عمومی داشته باشد.

در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق، می توان گفت که متأسفانه، با وجود منابع مادی و معنوی فراوان، نه تنها کشورهای اسلامی گامی به سوی هم گرایی به صورت عملی برنداشته اند، بلکه به دلیل پر رنگ کردن اختلافات قومی و مذهبی زمینه های تفرقه را فراهم آورده اند. از این رو، با وجود داشتن حدود ۵۵ رأی در سازمان ملل، هیچ گونه اقدامی برای تقویت سیاست های

خود در مقابل تهدیدهای مشترک مانند خطر اسرائیل و امریکا نمی کنند.

نخست لازم است تا دو واژه «هم گرایی» و «جهان اسلام» بررسی شوند. از این رو، مفهوم هم گرایی را به اختصار بررسی می کنیم. در قسمت های بعدی، به هنگام ارائه و پیشنهاد هم گرایی برای مبارزه کشورهای اسلامی با چالش های فرا روی خود، به تفصیل بحث می شود، ولی چون واژه جهان اسلام، واژه ای محوری در این پژوهش است پیش از آن، به بررسی گسترده این بحث خواهیم پرداخت.

الف) هم گرایی

الف) هم گرایی

امروزه، مفهوم هم گرایی در متون سیاسی، کاربرد زیادی دارد. این کاربرد، در پی دگرگونی های پس از جنگ سرد و پایان یافتن رقابت های دو ابرقدرت شرق و غرب و وضعیت آنارشی گونه نظام بین الملل بیشتر شده است. این مفهوم معادل واژه انگلیسی «integration» است. به طورمعمول، هم گرایی زمینه اشتراک نظر و وحدت رویه کشورها را در زمینه های مختلف پدید می آورد. شاید بتوان مفهوم وحدت را معادل هم گرایی به شمار آورد، ولی نکته ای که در این زمینه اهمیت دارد، این است که وحدت عقیده و وحدت سیاسی با هم متفاوتند؛ هر چند این دو را نمی توان به طور کامل برهم منطبق کرد، با در نظر گرفتن اینکه نتیجه یکسانی دارند، می توان آنها را به جای هم به کار برد و راهکاری لازم برای کشورهای اسلامی دانست.

در هر حال، در روابط بین الملل، هم گرایی نظریه ای است که کشورها می کوشند از آن برای اهداف ملی و مصالح خود در دست یابی به سیاست خارجی مورد نظر بهره جویند. برخی اندیشمندان اسلامی منشور مدینه و

همراهی پیامبر با قبایل مختلف را هم گرایی دانسته اند.

اگر بخواهیم تعریفی جامع از هم گرایی ارائه کنیم، باید بگوییم که هم گرایی عبارت است از:

«اشتراک نظر و همکاری کشورهای مختلف یک منطقه که منافع مشترک دارند، برای دست یافتن به اهداف جمعی و جلوگیری از تهدیدهای احتمالی در زمینه های مختلف.» بی گمان اعلان آخرین جمعه از ماه مبارک رمضان در هر سال به عنوان روز «قدس» از سوی امام خمینی رحمه الله، تأکیدی بر مهم ترین محور هم گرایی کشورهای اسلامی و روش مناسبی برای دست یابی به اهداف جمعی مسلمانان است.

ب) جهان اسلام

ب) جهان اسلام

جهان اسلام، مجموعه ای بزرگ از کشورهای اسلامی در سراسر جهان است. هر چند بیشتر کشورهای اسلامی، در خاورمیانه، آسیا و آفریقا هستند، در اروپا، امریکا و دیگر نقاط جهان نیز می توان مسلمانانی را یافت که در کشورهایی که به ظاهر اسلامی نیستند، زندگی می کنند. از این رو، می توان گفت هر چند در اصطلاح، جهان اسلام به کشورهای اسلامی گفته می شود، در عین حال می توان آن را شامل همه مسلمانانی دانست که در سراسر دنیا زندگی می کنند. در تعریف کشورهای اسلامی نیز اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد؛ برخی از محققان بر این عقیده اند که اگر شمار مسلمانان در کشوری به بالای ۵۰ درصد جمعیت آن سرزمین برسد، آن کشور را می توان اسلامی نامید. برخی دیگر براین باورند که هر گاه تعداد مسلمانان یک سرزمین بیش از ۷۵ درصد کل جمعیت آن باشد، به آن سرزمین، کشور

اسلامی گفته می شود.(۱) برخی دیگر، بیشتر بر دین اسـلام تمرکز دارند. از این رو، معیار اسلامی بودن و یا نبودن کشوری را حاکمت دین اسلام در آن کشور دانسته اند.

اگر مـا به دنبـال یـک تعریف پـذیرفته شـده و رسـمی باشـیم، بایـد بگوییم که جهان اسـلام و یا کشورهای اسـلامی، به تمامی کشورهایی گفته می شود که عضو سازمان کنفرانس اسلامی، بزرگ ترین سازمان بین المللی اسلامی، هستند. پیداست که در این تعریف هم می توان اشاره به کشورهایی داشت که دین آنها اسـلام است؛ هماننـد بیشتر کشورهای عضو و هم کشورهایی که هر چند دین رسـمی آنها اسـلام نیست، مسلمانان زیادی در آن وجود دارند (مانند ترکیه). از این رو، اصطلاح جهان اسلام واژه مهمی است که افزون بر ابعـاد سـرزمینی، به دین، فرهنـگ، تمـدن، امکانـات مادی و معنوی و جمعیت کشور اسـلامی نیز اشاره دارد.

۲. تقسیم بندی کشورهای اسلامی (جهان اسلام)

اشاره

۲. تقسیم بندی کشورهای اسلامی (جهان اسلام)

درباره تقسـیم بنـدی جغرافیایی جهان اسـلام، نظریه های مختلفی وجود دارد؛ برخی آن را دارای دو بخش مرکز و پیرامون می دانند و برخی دیگر، جهان اسلام را به سه بخش مرکز، غرب و شرق تقسیم کرده اند.

اکنون با توجه به دگوگونی های شوروی سابق و جدایی بخش های بزرگی

۱- ایولاکست، ژئوپلوتیک اسلام، ترجمه: دکتر آگاهی، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، بی تا، صص ۳۵ ـ ۴۲.

از آن، به ویژه آسیای مرکزی و قفقاز که بیشتر جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می دهند، به نظر می رسد که بازنگری در قلمرو جغرافیایی جهان اسلام از دیدگاه جغرافیای سیاسی ضروری باشد. با توجه به مطلب یاد شده می توان گفت، جهان اسلام از دیدگاه جغرافیایی سیاسی، به چهار بخش کاملاً متفاوت تفکیک پذیر است:(۱)

۱. مرکز جهان اسلام که در حقیقت گهواره جهان اسلام به شمار می آید و شامل کشورهایی چون ترکیه، سوریه، عربستان، عمان، عراق و ایران است.

۲. غرب جهان اسلام که شامل کشورهایی چون مصر، الجزایر و مراکش است.

۳. شرق جهان اسلام که شامل مالزی، افغانستان، اندونزی و پاکستان می شود.

۴. شمال جهان اسلام شامل کشورهای آسیای میانه چون آذربایجان، ترکمنستان، تاجیکستان و قزاقستان است که از شوروی سابق استقلال پیدا کرده اند.

در اینجا به بررسی اهمیت این مناطق می پردازیم.

الف) مرکز جهان اسلام

اشاره

الف) مرکز جهان اسلام

مرکز جهان اسلام، اهمیت خاصی دارد؛ زیرا به دریای سیاه، مدیترانه، دریای احمر، عمان و خلیج فارس منتهی می شود. این منطقه، حکم قلب

۱- جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به عزت اللّه عزتی، ژئوپلوتیک، انتشارت سمت، تهران، ۱۳۷۰؛ عزت اللّه عزتی، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، واحد تدوین کتب درسی، ۱۳۷۸، ص ۳۲.

جهان اسلام را دارد. بیشتر منابع نفت جهان و انرژی در این منطقه وجود دارد؛ به همین دلیل، این منطقه همواره بیشترین درگیری ها را با استعمارگران داشته است و امروزه کانون توجه و محور راهبردی امریکاست.

برخی از کشورهای مهم این منطقه را بررسی می کنیم:

یک _ جمهوری اسلامی ایران

یک _ جمهوری اسلامی ایران

بی گمان، جمهوری اسلامی ایران، از مهم ترین کشورهای اسلامی در مجموعه جهان اسلام به شمار می آید. موقعیت ژئوپلوتیک، جمعیت، حکومت، سابقه تاریخی، منابع زیرزمینی و غنی از ویژگی هایی است که ایران را کشوری مهم و نیرومند نشان می دهد.

از میان ویژگی های ذکر شده، آنچه به ایران ویژگی خاص می دهد، وقوع انقلاب اسلامی و ایجاد یک مدل حکومتی اسلامی است که پس از شکست رژیم سرسپرده پهلوی و کوتاه شدن دست بیگانگان در ایران تشکیل شد.

جمهوری اسلامی ایران توانسته است با الهام از آموزه های اسلام که در قانون اساسی آن متبلور شده است و دخالت دادن مردم در حاکمیت خود، نمونه ای کامل از تلفیق مردم سالاری اسلامی را به جهانیان نشان دهد که واژه جمهوری اسلامی بیانگر آن است. بی گمان، تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای مختلف اسلامی و به ویژه مردم مستضعف و مظلوم آن کشورها، بسیار چشم گیر است؛ به گونه ای که بسیاری از نهضت های آزادی بخش جهان اسلام در آسیا، آفریقا و خاورمیانه از انقلاب ایران الهام گرفته اند.

تلفیق اسلام و سیاست، پای بندی بر نظریه ولایت فقیه، استکبارستیزی، دعوت جهان اسلام به وحدت، عزت طلبی و استقلال و تأکید بر حقوق مردم،

از آموزه ها و اصول کلی است که جمهوری اسلامی در عرصه روابط داخلی و خارجی همواره بر آن تأکید کرده است.

برخی ویژگی ها

ـ مساحت، ۱۹۵/۶۴۸/۱ کیلومتر مربع؛

ـ جمعیت، ۶۵ میلیون نفر که بیش از ۲۰ میلیون آن را نیروی جوان تشکیل می دهند؛ (بر اساس آمار سال ۱۳۷۵)

ـ ارتباط با آبراه های مهم بین المللی در شمال و جنوب و برخورداری از تنگه هرمز؛

ـ داشتن اقوام مختلف، مانند: ترک، فارس، لر، بلوچ و...؛

ـ برخورداری از نظام مردمی؛ به گونه ای که از ابتدای انقلاب اسلامی و ایجاد حکومت اسلامی، مردم تاکنون در بیست وهفت انتخابات شرکت کرده اند؛

ـ وجود منابع طبیعی مهم؛ به گونه ای که در زمینه نفت و گاز جزو کشورهای مهم جهان است؛

ـ وجود نیروهای متخصص و کارآمد در زمینه های گوناگون.

دو ـ عربستان سعودی

دو ـ عربستان سعودی

عربستان سعودی از کشورهای مهم جهان اسلام به شمار می آید.

ـ جمعیت آن برابر آمار سازمان ملل در سال ۱۹۹۷، ۰۰۰/۸۳۶/۱۸ نفر است.

ـ حدود دو میلیون نفر کارگر متخصص خارجی از کشورهای مختلف در این کشور مشغول به کار هستند.

ـ نژاد مردم، سامی و حدود چهار هزار قبیله در این کشور وجود دارد.

ـ بیشتر امور اجرایی و تفتیشی و قضایی در اختیار خاندان سعودی است.

این کشور با کشورهای زیادی مرز مشترک دارد. همچنین از دو سمت به خلیج فارس و دریای احمر راه دارد.(۱)

ویژگی های مهم

ـ وجود حرمین شریفین در آن؛

ـ نفت و قدرت عظیم اقتصادی ناشی از آن؛

ـ موقعیت ژئوپلوتیکی؛

ـ ذخایر ارزی فراوان، به گونه ای که در سال ۱۹۸۲، به ۱۴۵ میلیارد دلار رسید؛

ـ تأمین کننده بسیاری از نیازهای نفتی غرب.

ـ کمبود نیروی ماهر کارآمد و نخبه و وجود اقلیت های مذهبی ناراضی و کارگران بی شمار خارجی، باعث بافت ناهمگون اجتماعی در این کشور شده است. از سوی دیگر، موج اسلام گرایی در منطقه از نوع سیاسی، بی ثباتی بازار نفت و پیوندهای راهبردی با غرب از عوامل ضعف آن به شمار می آیند.

ب) غرب جهان اسلام

اشاره

ب) غرب جهان اسلام

غرب جهان اسلام را کشورهای شمال آفریقا تشکیل می دهند که مهم ترین آنها، مصر، لیبی، تونس، الجزایر و مراکش هستند. این کشورها با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی، روابط همه جانبه ای با کشورهای اروپایی دارند.

۱- همان، صص ۹۲ ـ ۱۰۰.

دریای مدیترانه در این منطقه قرار دارد که می توان آن را یک عامل مهم ژئوپلوتیکی دانست. بیشتر این کشورها، پس از جنگ جهانی دوم، تحت سلطه درآمدند که در پی آن، جنبش های آزادی بخش آغاز شد. در اینجا، به ویژگی های برخی از این کشورها اشاره می کنیم:

یک _ مصر

یک _ مصر

کشور مصر، در شمال شرقی قاره آفریقا، بین آبراه سوئز و مدیترانه و در تقاطع سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا واقع شده است. موقعیت این کشور به اندازه ای مهم است که در ادوار گذشته، قدرت های جهانی برای نفوذ به منطقه جنوب غربی آسیا از این کشور وارد شده اند.

وجود کانال سوئز بر اهمیت این کشور بیش از پیش افزوده است؛ به گونه ای که حدود ۱۰ درصد صادرات نفتی منطقه خلیج فارس به ایالات متحده امریکا و اروپای غربی، از طریق این کانال صورت می گیرد. رود نیل و دلتای آن، به مساحت ۳۳ هزار کیلومتر مربع در این کشور است که ۴ درصد کل مساحت آن را تشکیل می دهد.(۱)

برخی ویژگی های مهم

_ میانجی اختلافات کشورهای اسلامی و آفریقایی؛

_ مهم ترین کشور عربی از نظر جمعیت؛ در سال ۱۹۹۵ جمعیت آن به ۶۰ میلیون نفر رسید.

_ عضو فعال سازمان های بین المللی؛ به گونه ای که دیپلمات های مصری

۱- همان، صص ۱۷۶ _ ۱۸۲.

تاکنون چندین مرتبه به ریاست کنفرانس های بین المللی انتخاب شده اند. نمایندگان مصری، تاکنون کاندیدای یونسکو و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و برخی دیگر از نهادهای بین المللی بوده اند. مصر از بنیان گذاران اصلی جنبش عدم تعهد به شمار می آید.

ـ در عین حال، مصر در دوره انورسادات، با اسرائیل و امریکا پیمان صلح امضا کرده است.

دو ـ الجزایر

دو ـ الجزایر

ـ کشور الجزایر، در میانه کرانه های جنوبی دریای مدیترانه واقع شده است.

ـ مساحت این کشور ۷۴۱/۳۸۱/۲ کیلومتر مربع است؛

ـ جمعیت آن براساس آمار سازمان ملل، در سال ۱۹۹۷ بالغ بر ۰۰۰/۷۸۴/۲۸ نفر بود؛

ـ الجزایر از کشورهایی است که مهاجران زیادی در کشورهای خارجی دارد.

ـ عرب و بربر، از اقوامی هستند که در این کشور ساکنند.

ـ ۸۰ درصد زبان این کشور، بر اثر هجوم فرانسه دچار تغییر شده است. در سال ۱۹۰۰م تمامی خاک آن به زیر سلطه فرانسویان درآمد و در سال ۱۹۶۲ به استقلال رسید.

ـ الجزایر از فعال ترین اعضای جنبش عدم تعهد است.(۱)

ص:۱۸

۱- همان، صص ۱۸۲ ـ ۱۹۰.

ویژگی های مهم

ــ دارای جوان ترین جمعیت جهان است. (۵۲ درصد)

ج) شرق جهان اسلام

اشاره

ج) شرق جهان اسلام

این منطقه، از مرزهای شرقی ایران شروع و به جنوب شرقی آسیا منتهی می شود. در اینجا به برخی از ویژگی های دو کشور پاکستان و اندونزی که در این منطقه قرار گرفته اند اشاره می شود:

یک ــ پاکستان

یک ــ پاکستان

ــ ۹۴۳/۸۰۳ کیلومتر مربع مساحت دارد و دومین کشور از نظر وسعت در جنوب آسیاست.

ــ این کشور با دارا بودن ۲۲۵۲ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان، ۲۵۴۳ کیلومتر با هند، حدود ۹۰۰ کیلومتر با جمهوری اسلامی ایران، ۴۵۰ کیلومتر با چین و ۸۳۶ کیلومتر ساحل در دریای عمان و برخورداری از سلاح و توانمندی هسته ای، از موقعیت راهبردی ویژه ای در منطقه برخوردار است.

ــ این کشور در سال ۱۹۴۷م. به استقلال رسیده است.

ــ حدود ۶۰ حزب سیاسی همچون، حزب جماعت اسلامی، مسلم لیگ، جمعیت علمای اسلام، جمعیت علمای پاکستان، نهضت تحریک استقلال، سپاه صحابه، نهضت نفاذ فقه جعفری و... در این کشور فعالیت می کنند.

ــ برخورداری از سلاح هسته ای؛ به گونه ای که بعد از جنگ افغانستان، این مسئله از مهم ترین موانع بر سر روابط امریکا و پاکستان بوده و هست.(۱)

۱- همان، ص ۱۳۰.

دو _ اندونزی

دو _ اندونزی

اندونزی، بزرگ ترین مجمع الجزایر جهان است که بین قطعه خشکی جنوب شرق آسیا و استرالیا واقع شده است. این کشور دارای پنج جزیره اصلی و ۳۰۰ مجمع الجزایر کوچک است. مساحت کل این کشور ۹/۷ میلیون کیلومتر مربع است که تنها ۹/۱ میلیون کیلومتر مربع آن خشکی است. اندونزی پس از فروپاشی شوروی سابق، چهارمین کشور پرجمعیت جهان (بعد از چین، هند و امریکا) و سومین کشور پرجمعیت، در میان کشورهای در حال توسعه و پرجمعیت ترین کشور اسلامی است. جمعیت این کشور، هم اکنون حدود ۲۰۰/۴۵۳/۰۰۰ نفر است که حدود ۷۸ درصد مردم آن مسلمانند.(۱)

سیاست خارجی این کشور، بر پایه حضور فعال در صحنه های بین المللی و دوری از انزوای سیاسی است. این کشور در هیچ پیمان نظامی شرکت نداشته است. این کشور از پایه گذاران نهضت عدم تعهد است و در بسیاری از مناقشه های بین المللی، نقش میانجی را ایفا می کند و دارای بزرگ ترین ذخایر نفت در جنوب شرق آسیا است.

د) شمال جهان اسلام

اشاره

د) شمال جهان اسلام

کشورهای این منطقه، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به استقلال رسیدند. تاجیکستان، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان از کشورهای این منطقه به شمار می آیند.

ص:۲۰

۱- همان، صص ۱۳۸ _ ۱۴۵.

مهم ترین ویژگی مشترک این منطقه، ذخایر عظیم نفت و گاز است.

این کشورها، به دلیل اینکه پیش تر جزو اتحاد جماهیر شوروی سابق بوده اند، از برخی زمینه های تسلیحاتی و قدرت موشکی و گاه هسته ای برخوردارند.

به برخی از کشورهای این منطقه از جهان اسلام به اختصار اشاره می شود:

یک ـ جمهوری آذربایجان

یک ـ جمهوری آذربایجان

این جمهوری، در شمال آذربایجان ایران قرار گرفته است و وسعتی معادل ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع دارد و دارای ۱/۷ میلیون نفر جمعیت است. که ۷۰ درصد آذربایجانی، ۱۲ درصد روسی، ۴ درصد طالشی و ۱۴ درصد از دیگر اقوام هستند.

اولویت های سیاست خارجی آذربایجان، گسترش مناسبات با پنج عضو دائم شورای امنیت است. این کشور در مهرماه ۱۳۷۲ به عضویت کشورهای مشترک المنافع درآمد.

عضو صندوق بین المللی پول، اکو، بانک اروپایی، توسعه و بازسازی، کنفرانس امنیت و همکاری اروپا و کنفرانس اسلامی است.

در دوران شوروی سابق و با هدف بهره برداری از موقعیت های جغرافیایی، ویژگی های قومی، نژادی و مذهبی و برای وابسته کردن واحدهای سیاسی منطقه قفقاز و دیگر مناطق به مرکز حکومت کمونیستی، یعنی مسکو تقسیم بندی سیاسی به گونه ای صورت گرفته بود که هیچ گاه نمی توانست مرزهای باثباتی باشد. در طول تاریخ، ارامنه و آذری ها درگیری های زیادی با همدیگر داشته اند.

مسئله تاگورنو قره باغ، از منازعات اصلی این کشور با ارمنستان است.(۱)

دو _ ترکمنستان

دو _ ترکمنستان

جمعیت ترکمنستان براساس برآورد سال ۱۹۹۵م. ، بالغ بر ۴/۴۶۰/۰۰۰ نفر است. ترکمن ها، ساکنان اصلی این سرزمین با ۷۳/۳ درصد بیشترین جمعیت این کشور را تشکیل می دهند. ترکمنستان دین رسمی ندارد و قانون اساسی آن، هیچ مذهبی را به رسمیت نشناخته است. در عین حال، ۷۳ درصد از جمعیت آن مسلمان هستند.(۲)

این کشور در سیاست خارجی خود به صورت باز عمل می کند و در ایجاد رابطه نزدیک با همه کشورهای جهان می کوشد. این کشور با جمهوری اسلامی ایران مناسبات ویژه ای دارد. دلیل این مناسبات، وجود ۱۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک، اشتراک مذهبی، ریشه های تاریخی و فرهنگی و اعتقاد به همکاری های منطقه ای است.

ارزیابی

ارزیابی

مجموعه کشورهای اسلامی، ۲۴ درصد از مساحت کل جهان را به خود اختصاص می دهند و وسعت این کشورها بیش از ۲/۳۰ میلیون کیلومتر مربع است. کانال سوئز، تنگه مالایا، تنگه هرمز، تنگه جبل الطارق، تنگه بسفر و داردانل، باب المندب و دریاچه های گوناگونی در این کشورها قرار دارد.(۳) در یک ارزیابی کلی، باید گفت، کشورهای اسلامی در مناطق مختلف جهان

۱- همان، صص ۱۵۰ _ ۱۵۴.

۲- همان، صص ۱۵۵ _ ۱۶۴.

۳- در معرفی ویژگی های کشورهای اسلامی نک: عزت اللّه عزتی، جغرافیای جهان اسلام.

اسلام دارای امکانات و پتانسیل های بسیار نیرومندی هستند که می توان از این امکانات برای هم گرایی این کشورها استفاده کرد.

البته کشورهایی که انتخاب شده اند، تعدادی از کشورهای هر منطقه اند که در این زمینه کوشیده ایم، ویژگی های مهم آنان مانند مساحت، جمعیت، توانایی و نفوذ و امکانات آن را که در هم گرایی مجموعه جهان اسلام مورد توجه است، بررسی شود. هر چند این کشورها از لحاظ موقعیت و ویژگی با یکدیگر متمایزند، شاید بتوان گفت از چند ویژگی مشترک برخوردارند:

۱. بیشتر جمعیت آنها مسلمان هستند. این مطلب حتی شامل شمال جهان اسلام که ۷۰ سال در اختیار کمونیست ها بوده است هم می شود.

۲. همه، عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند.

۳. همگی دارای منابع عظیم انرژی هستند.

۴. بیشترشان دارای موقعیت ژئوپلوتیک و ژئواستراتژیک هستند.

اما در عین حال، رویکرد آنها به اسلام اصیل (اسلام ناب محمدی) و غرب، استکبار جهانی، عزت طلبی و استقلال خواهی و مسائلی از این دست، یکسان نیست. از این رو، مسئله هم گرایی هنگامی محقق می شود که به ابعاد مشترک این کشورها بیشتر توجه شود. با بررسی مسئله آسیب شناسی در بخش های بعدی، امکانات و محدودیت های این کشورها برای هم گرایی بیشتر مشخص می شود.

فصل دوم: آسیب شناسی جهان اسلام

اشاره

فصل دوم: آسیب شناسی جهان اسلام

در این فصل، می کوشیم مشکلات داخلی کشورهای اسلامی را که مجموعه جهان اسلام را تشکیل می دهند، در زمینه های مختلف فرهنگی و سیاسی بررسی کنیم. به عبارت دیگر، آنچه در این فصل مورد نظر است، پاسخ به این پرسش است که آسیب شناسی هم گرایی کشورهای اسلامی چیست؟ آیا این آسیب ها داخلی است یا خارجی و یا اینکه می تواند ترکیبی از عوامل داخلی و خارجی باشد. یافتن علل و عوامل ضعف کشورهای اسلامی، در چگونگی پاسخ گویی و ارائه راهکار لازم دخالت دارد. از این رو، خواهیم کوشید برخی از موارد مهم را که در انحطاط و عقب ماندگی کشورهای اسلامی نقش دارند در دو زمینه داخلی و خارجی بررسی کنیم.

۱. آسیب شناسی کشورهای اسلامی در حوزه داخلی

اشاره

۱. آسیب شناسی کشورهای اسلامی در حوزه داخلی

زیر فصل ها

الف) فاصله گرفتن از اسلام اصیل و اختلاف های مذهبی

ب) جدایی دین از سیاست

ج) ملی گرایی

د) خودباختگی در برابر تهاجم فرهنگی غرب

ه) استبداد داخلی

و) ضعف ساختارهای اقتصادی

الف) فاصله گرفتن از اسلام اصیل و اختلاف های مذهبی

الف) فاصله گرفتن از اسلام اصیل و اختلاف های مذهبی

بی گمان آنچه امروزه سبب بروز مشکلات و گرفتاری های مختلف در جهان اسلام شده است، پای بند نبودن و اعتقاد نداشتن مسلمانان در عمل به آموزه های دینی و قرآنی است؛ زیرا خداوند کریم و معصومان علیهم السلامتمامی دستورهای مهم را ـ

که عمل به آنها می توانـد موجب عزت و اسـتقلال جوامع اسـلامی شود ــ در قرآن کریم و روایات آورده اند. اساسا می توان گفت، عمل

ص:۲۴

به دستورهای اسلامی می تواند زمینه های سعادت دنیوی و اخروی جهان اسلام را فراهم آورد. این در حالی است که برداشت مسلمانان از اصول مسلّم الهی و اسلامی و دستورهای آن، متأسفانه در بین آنان با اختلافات زیادی روبه رو است.

پیدایش فرقه های مذهبی و دینی و رواج خرافات و بدعت و افراط و تفریط در عمل به دستورهای اسلامی، زمینه دوری و فاصله گرفتن مسلمانان را از واقعیات و سنّت الهی فراهم کرده است که خود می تواند زمینه ساز بسیاری از مشکلات مختلف باشد. امروزه کشورهای اسلامی زیادی در جهان وجود دارد، ولی متأسفانه درک و تفسیر آنها از اسلام با یکدیگر متفاوت است و این خود زمینه ساز چندگانگی در عمل است. این در حالی است که اسلام و دستورهای اسلامی یک حقیقت واحد بیشتر نیست، ولی متأسفانه سیاست ها و اختلافات و برداشت های مختلف و گاه افراطی از اسلام، امروزه زمینه دخالت ابرقدرت ها را در این کشورها، بیش از گذشته فراهم کرده است. برای نمونه، برداشت طالبان از اسلام و معرفی چهره دین در حوزه اجتماع و جهان امروز، بهانه ای برای فشار امریکا به کشورهای اسلامی و حمله به افغانستان به نام مبارزه با «بنیادگرایی اسلامی» شده است. این چیزی است که رخدادهای مهمی مانند حادثه یازده سپتامبر و حملات و تهدیدهای جانبیِ پس از آن را در پی داشته است. این مسئله مورد تأکید دولت مردان امریکا بوده است.

ریچارد نیکسون ــ رئیس جمهور اسبق امریکا ــ در زمان حمله امریکا به عراق که به دنبال حمله عراق به کویت انجام شد، به دولت مردان آینده ایالات

ص:۲۵

متحده امریکا گوشـزد می کند که مبادا جهان اسلام فراموش شود. او تأکید می کند که چالش اصلی امریکا در آینده با جهان اسلام خواهد بود، ولی در عین حال می گوید:

اسـلام از لحـاظ سیاسـی، یکپـارچه نیست. همه ادیان بزرگ قابل تعابیر مختلفنـد و این تعابیر، هر یک پشتیبان نظرگاه یا جهت گیری خاصـی است. در غرب، مسـیحیت زمانی از راه اعتقاد به حقوق الهی پادشاهان، به نظام سـلطنتی تقدس بخشید و امروزه از طریق مفهوم حرمت ذاتی فرد، ستون مهم فکر دموکراتیک را فراهم می آورد. تجدید نظر در تعبیر سنت سیاسی با دگرگون شـدن صورت اصـلی حکومت در غرب همراه بود، اسـلام نیز قابـل تعابیر گوناگون و پـذیرای دگرگونی تکاملی است و شاهد این مـدعا آن است که چهره هـای گونـاگونی چون [امام]خمینی، صـدام، انور سادات، ضـیاءالحق، همه مشـروعیت خود را از اسلام می دانند.(۱)

پیداست که آنچه حکومت های دیکتاتوری و اسـتبدادی صدام و سازش کار انورسادات و مانند آن از اسـلام مطرح می کنند، با آنچه حضرت امام از متن اسلام مطرح می کنند، متفاوت است. به همین دلیل، دو دسته اسلام به وجود می آید: اسلام ناب و اسلام امریکایی. ریچارد نیکسون در جای دیگر می گوید:

سیاسـتگذاران امریکایی در جهان اسـلام بایـد درون یک لانه مار که آکنـده از منازعات زهرآگین عقیدتی و رقابت های ملی است، راه خود را بیابند.(۲)

ص:۲۶

۱- ریچارد نیکسون، فرصت را از دست ندهیم، ترجمه: حسن رفیعی نژاد، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۱، ص ۲۴۵.

۲- همان.

وی سپس سه جریان را در کشورهای اسلامی ذکر می کند که هر جریان، ویژگی های خاصی دارد: بنیادگرایی، رادیکالیسم، تجددگرایی.(۱) پس از آن، از میان این سه جریان، تنها تجددگرایی را جریانی می داند که می تواند در امتداد سیاست های غرب قرار گیرد. در این زمینه، سیدجمال الدین اسدآبادی هم دارای افکار جالبی است. او در زمینه انحطاط مسلمانان، مهم ترین مسئله را جدایی از اصول اولیه اسلام می داند و می گوید:

وارد کردن انواع بدعت ها و تعریف ها در دین اسلام، سبب خالی شدن اسلام از محتوای اصلی خود شد و بعدها جماعت های مختلف، هر کدام گوشه ای و جنبه ای از اسلام را گرفتند و از ابعاد و اجزای دیگر غفلت ورزیدند. با پیدایش فرقه ها و دسته های گوناگون و رشد تمایلات فرقه ای، به تدریج آن عقاید و ایمان از میان مسلمانان زایل گشت و آنچه از ایمان و عقاید مذهبی در ذهن آنان باقی ماند، تبدیل به یک سری صورت های ذهنی شد که فقط در گنجینه میان آنان حفظ شد... (۲).

وی این انحراف را به اندازه ای مهم می داند که در جای دیگر می گوید:

اخلاق امت محمدیه را شرقا و غربا فاسد کردند و در ارکان عقاید و سجایای پسندیده آن امت شریف تزعزع انداختند.(۳)

ب) جدایی دین از سیاست

ب) جدایی دین از سیاست

امروزه، یکی از مشکلات جهان اسلام، وجود تفکر جدایی دین از سیاست است. این ایده پی آمدهای ناگواری در عرصه های مختلف سیاسی و

۱- همان، ص ۲۴۶.

۲- سیدجمال الدین اسدآبادی، عروه الوثقی، صص ۱۹ _ ۲۰.

۳- همان، ص ۵۵.

اجتماعی در پی دارد. البته در این رابطه نقش عوامل خارجی را در تبلیغ و گسترش آن از طریق روشن فکران وابسته نباید از یاد برد؛ به گونه ای که برخی براین باورند که مسلمانان، سرانجام باید همانند غرب در دوران رنسانس، حوزه دین و سیاست را از هم جدا کنند و این در حالی است که اندیشمندان اصیل اسلامی، همواره بر تفکیک ناپذیری این دو حوزه تأکید کرده اند. یکی از اندیشمندان مسلمان در این باره می گوید: «پیوندی ذاتی بین اسلام به عنوان برنامه ای جامع برای تنظیم زندگی انسان و سیاست به عنوان ابزاری لازم جهت تحقق این برنامه وجود دارد».(۱)

از این رو، پیوند دین و سیاست، مسئله ای است که می تواند پشتوانه عقلی و علمی و تجربی داشته باشد؛ زیرا تمام نیازهای انسان را در حوزه های مختلف باید تأمین کند.

در اینجا، به برخی از دلایل پیوند دین و سیاست اشاره می کنیم:

۱. جامعیت دین اسلام: اسلام باید در تمامی امور دارای برنامه باشد که یکی از آنها امور سیاسی است.

۲. منوط بودن بسیاری از احکام به وجود حکومت، همچون امر به معروف و نهی از منکر و... . این در حالی است که حکومت و تشکیل آن موضوع سیاسی است.(۲)

۱- حمید عنایت، اندیشه های سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۲، ص ۱۶.
۲- امام خمینی و اختیارات ولی فقیه، ترجمه: مبحث ولایت فقیه، از کتاب بیع، اداره کل انتشارات و تبلیغات ستاد دهه فجر، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۶.

۳. سیره عملی پیامبر که بیانگر آمیختگی دین و سیاست است ؛ پیامبر رهبر دینی و سیاسی جامعه بوده است. متأسفانه امروزه، درک نشدن این مسائل در کشورهای اسلامی، موجب بی توجهی به تشکیل حکومت اسلامی و بی تفاوتی به آن شده است و در عین حال، زمینه های افراط و تفریط را فراهم کرده است. از این رو، برخی در حالی که اسلام را همانند مسیحیت می دانند و بر تفکیک آن از سیاست تأکید کرده اند، آن را نشانه دموکراسی دانسته اند.

در جهان اسلام، سیدجمال الدین اسدآبادی برجسته ترین شخصیتی بود که احساس کرد، اگر بخواهد در مسلمانان جنبش و حرکتی ایجاد کند، باید آنان را متقاعد سازد که سیاست از دیانت جدا نیست.(۱) همچنین مرحوم مدرس در این زمینه پیش قدم شد. این جمله ایشان که «سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست» معروف است. استعمارگران تلاش های زیادی کردند تا این تفکر را در کشورهای اسلامی از میان ببرند. برای نمونه، طرح مسئله «علمائیت» در میان کشورهای اسلامی به معنای جدایی دین از سیاست است. انور سادات، رئیس جمهور معدوم مصر می گوید: «دین متعلق به مسجد است و مذهب اصولاً نباید کار به مسائل سیاسی داشته باشد.»(۲) همچنین وهابی ها، سیاست را از دیانت جدا می دانند.

۱- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، ص ۵۲.

۲- جواد منصوری، شناخت استکبار جهانی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۹، ص ۱۲۶.

آنها می گویند ما کاری نداریم چه کسی حاکم است، بلکه وظیفه ما تنها اطاعت از حاکم است.

در مقابل، امام خمینی رحمه الله، دین اسلام را جامع و فراگیر می داند و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را گوشزد می کند. ایشان معتقد بود دین تنها به رابطه انسان با خدا توجه ندارد، بلکه برای اداره امور سیاسی و معنوی زندگی بشری تأکید می کند. از این رو، ایشان «سیاست اسلامی» را سیاستی می دانست که در آن دیانت در کنار سیاست است. ایشان در سخنرانی سال ۱۳۴۱ می فرماید: «اسلام تمامش سیاست است.»(۱) ایشان در جای دیگر می فرماید: «اسلام در مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، نیازهای مردم را برای ترقی واقعی برمی آورد».(۲) یا می فرماید: «اسلام حکومتی است که یک جنبه اش حکومت سیاسی و یک جنبه اش حکومت معنوی است».(۳)

طرح مسئله جدا بودن دین از سیاست، چیز تازه ای نیست. این مسئله در زمان بنی امیه مطرح شد و در زمان بنی عباس قوت گرفت. در این زمان هم، دست های بیگانه که در ممالک اسلامی باز شده است، به این مسئله دامن می زنند. ازاین رو، باید گفت این یکی از نقشه های استعمار است.(۴)

۱- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، کلمات قصار پندها و حکمت ها، ص ۲۲۹.

۲- همان، ص ۲۹.

۳- همان، ص ۲۹.

۴- محمدرضا دهشیری، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۲، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۸۸.

ج) ملی گرایی

ج) ملی گرایی

در فرهنگ سیاسی، ملت به مجموعه ای از انسان ها گفته می شود که در داخل مرزهای سیاسی شناخته شده زندگی می کنند.(۱) اما ملت به معنا و مفهوم جدید آن از قرن نوزدهم رواج پیدا کرد و تقریبا در عرف بین المللی به رسمیت شناخته شد.

در قرن هجدهم، درگیری های شدیدی در اروپا و کشورهای دیگر بر سر مستعمرات و مالکیت مستعمرات جدید آغاز شد و دولت ها جهت کسب قدرت و ایجاد انگیزه و رغبت در افراد، برای حمایت از دولت های یاد شده و سرکوبی مخالفینشان، مسئله ملیت را با جدیت زیاد تبلیغ کردند. مسئله ای که آنها بیشتر تأکید می کردند، قرار دادن ملیت به عنوان یک ایده بودکه بعدها جای باورهای مذهبی را هم می گرفت؛ به گونه ای که همه چیز درملیت و مرزهای شناخته شده و وطن دوستی خلاصه می شد. از این رو، با ترویج ملیت خواهی، مذهب در عمل کنارگذاشته شد. این در حالی است که برابر فرهنگ و آموزه های اسلامی، اصل و اساس هر نظریه و اقدام همچون وطن دوستی و وطن خواهی، باید در چارچوب اسلام باشد. بنابراین، در کشورهای اسلامی معیار هویت افراد پیش از آنکه قومیت یا ملیت باشد، اسلام است. برخلاف آنچه در نظریه ملیت گرایی است؛ که اساس هر چیز وطن دوستی و تعصبات قومی و نژادی است.

نکته ای که نباید از نظر دور داشت، این است که ملی گرایی در کشورهای

ص:۳۱

۱- محمدجواد مقصودی، شناخت استبکار جهانی، ص ۱۱۰.

اسلامی همواره به عنوان جای گزین هویت اسلامی از سوی غرب تعریف شده است. متأسفانه برخی روشن فکران هم این ایده را دنبال کرده انـد و به جـای اسـاس قرار دادن اسـلام و تعریف ملیت و وطن دوسـتی در چـارچوب اسـلام، ملیت گرایی را به عنوان یک آلترناتیو و جای گزین در نظر گرفته اند.

جهان اسلام و مسئله ملیت گرایی

در قرن بیستم، با فروپاشی امپراتوری عثمانی و از میان رفتن تدریجی نظام استعماری، ملت های مسلمان یکی پس از دیگری به منزلت ملیت دست یافتند. در نتیجه، در این مرحله اتکا به نفس، توجه به معیار ملیت و تأکید بر میهن پرستی، در میان مسلمانان به ویژه در اذهان نویسـندگان عرب غلبه یافت و مقـدمه ای برای آغاز مناقشه ای ایدئولوژیک در میان روشن فکران مسـلمان و درگیری ها و اختلافات سیاسی شد که هنوز ادامه دارد.(۱)

تـوجه و اهمیـت بـه ملیت و فـداکاری در راه آن، هر چنـد مـورد تأییـد و تأکیـد عقـل و دین است؛ آنچه بـا دین منافـات دارد، محوریت ملیت و تقـدم آن بر دیگر ارزش های دینی است. از نظر اسـلام، هر چنـد در ملت های مسـلمان اختلافاتی در رنگ، نژاد، زبان، آداب و رسوم و ملیت وجود دارد، هیچ یک ملاک برتری نیست. متأسـفانه کشورهای استعمارگر برای ایجاد تفرقه و جدایی در میان مسـلمانان از این عامل سوءاسـتفاده کردند و با ترویج و تبلیغ «ملی گرایی» در میان مسـلمانان درصدد دسـت یابی به اهداف شوم خود بودند.

امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

۱- اندیشه های سیاسی در اسلام معاصر، ص ۲۰۰.

آن چیز مهمی که دول اسلامی را بیچاره کرده است و از ظّلِ قرآن کریم دور می کند، قضیه نژادبازی است. این نژاد ترک است، باید نمازش را ترکی بخواند! این نژاد ایرانی است این جوری باشد. آن نژاد عرب است، باید حکومت کند. نه اسلام این نژادپرستی است که در بین آقایان حالاـ دارد رشد می کند و زیاد می شود... این نژادپرستی مسئله ای بچه گانه است... (۱).

د) خودباختگی در برابر تهاجم فرهنگی غرب

د) خودباختگی در برابر تهاجم فرهنگی غرب

انحطاط و عقب ماندگی داخلی، و هجوم گسترده و همه جانبه استعمار غربی به جهان اسلام در قرون اخیر، دو مسئله محوری و اصلی با ابعاد و پی آمدهای فرهنگی، فکری، سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی بود که قشرهای گوناگون مسلمان مانند سیاست مداران، روشن فکران و علما را به واکنش واداشت. در پی تحولات داخلی در جهان اسلام، مسلمانان از یک سو گرفتار فقر، فلاکت، جهل، ظلم، استبداد، فساد و تباهی و خواب غفلت شدند و در درماندگی، دست و پا می زدند و از سوی دیگر، در معرض هجوم غرب و ورود تمدن جدید غربی قرار گرفتند که با دو چهره دانش؛ تفکر جدید و صنعت و تکنولوژی، و چهره سیاسی استعماری و غارتگرانه متوجه جهان اسلام شده بود.(۲)

در این زمینه، برخی از روشن فکران جهان اسلام که تمدن و دستاوردهای فرهنگی غرب را می دیدند، دچار شگفتی شدند و به جای تجزیه و تحلیل

۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۹.

۲- عبدالحسین حائری، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، صص ۱۲۲ _ ۱۲۶.

تمـدن غرب و ماهیت آن، غرب زده شدند؛ به گونه ای که راه، علاج درد و رنج های کشورهای خود را در پیمودن راهی می دانسـتند که غربی ها پیش تر طی کرده بودند. از این رو، آنها در حقیقت نسـخه غربی برای رویارویی با مشـکلات و معضلات داخلی کشور خود تجویز کردند.

در واقع، مهم ترین ویژگی آنـان، تقلیـد و پیروی همه جـانبه از نهادهـا، ارزش هـا و گرایش هـا و الگوهـای غربی و فرهنگ و تمـدن غرب، خودبـاختگی و بی هویتی و جهت گیری هـایی بر پایه سـکولاریسم، ماتریالیسم، اومانیسم، لیبرالیسم، سـیانتیسم و ناسـیونالیسم بود. این افراد همه ارزش هـا، گرایش ها و مایه های فکری، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و تمـدن گذشـته خود را بـدون ملاـک و میزانی محکم و طبق موازین و معیارهای نارسای غربیان رد می کننـد و هر گونه پدیـده جدیـد را می پذیرنـد. تعدادی از برجستگانِ این نوع جریان را در کشورهای اسلامی با اندکی اختلاف در انگیزه ها و اهداف می توان نام برد؛ مانند: طنطاوی، قاسم امین، مصـطفی کامل، احمد لطفی السـید و محمد حسـنین هیکل در مصـر و در میان اعراب، همچنین سیداحمد خان در هند و ملکم خان و تقی زاده در ایران.

در این زمینه، در میان خودباختگان غربی، دو دسـته قابل تشـخیص از یکـدیگر وجود دارند. دسـته اول، نویسـندگان و کسانی چون سـید احمد خان که بیشتر از نظر فکری و فرهنگی پیروی از تمدن غرب را تجویز می کردند و دسـته دوم، فعالان سیاسـی ای که تقلیـد و تبعیت همه جانبه از غرب و پـذیرش مطلق نظام ارزشـی آن را توصـیه می کردند. ملکم خان و تقی زاده از این دسته

در ایران بودند که شعارشان «پذیرش تمدن غرب از نوک پا تا فرق سر» بود که در شمار غرب زدگانند.

متأسفانه این نوع گرایش در میان روشن فکران جهان اسلام به تمدن و فرهنگ غرب، و سرانجام خودباختگی و بی هویتی، زمینه ساز آسیب های فرهنگی و اجتماعی زیادی در جهان اسلام شده است.

حمید عنایت در این باره می گوید:

آنان، خود، در گسترش شیوه های سطحی و قالبی فکر اروپایی در ایران مؤثر بوده اند؛ زیرا اگر در میدان سیاست به جنگ غرب می رفتند، در میدان فرهنگ مرید و مقلد غرب بودند... .(۱)

در هر حال، بی گمان باید گفت روشن فکران غرب زده که اسیر تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی غرب شده اند و تمدن غربی را الگوی مناسب در زمینه های مختلف می دانند، نقش مهمی در انحطاط و عقب ماندگی کشورهای اسلامی و مجموعه جهان اسلام داشته اند.

ه) استبداد داخلی

ه) استبداد داخلی

یکی دیگر از عوامل مشکل ساز در جهان اسلام، استبداد داخلی است. بی گمان استبداد در قالب های مختلف خود، همچون استفاده از زور و اجبار و توسل به زور در حکمرانی بر مردم و بی توجهی به خواست و علایق آنان و مانند آن، از عواملی است که باعث بروز مشکلات زیادی در این کشورها شده است. امروزه در بسیاری از کشورهای اسلامی، ساز و کار حضور مردم در

۱- حمید عنایت، شش گفتار درباره دین و جامعه، تهران، موج، بی تا، صص ۶۰ و ۶۱.

تصمیم گیری، تصمیم سازی و مشارکت سیاسی و اجتماعی وجود ندارد. برخی از کشورها حتی از داشتن مجلس قانون گذاری که در آن نمایندگان مردم حضور داشته باشند، محرومند. از این رو، در بیشتر کشورهای اسلامی متأسفانه بیشتر کارها و امور تصمیم گیری ها در دست یک فرد یا یک گروه یا یک قبیله و یا طایفه است. بنابراین، شاید این افتخاری برای جمهوری اسلامی ایران باشد که احکام و دستورهای اسلامی را با ایجاد ساز و کار جدید و از طریق نهادهای مستقل، با مشارکت مردم در سرنوشت خود اجرا می کند.

به همین سبب، توجه نداشتن حکومت های خودکامه به افکار عمومی، مردم و احزاب، رسانه های گروهی و مانند آن، زمینه ساز عدم مشروعیت این حکومت ها شده است. این حکومت ها برای بقای تاج و تخت و قدرت خود، ناگزیر به دستاویز دیگری چون حمایت کشورهای خارجی پناه برده اند که خود، مشکلات و نابسامانی های زیادتری را در پی داشته است. از این رو، در زمینه آسیب شناسی داخلی این کشورها به ویژه در زمینه سیاسی، وجود رژیم های خودکامه و استبدادی است که همه اقداماتشان را به نام اسلام انجام می دهند.

و) ضعف ساختارهای اقتصادی

اشاره

و) ضعف ساختارهای اقتصادی

در حوزه آسیب شناسی، درباره جهان اسلام، توجه به وضعیت اقتصادی این کشورها لازم و ضروری است؛ زیرا ضرورت هم گرایی و ساز و کار آن، بی گمان، بدون توجه به مؤلفه ها و ساختار اقتصادی این کشورها امکان پذیر نخواهد بود. ضعف ساختارهای اقتصادی را به طور کلی در چند محور

ص:۳۶

می توان بررسی کرد:

۱. اقتصاد تک محصولی؛

۲. پایین بودن درآمد سرانه ملی؛

۳. بی کاری و تورم؛

۴. وابستگی اقتصادی.

در اینجا، هر یک از این مؤلفه ها را به طور مختصر بررسی می کنیم.

اقتصاد تک محصولی

اقتصاد تک محصولی

کشورهای اسلامی، در حوزه مسائل اقتصادی، با موانع جدی داخلی و خارجی روبه رو بوده و هستند. مشکلات اقتصادی این کشورها و توسعه نیافته بودن آنها، نباید این تصور را پدید آورد که این کشورها امکانات و منابع اقتصادی ندارند. برعکس، کشورهای اسلامی و مجموعه جهان اسلام از امکانات اقتصادی مانند منابع مهم انرژی، نیروی کار و سرمایه های مادی و معنوی زیادی برخوردارند، ولی آن چیزی که متأسفانه باعث عدم شکل گیری اقتصاد پویا و فعال در این کشورها شده است، سیاست های نادرست اقتصادی است که برخی از آنها به دلیل دخالت استعمارگران در گذشته و با اهداف خاص بوده است که از آنها می توان اقتصاد تک محصولی این کشورها را نام برد. شاید منشأ اقتصاد تک محصولی، کشورهای خارجی باشند، ولی سهل انگاری خود کشورهای اسلامی، در ادامه روند موجود نیز بی تأثیر نبوده است؛ زیرا برای نمونه، منابع و ثروت هایی مانند نفت در کشورهای حوزه خلیج فارس و ایران باعث شده است از زمان های گذشته رهبران و دولتمردان از آن به عنوان قدرت اقتصادی سود جویند و در زمینه های دیگر چندان

فعالیت و اقدام نکنند، پیداست که ادامه این روند زمینه ساز مشکلات فراوان برای این کشورها شده است.

از این رو، تک محصولی شدن این کشورها در زمینه اقتصادی باعث خروج تولیدات این کشورها از نظام اقتصادی می شود و انباشت سرمایه را مختل می کند. همین طور این امر، گردش سرمایه را در امر سرمایه گذاری این جوامع با مشکل روبه رو می کند. مهم ترین پی آمد اقتصاد تک محصولی را باید وابستگی این کشورها به کشورهای ابرقدرت دانست. این امر، زمینه ساز عقب ماندگی اقتصادی و توسعه نیافتگی در این کشورها شده است. جدول زیر نوع و درصد محصول اصلی (تک محصول) برخی از کشورهای اسلامی را نشان می دهد:(۱)

کشورمحصول درصد

۱غناکاکائو۶۵ _ ۷۰ درصد

۲مصرپنبه ۶۰ _ ۶۵ درصد

۳کویتنفت۹۹ _ ۱۰۰ درصد

۴ایراننفت ۸۰ _ ۸۵ درصد

۵نیجریهبادام زمینی۸۲ _ ۸۷ درصد

۶سوریهپنبه و فراورده های آن۷۰ درصد

۷عربستان سعودینفت۶۷ درصد

۸عراقنفت ۸۰ _ ۹۰ درصد

۹عماننفت۸۶ درصد

۱۰بحریننفت ۶۰ درصد

ص:۳۸

۱- همایون الهی، امپریالیسم و عقب ماندگی، تهران، قوس، ۱۳۷۲، ص ۸۷.

در اینجا پی آمدهای سوء اقتصاد تک محصولی را بیان می کنیم:(۱)

۱. کاهش توان تولید برای رفع نیازهای داخلی؛

۲. اختصاص یافتن بخش اعظم منابع انسانی، طبیعی، مادی کشور در راه تولید یک محصول؛

۳. ایجاد وابستگی به واردات مواد مصرفی مورد نیاز داخلی؛

۴. آسیب پذیری در مقابل نوسانات قیمت محصولات صادراتی؛

۵. آسیب پذیری در مقابل افزایش قیمت محصولات وارداتی؛

۶. وابستگی اقتصادی به دنبال وابستگی سیاسی و فرهنگی؛

۷. عدم امکان برنامه ریزی صحیح بر مبنای نیازهای داخلی به دلیل نوسان قیمت ها؛

۸ . ایجاد ارتباط اقتصادی و مبادله کالا میان کشورهای زیر سلطه، مشکل می شود.

به طور کلی، مجموعه این پی آمدها، کشورهای جهان اسلام را با فقر و عقب ماندگی و توسعه نیافتگی روبه رو می سازد.

پایین بودن درآمد سرانه ملی

پایین بودن درآمد سرانه ملی

بر پایه آمار سال ۱۹۸۰م. ارزش کل تولید کشورهای جهان به ۷۹۰۰ میلیارد دلار می رسد که از این رقم، ۱۴۰۰ میلیارد دلار از آنِ کشورهای در حال توسعه بود و ۶۵۰۰ میلیارد دلار به کشورهای توسعه یافته تعلق داشت. به عبارت دیگر، بیش از۳۲ جمعیت جهان تنها ۱۴۰۰ میلیارد دلار از تولیدات

ص:۳۹

۱- همان؛ نک: کتاب سبز کشورهای عربی، چاپ وزارت خارجه.

جهانی را به خود اختصاص می دادند و بقیه به کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان که ۳۱ از جمعیت جهان را دارا بودند، تعلق داشت. از این رو، متوسط درآمد سرانه کشورهای عقب مانده، کمتر از ۴۱ متوسط درآمد کشورهای ثروتمند است.

کشورهای اسلامی به جز چند کشور، همچون مالزی که در حوزه جهان اسلام قرار می گیرند، در ردیف کشورهای عقب مانده و توسعه نیافته اند.

متوسط درآمد کشورهای اسلامی را چنین می توان طبقه بندی کرد:

الف) کشورهای کم درآمد؛ درآمد کمتر از ۵۰۰ دلار.

ب) کشورهایی با درآمد متوسط ؛ درآمد بیشتر از ۵۰۰ دلار و کمتر از ۲۰۰۰ دلار.

ج) کشورهای پر درآمد؛ درآمد بیشتر از ۲۱۰۰ دلار.

کشورهای صادرکننده نفت جزو پردرآمدترین کشورهای جهان اسلام به شمار می آیند و کشورهای فقیر و آسیایی در ردیف کشورهای کم درآمد هستند.

از دیگر مشکلات اقتصادی در کشورهای اسلامی، می توان به بی کاری، تورم و وابستگی اقتصادی این کشورها به کشورهای توسعه یافته اشاره کرد. چون عامل مهم در زمینه ضعف ساختارهای اقتصادی، اقتصاد تک محصولی این کشورهاست، تورم و بی کاری و وابستگی اقتصادی را باید از پی آمدهای اقتصاد تک محصولی یاد کرد.

البته در زمینه آسیب شناسی کشورهای اسلامی، به موضوع های دیگری هم می توان اشاره کرد که لزوم هم گرایی و اشتراک نظر بیشتر این کشورها را

می توانـد به دنبال داشـته باشد؛ مانند فرار مغزها که امروزه معضل جدی در این کشورهاست. همچنین جمعیت بیش از اندازه، پایین بودن میزان سواد، بهداشت، مهاجرت و... ، که مجموعه این عوامل، کشورهای اسـلامی را با موانع جدی در راه توسعه و رشد اقتصادی روبه رو می سازد.

۲. آسیب شناسی خارجی کشورهای اسلامی (تهدیدها)

اشاره

۲. آسیب شناسی خارجی کشورهای اسلامی (تهدیدها)

افزون بر وجود مشکلات داخلی در کشورهای اسلامی، وجود عوامل خارجی نیز در عقب ماندگی این کشورها مؤثر است که رفع آن نیازمنـد همکـاری و همیـاری بیشتر این کشورهاست. از این رو، مسئله هم گرایی یک راه حل عملی برای کشورهایی است که تهدیدهای مشترک و منافع ملی مشترک دارند.

پرسش مهمی که در این قسمت مطرح می شود این است که عوامل خارجی ضعف کشورهای اسلامی چیست؟ پیش از پاسخ، لازم است پیشینه برخورد جهان اسلام با غرب بررسی شود.

بررسی تاریخی برخورد اسلام و غرب

بررسی تاریخی برخورد اسلام و غرب

برخلاف آنچه امروزه دیـده می شود که تمـدن غربی در برخی زمینه ها از تمـدن اسـلامی پیشـی گرفته است، پیش از این و تا قبل از جنگ های صـلیبی، تمدن اسـلامی تا دورترین نقاط جهان و در اعماق اروپا گسترش پیدا کرده بود. شاید همین مسئله، غرب را به این فکر انـداخت که سـد راه این تمـدن پویـا شود. از این رو، بـا به راه انـداختن جنگ های صـلیبی، مانع پیشـرفت جهان اسلام شد. البته مسئله اختلاف و مشکلات داخلی خود مسلمانان، همچون

حمله مغول، در عقب گرد و ایستایی تمدن اسلامی دخالت داشت. این برخورد از زمان جنگ های صلیبی تا امروز ادامه دارد و تهاجم جدید غرب به اسلام نه نظامی، بلکه فرهنگی است.

تمدن اسلامی هرچند در آغاز با بحران هایی مانند حمله مغول روبه رو بود و این امر، سبب شد مشکلات زیادی برای تمدن اسلامی به وجود آید، سرانجام توانست موقعیت خود را حفظ کند؛ به گونه ای که برخی از مغولان هم تحت تأثیر این تمدن قرار گرفتند. با این حال، مهم ترین رقیب تمدن اسلامی تمدن مسیحی بود که تمدن اسلامی را به عنوان مانعی فراروی خود می دید. و این امر، زمینه رویارویی دو تمدن را در آینده فراهم ساخت.

جای این پرسش باقی است که چرا جهان اسلام با آن همه شکوه، دچار ضعف شد. در عین حال، پرسش مهم دیگری نیز مطرح است که اساسا چرا جهان اسلام با غرب و مسیحیت درگیر شد، چه عواملی در این زمینه دخالت داشت. آیا آغازگر این درگیری ها مسلمانان بودند یا غرب و جهان مسیحیت؟

صاحب نظران، درباره علت دشمنی مسیحیت و غرب با اسلام، نظریه های متفاوتی ذکر کرده اند. برخی این دشمنی را سیاسی و برخی آن را پی آمد جنگ های صلیبی می دانند.

برخی دیگر، همچون پرفسور ساترن بر این باورند که بیم و تنفر جهان مسیحی از اسلام، زاییده نادانی مسیحیان بوده است؛ زیرا اروپاییان چیزی از اسلام نمی دانستند و تنها می کوشیدند در فروغ گفته های انجیل آن را تفسیر و

بررسی کنند.(۱)

هر چند این عوامل می تواند در دشـمنی غرب با اسـلام نقش داشته باشند، باید گفت دشمنی از زمانی به وجود آمد که اسلام پدید آمد و سپس گسترش یافت و سد محکمی در برابر نفوذ مسیحیت ایجاد کرد و به تدریج به سرزمین های مسیحی نشین وارد شد.(۲)

از این رو، قدرتی که در اسـلام نهفته بود، اروپا را به وحشت انداخت و سبب شد، مبلغان مسیحی دشمنی بین کلیسا و اسلام را امری دینی بدانند و به آن دامن بزنند.(۳)

با گسترش اسلام، به ویژه در اسپانیا، عالمان مسیحی دریافتند که این تعالیم عالی، با سرعت و پیشرفتی که دارد موقعیت آنان را تهدید می کند. آنها از قدرت، امکانات و رشد جمعیت مسلمانان و وحدت آنها دچار هراس شدند. به همین دلیل، کوشش خود را برای تضعیف آن دو چنـدان کردند که پی آمد آن، جنگ های صـلیبی بود. ارنست بارکر معتقد است که جنگ های صلیبی دو جنبه داشت:

ابتـدا یک نهضت مذهبی و روحانی بود و از همین جهت، آن را جنگ های مقدس می خوانند و سـپس جنبه دیگری داشت و آن اینکه بعـد از تسـخیر زمین مقـدس، مسـیحیان مغرب در ممالـک اسـلامی مشـرق پیش آینـد و یـک کشـور لاـتینی در بیت المقدس ترتیب دهند و در سواحل مشرق قرار بگیرند و متوجه

۱- R. W. Southen, Western Views of Islam, P. ۱۴.

۲- مطهری، مرتضی، بررسی شیوه های تبلیغات مسیحیت علیه سلام، ص ۸۴.

۳- مصطفی خالدی و عمر فروخ، نقش کلیسا در ممالک اسلامی، ص ۳۵.

موصل و بغداد و مصر باشند.(۱)

گوستاو لوبون نیز بر این باور است که:

(هنگام جنگ های صلیبی)، مشرق زمین از برکت اسلام، اعلی درجه ترقی را دارا بود و برعکس، اروپا کاملاًـ در ظلمت توحش بود و در بربریت فرو رفته بود. در هر صورت، آشنایی اروپاییان با اسلام و قدرت واقعی آن، سبب شد تا با شیوه های ممکن برای جلوگیری از گسترش آن، تدابیری بیندیشند که بیشتر کارهای فرهنگی در دستور کار آنها بود.(۲)

چگونگی سیطره غرب بر جهان اسلام

اشاره

چگونگی سیطره غرب بر جهان اسلام

شاید این پرسش و یافتن پاسخ آن بسیار جالب باشد که چرا اسلام با آن شکوه و تمدن بی نظیر، در مقابله با تمدن غربی با مشکل و ضعف روبه رو شد. به عبارت رساتر، چرا مسلمانان با آن همه افتخار و بالندگی که خود غربی ها و اروپایی ها در اوایل، بسیاری از علوم و فنون را از آنها آموختند ـ و خودشان بدان معترفند ـ در برابر غربی ها و تمدن آنها رو به افول و انحطاط رفتند؟

در پاسخ باید گفت نمی توان مسئله را فقط غرب دانست و یا اینکه آن را در مشکلات و نابسامانی های داخلی جوامع اسلامی خلاصه کرد، بلکه منطقی ترین راه آن است که مجموعه عوامل داخلی و خارجی مؤثر در این زمینه را بررسی کنیم. اینکه مجموعه جهان اسلام دارای کاستی های فراوان است پذیرفتنی است، ولی در کنار آن، باید به عوامل دیگری اشاره کرد که در

۱- میراث اسلام، ترجمه: مصطفی علم، صص ۲ ـ ۴.

۲- گوستاو لوبون، تمدن اسلام و غرب، ترجمه: محمدتقی فخر گیلانی، ص ۴۲۱.

تضعیف باورها و احساسات و در مجموع، فرهنگ ملت های مسلمان دخالت داشت و به عوامل داخلی دامن می زد. از جمله، مسئله استعمار و عوامل خارجی که با نفوذ خود در جوامع اسلامی و پاشیدن بذرهای کینه و کم رنگ کردن روحیه عزت و استقلال طلبی این جوامع در اشکال و شیوه های گوناگون، موفق شد زمینه حضور خود در قلب سرزمین های اسلامی را فراهم آورد. بنابراین، در ادامه در پاسخ به این پرسش، یعنی چگونگی سیطره غرب بر جهان اسلام، باید گفت از دو زاویه، عوامل داخلی و خارجی را می توان با هم در این مسیر مؤثر دانست. نخست اینکه، بگوییم پیش از اینکه مسئله غرب و استعمار مطرح باشد، خود کشورهای اسلامی، بالقوه استعداد و آمادگی ضعف و انحطاط را در مقابل تمدن جدید غربی داشتند و استعمار خارجی آن را تسریع کرد. دیگر اینکه بگوییم مسئله اصلی، استعمار غرب بود و عوامل داخلی و ضعف های ساختاری به روند افول و انحطاط سرعت بیشتر بخشیدند. در هر حال، ما نمی توانیم در یافتن علل عقب ماندگی کشورهای اسلامی این دو مسئله را از یکدیگر جدا کنیم.

بنابراین، جهان اسلام به دلیل افول تمدنی و عقب ماندن از پیشرفت های علمی و صنعتی که جهان غرب به آن رسیده بود، حالت تدافعی و انفعالی پیدا کرد. البته در این زمینه، استعمار برای مسخ اسلام و فرهنگ مسلمانان و نسخ هویت دینی و اسلامی وارد مبارزه شد و از مسیحیت همانند اهرم و وسیله ای در راه اهداف خود استفاده کرد. ضمن آنکه، برتری فن آوری حاصل از انقلاب صنعتی اروپا نیز به چیرگی فرهنگ تمدن غرب بر جوامع زیر سلطه، به ویژه ملل اسلامی بسیار کمک کرد. ولی با توجه به اینکه نمی توان

ص:۴۵

نقش عوامل داخلی و خارجی را نادیـده گرفت، ما در اینجا فقط درصدد بیان عوامل خارجی این مسـئله هستیم. از این رو، می توان گفت استعمار از دو طریق در جهان اسلام نفوذ کرد.

الف) حضور مستقیم استعمار در جهان اسلام

الف) حضور مستقیم استعمار در جهان اسلام

یکی از شـیوه های حضور اسـتعمارگران در کشورهای اسـلامی، حضور مسـتقیم بوده که بیشتر از طریق نظامی صورت پذیرفته است. ماجراجویان پرتغالی، نخستین کسانی بودنـد که با اسـتفاده از نیروی دریایی نیرومنـد، توسـعه طلبی را آغاز کردند. بدین ترتیب، امپراتوری پرتغال به دست انـدازی به کشورها و انحصار تجارت آنان روی آورد. تجارت هند در رأس برنامه های این امپراتوری نو قرار گرفت. در قرن هفدهم، هلندی ها جانشین پرتغالی ها در تجارت هندوستان شدند و کمپانی هند شرقی را در سال ۱۶۰۲م. و بانک آمستردام را در سال ۱۶۰۸م. تأسیس کردند.

پس از هلندی ها، انگلیسی ها و فرانسوی ها روش های استعماری را پیش گرفتند.

ایران به موازات هندوسـتان، در کـانون اسـتعمارگری غربیـان قرار گرفت. حمله پرتغال به خلیـج فارس و به خلیـج گواتر، پیش درآمد استعمار غرب در ایران بود. نخست، پرتغالی ها بر تنگه هرمز چیره شدند و سپس انگلیسی ها و هلندی ها بساط تجارت و همزمان با آن نفوذ سیاسی و فرهنگی خود را در منطقه خلیج فارس گستردند.

بـدین طریق بود که امپریـالیسم سـلطه خود را بر جهـان اعلاـم کرد. ایالات متحـده نیز پس از انقلاب صـنعتی اروپا وارد جرگه کشورهای صنعتی شد.

هرچند استعمارگران نخست با حضور مستقیم به وسیله تجارت دریانوردی، کشف مناطق جهان و سیاحت، وارد کشورهای اسلامی شدند، این امر زمینه حضور بعدی آنها را فراهم ساخت.(۱)

ب) حضور غیرمستقیم

اشاره

ب) حضور غیرمستقیم

پس از انقلاب صنعتی اروپا در سال ۱۸۵۰م. مواد اولیه مصرف چشم گیری پیدا کرد. بنابراین، گرایش به تصرف سرزمین های خارج از قلمرو اروپا با ذخایر و منابع زیرزمینی، از برنامه های استعماری اروپاییان قرار گرفت. چون حضور نظامی در تمامی سرزمین های اشغالی، عملاً ـ امکان پذیر نبود، استعمار تصمیم گرفت تا با تمهیدات خاصی، برای در دست گرفتن ذخایر زیرزمینی خارج از قلمرو مستعمراتش، با استفاده از شیوه های غیر مستقیم و اعزام مستشاران نظامی و ایجاد حکومت های وابسته متشکل از عوامل نفوذی و ایادی داخلی خود، وضعیتی ایجاد کند تا سلطه عملی و استعماری اش ممکن شود.

یک ـ جذب و تربیت روشن فکران وابسته

یک ـ جذب و تربیت روشن فکران وابسته

سرمایه های معنوی یک کشور را نیروهای متفکر آن کشور تشکیل می دهند. اندیشمندان و روشن فکران اگر طبق فرهنگ بومی خویش فعالیت کنند، از ابزارهای مهم پایداری یک فرهنگ و تمدن به شمار می آیند، ولی اگر با فرهنگ و آداب و رسوم ملت و کشور خویش بیگانه باشند و دچار بحران هویت شوند، این را به درون جامعه خود منتقل می کنند.

۱- شناخت استکبار جهانی، صص ۶۶ ـ ۶۸.

استعمارگران همواره کوشیده اند تا حد امکان، از انتقال دانش و فن آوری پیشرفته به کشورهای ضعیف جلوگیری کنند تا همیشه آنها را وابسته نگه دارند و آنچه سرانجام نصیب کشورهای جهان می شود، وابستگی و غرب زدگی و جریان روشن فکری بیمارگونه است.(۱) شاید بتوان جریان روشن فکری وابسته و غرب زده را در درون کشورهای اسلامی از دو راه بررسی کرد. به عبارت دیگر، می توان گفت این بیماری مهلک از دو طریق وارد کشورهای اسلامی می شود:

راه نخست، از طریق مهاجرت نخبگان و تحصیل کردگان کشورهای اسلامی به دیار غرب است که به امید کسب دانش راهی آن دیار می شدند، ولی به دلیل آشنایی با دستاوردهای غرب در زمینه های مختلف و آشنایی با شیوه زندگی غربی، دچار بحران هویت می شدند. به گونه ای که یگانه راه نجات کشور خود را در غربی شدن می دانستند؛ هم چنان که روشن فکرانی چون تقی زاده و ملکم خان در ایران بر اثر این آشنایی، براین باور بودند که مسلمانان برای نجات باید از نوک پا تا فرق سر غربی شوند. طبیعی است که این روشن فکران غرب زده، با ورود به کشورهای خود، به تعلیم و تبلیغ آداب و رسوم و فرهنگ غربی می پرداختند.

راه دوم، از طریق علوم و فنون و محیط علمی در داخل کشور است.

۱- منظور این است که به دلیل عقب ماندگی ناشی از وابستگی شدید، برخی از روشن فکران کشورهای جهان سوم چون آثار ظاهری تمدن غرب را می بینند و آن را با وضعیت خود ملاحظه می کنند، در نهایت نسخه توسعه و پیشرفت غربی را تنها راه نجات کشور خود می دانند.

توضیح اینکه، هر چند در این روش، روشن فکران به دیار غرب مهاجرت نکرده اند، چون ماهیت علوم به ویژه علوم انسانی طبق نظریه های مکتب های علمی و فلسفیِ غرب شکل گرفته است، متأسفانه این علوم حتی وقتی وارد کشورهای دیگر می شود، با همان صورت تدریس می شود. در حقیقت، بومی نمی شود و با وضعیت کشورهای موردنظر، سازگاری پیدا نمی کند و در جهت خواست فرهنگ و تمدن غربی قرار می گیرد. از این رو، با وجود مهاجرت تحصیل کردگان زیاد از کشورهای اسلامی به غرب و گسترش رشته های دانشگاهی و آمار زیاد استادان و دانشجویان، متأسفانه نه فقط از مشکلات این کشورها کاسته نشده است، بلکه بر دامنه آن، بیش از هر زمان افزوده شده است.

امام خمینی رحمه الله این مسئله را به خوبی مطرح می سازد و رسالت روشن فکران کشورهای اسلامی را چنین ترسیم می کند:

روشن فکران اسلامی، همگی با علم و آگاهی باید راه پر فراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه داری و کمونیسم را بپیمایند و تمام آزادی خواهان باید با روشنگری راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرت ها، خصوصا امریکا را، بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم جهان سوم ترسیم کنند.(۱)

از این رو، باید گفت استعمارگران با پیروزی خویش در تحمیل فرهنگ غربی به مسلمانان، بالاترین شکست ها را به روح و اراده مسلمانان وارد ساختند. بنابراین، غرب زدگی ضربه کوبنده ای بود که استعمار از طریق جذب

۱- امام خمینی، پیام به حجاج بیت اللّه الحرام، در سال ۱۴۰۷ ه . ق.

افراد تحصیل کرده و پرورش آنها، زمینه حضور غیرمستقیم خود را در این کشورها بیش از گذشته فراهم ساخت. این یکی از مشکلات اساسی کشورهای اسلامی به شمار می رود که ضروری است این کشورها و وسایل ارتباط جمعی آنها، در زمینه وحدت و هم گرایی در ابعاد مختلف، درباره علل و عوامل آن و ایجاد راهکارهای آن دقت لازم را داشته باشند.

دو ـ وابستگی کشورهای اسلامی از طریق جهانی شدن (Globalization)

دو ـ وابستگی کشورهای اسلامی از طریق جهانی شدن (Globalization)

بی گمان یکی از موضوع های مهم که چندی است به ادبیات سیاسی وارد شده و بحث ها و چالش های زیادی را در پی داشته است، مفهوم جهانی شدن است. این مسئله به دنبال گسترش ارتباطات و رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی، نزدیکی زمان و مکان و امکان دسترسی و دست یابی همگانی به موضوع ها و آگاهی های متنوع به وجود آمده است.

مفهوم جهانی شدن

اشاره

مفهوم جهانی شدن

هرچند اصطلاح جهانی شدن مفهوم جدیدی است، به معنی خاص آن، در سال های پایانی دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی در علوم اجتماعی گسترش یافت، ولی به شکل فزاینده ای که اکنون مطرح است، مراحل چهارگانه زیر را پشت سر گذاشته است:

۱. مرحله جنینی که از قرن پانزدهم شروع شد و در نتیجه آن، اندیشه های مربوط به اجتماعات ملی فرد و بشریت شروع به رشد کرد.

۲. مرحله جهش که تا اواخر قرن نوزدهم به طول انجامید. در این مرحله، اندیشه ها شکل دقیق تری به خود گرفت و برای نمونه، دولت های واحد در روابط بین الملل شرکت کردند.

ص:۵۰

۳. مرحلـه خیزش که از دهه ۱۸۷۰م. تا دهه ۱۹۲۰م. به طول انجامید و طی آن ویژگی های اصـلی جامعه جهانی معاصـر تبلور کامـل یـافت. فرهنگ جهانی در قالب حقوق بشـر، هویت های فردی و ورود جوامع غیر اروپایی به روابط بین المللی و رسـمی شدن بیشتر اندیشه های مربوط به بشریت را در بر گرفت.

۴. مرحله مبارزه برای برقراری هژمونی (سلطه) که از سال های دهه ۱۹۲۰م. تا پس از جنگ جهانی دوم ادامه داشت و به دوره نااطمینانی از دهه ۱۹۶۰م. به بعد انجامید.(۱)

درباره جهانی شـدن که اکنون در مرحله آخر آن هستیم، دو دیـدگاه وجود دارد؛ دیدگاه واقع گرایانه و در نهایت بدبینانه که جهانی شـدن را پروژه می دانـد و معادل «امریکایی شدن» در نظر می گیرد و معتقد است جهانی شدن برنامه ابرقدرت ها برای تسـلط بر کشورهـای جهان سوم است که معادل جهانی سازی است و دیـدگاه سـطحی و در نهایت خوش بینانه که آن را یک فرایند یا پروسه در نظر می گیرد که طی یک دوره تاریخی پیش آمده است.

به هر حال، به نظر می رسـد مفهوم جهانی شدن چالش های زیادی را در کشورهای اسـلامی و مجموعه جهان اسـلام به وجود آورده اسـت. مهـم تریـن این چـالش هـا که بسـیار محسـوس است، تهـاجم فرهنگی است که رویـارویی منطقی بـا آن نیـازمند همکاری و هم گرایی بیشتر این کشورهاست.

اکنون، پی آمدهای جهانی شدن را بر کشورهای اسلامی در حوزه های

۱- «جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۱۷.

مختلف بررسی می کنیم.

اول ـ پی آمدهای اقتصادی

اشاره

اول ـ پی آمدهای اقتصادی

جهانی شدن در بعد اقتصادی، از تبدیل جهان به جهانی بدون مرزهای اقتصادی و نظام های اقتصادی در حال ادغام خبر می دهد که در آن، بنیان های جهانی مشترک و شرکت های بین المللی صاحب نفوذ در تمام اقتصادهای داخلی، بدون دخالت و رهبری دولت ها هدایت می شوند. در واقع، بخش های اقتصادی متأثر از جهانی شدن به مرحله ای می رسند که خود را از دولت های ملی مستقل می دانند. مهم ترین بازیگران اقتصادی در این زمینه، شرکت های چند ملیتی و مجموعه ای از شرکت های اقتصادی جهانی اند.

این مسئله برای کشورهای اسلامی، چالش های زیادی را به همراه می آورد و پی آمدهای زیر را درپی خواهد داشت:

۱. تضعیف ساختارهای اقتصاد داخلی

۱. تضعیف ساختارهای اقتصاد داخلی

ساختارهای اقتصادی سنتی کشورهای جهان سوم ـ که کشورهای اسلامی هم جزو همین دسته اند ـ در مقابل امواج جهانی شدن که از طریق فعالیت کارتل ها، تراست ها و سازمان های بین المللی وابسته به قدرت های بزرگ، چون سازمان تجارت جهانی (W.T.O) و بانک جهانی و صندوق بین المللی پول پدید می آیند و موانعی که این سازمان ها برای این کشورها به وجود می آورند، دچار فروپاشی می شود. از این رو، اقتصاد سنتی بیش از آنکه برابر احکام اسلامی و مصالح و منافع این کشورها باشد، تحت تأثیر دستورالعمل های مقررات بین المللی است که بی گمان متناسب با دنیای سرمایه داری است. از این رو، نتیجه رقابت اقتصاد کشورهای اسلامی با

ص:۵۲

اقتصاد جهانی که از لوازم ورود به دنیای جهانی شدن است، از بین رفتن ساختارهای اقتصادی این جوامع است.

برای نمونه، یکی از مقررات سازمـان تجـارت جهـانی که بیشتر کشورهـای جهان از جمله کشورهای اسـلامی عضو آن و یا به دنبال عضویت در آن هسـتند، این است که باید کشورها از سیاست های اقتصادی خود که مخالف با هر یک از سیاست های اقتصـادی سـرمایه داری و جهـانی باشـد، دست بردارنـد. حـذف یارانه ها و خصوصـی سازی، از جمله این سیاست هاست که مخالف با ساختار اقتصاد داخلی این جوامع است.

۲. تضعیف ارزش پول ملی

۲. تضعیف ارزش پول ملی

طبق نظـام سـرمایه داری که دخیـل در اقتصـاد جهـانی است، آنچه ملاک و میزان سـنجش پولی است، تنها دلار است و این به دلیل نفوذ و سـلطه ایالات متحـده امریکا در جهان و سازمان های بین المللی است. به عبارت دیگر، در داد و سـتدها و خرید و فروش های کشورهای اسـلامی با جهان خارج بایـد کشورهای اسـلامی مطابق با نرخ دلار و ارزش آن، پول ملی خود را تعیین کننـد. از این رو، پول ملی این جوامع در برابر سـلطه و استیلای نرخ جهـانی که همـان دلار است، دچار انقباض و انبساط می شود. این دگرگونی ها، باعث چالش های زیادی می شود که زمینه ساز ورشکسـتگی، تورم، کسـر بودجه و مسائلی ماننـد آن برای کشورهای اسلامی است. نداشتن پول واحد برای کشورهای اسلامی و ناهماهنگی در سازمان و یا نهادی خاص در عرصه جهانی براین گونه مشکلات همواره دامن می زند.

۳. تاراج سرمایه های ملی، نیروی انسانی و مواد اولیه

۳. تاراج سرمایه های ملی، نیروی انسانی و مواد اولیه

از دیگر پی آمدهای اقتصاد جهانی شده یا جهانی شدن در عرصه اقتصاد برای کشورهای جهان سوم و به ویژه کشورهای اسلامی، از میان رفتن سرمایه های اقتصادی مانند نیروی کار و مواد اولیه است.

در نظام کنونی تقسیم کار در جهان، بیش از ۳۲ صادرات کشورهای جهان سوم را مواد اولیه تشکیل می دهد و نزدیک به ۳۲ واردات آنها کالاهای صنعتی است. از سوی دیگر، چون تعداد زیادی از کشورهای جهان سوم ــ از جمله کشورهای اسلامی ــ به تولید و صادرات واحدی وابسته هستند، اغلب در بازار کشورهای صنعتی به صورت رقیب در برابر یکدیگر قرار می گیرند. رویارویی با کمپانی های عظیم و انحصارات بین المللی، سبب می شود که این گروه از کشورها، هر روز مبلغ کمتری برای صادرات خود به دست آورند و مبلغ بیشتری برای واردات خود بپردازند. افزون بر آنکه، حضور سرمایه کمپانی های بزرگ در کشورهای عقب نگه داشته شده و قدرت انحصاری و کنترل کننده آنها در بخش اقتصادی و سیاسی کشورِ مهمان، باعث شده است که بیشتر تولیدکنندگان داخلی از فروش تولیدات خود در سطح جهانی محروم شوند و در عین حال نتوانند نیاز خود را از جایی غیر از صادرکننده امپریالیستی سلطه گر در آن کشور، خریداری کنند.(۱)

بی گمان، این دگرگونی ها، بیش از هر چیز، به دلیل سیاست های سلطه طلبانه سازمان ها و نهادهای بین المللی است که در سیطره ابرقدرت ها

۱- شناخت استکبار جهانی، ص ۱۱۲.

قرار دارنـد و جریان ورود و خروج سـرمایه و اقتصاد جهانی را در دست دارند. آنچه از مطالب گفته شده می توان دریافت این است که همواره بین صادرات و واردات این کشورها نوعی عـدم تناسب و تراز منفی وجود دارد که به زیان اقتصاد کشورهای جهان سوم است.

دوم ـ پی آمدهای سیاسی

اشاره

دوم ـ پی آمدهای سیاسی

جهـانی شـدن در حوزه سیاسـی، عبارت است از وضـعیتی که به دنبال افزایش روابط اقتصادی بین اقتصادهای جهانی و توسـعه روابط فرهنگی بین فرهنگ های جهانی پدید می آید و در نتیجه به کاهش نقش دولت ملی می انجامد؛ به گونه ای که دولت ها در این وضـعیت، ناچارند تحت تأثیر وضعیت جهانی و روابط بین الملل، بدون توجه به اصول و مبانی خود، برای همراهی با فرهنگ و اقتصاد جهانی دست به تغییراتی بزنند.

جهانی شدن در حوزه سیاسی به دو مسئله می انجامد که در کل دولت ها را به چالش وامی دارد:

۱. تضعیف و کاهش نقش دولت

۱. تضعیف و کاهش نقش دولت

به طور کلی، ظهور بازیگران جدید، مانند شرکت های چندملیتی و دیگر بازیگران غیر دولتی، افراد، سازمان های بین المللی و گروه هـای بین المللی به ویژه رسـانه هـای ارتبـاط جمعی ماننـد اینترنت، ماهواره ها و شـبکه های گسترده اطلاع رسانی باعث متزلزل شدن مرزهای ملی می شود و دولت، دیگر نمی تواند همانند گذشـته مرزهای ملی را ببندد و اعمال سـیاست کند، حتی جهان گرایانی چون اوهم تا آنجا پیش رفته اند که پیش بینی می کنند احتمالاً

ص:۵۵

دولت ملی از صحنه حیات سیاسی محو شود.(۱)

۲. انفعال کشورها در سازمان های بین المللی

۲. انفعال کشورها در سازمان های بین المللی

به طور کلی، بیشتر سازمان های بین المللی در اختیار کشورهای ابرقدرت و تحت تأثیر سیاست های آنانند. این مسئله شامل سازمان ملل متحد و بسیاری دیگر از سازمان های بین المللی می شود. به همین دلیل، کشورهای ابرقدرت، سیاست هایی را که در مسیر جهانی سازی و گسترش سرمایه داری است، در کشورهای جهان سوم پیاده می کنند. این مسئله درباره کشورهای اسلامی هم صادق است. این در حالی است که فرهنگ اسلامی که بر گرفته از آموزه های دینی و اسلامی است، هرگونه سلطه قدرت های ستمگر را بر کشورهای اسلامی رد می کند؛ به گونه ای که اصل نفی سبیل از اصول مسلم اسلامی است که باید در دستور کار سیاست خارجی کشورهای اسلامی قرار گیرد. خداوند در آیه ۱۴۱ سوره نساء می فرماید:

«لَنْ یَجْعَلَ اللّهُ لِلْکافِرینَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ سَبیلاً؛ خداوند هر گونه سلطه کفار بر مؤمنین را مردود می شمارد.»

این در حالی است که ابزار سلطه و قدرت این کشورها بر کشورهای اسلامی، از طریق سیاست های مختلف اعمال می شود. صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی (W.T.O) و مانند اینها، برای ارائه خدمات به کشورها اعمال برخی سیاست های مغایر با منافع ملی آنها را درخواست می کند. برای نمونه، سازمان تجارت جهانی برای عضویت

۱- «جهانی شدن، هویت قومی یا هویت ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۱۱، ص ۲۴.

کشورها پیشنهاد می کند تا موانع پیوستن بر طرف شود که از آنها می توان به حذف یارانه ها و خصوصی سازی اشاره کرد. این سیاست ها، حتی در کشورهایی چون پاکستان به حذف برخی از آموزه های دینی از متون درسی انجامیده است.

در هر حال، برخورد ابرقدرت ها و کشورهای سلطه گر با کشورهای اسلامی که ناشی از گسترش جهانی سازی است، در قالب سازمان های بین المللی به کاهش نقش کشورهای اسلامی در این سازمان ها انجامیده است و در حالی که کشورهای ابرقدرت دارای حق وتو در سازمان ملل متحد هستند، کشورهای اسلامی با بیش از ۵۰ کرسی در سازمان ملل از این حق محرومند. از این رو، ملاحظه می شود سیاست های فرا مرزی که به نام جهانی شدن و جهانی سازی در جهان اجرا می شود بیش از گذشته موجب انفعال کشورهای اسلامی شده است؛ به گونه ای که این کشورها فقط، منفعلانه از سیاست های این سازمان ها پیروی می کنند.

با مرور آنچه در سازمان ملل متحد، در مقام یکی از مهم ترین سازمان های بین المللی روی می دهد، این سلطه ابرقدرت ها بر کشورهای جهان سوم درک می شود. به گونه ای که می توان گفت، تشکیل سازمان ملل در پی تحقق بخشیدن به اندیشه «دهکده جهانی» تحت لوای «نظم نوین» جهانی است تا فرهنگ و قانونی واحد بر اساس خواست غربی بر آن حاکم شود و مردم جهان را با برنامه های واحد اداره کنند. بدین منظور، سازمان ملل متحد و تشکیلات آن، مانند یک دولت جهانی عمل می کند و هر یک از بخش های آن مانند وزارت خانه این دولت، وظایف خود را پی گیری می کند.

ص:۵۷

این مسئله، یعنی «ایجاد نظم نوین جهانی»، در بند چهارم از ماده اول منشور سازمان ملل با صراحت مطرح شده است. بنابراین، همیشه دستاویزی برای قدرت های بزرگ وجود دارد تا کشورهایی که در برابر سلطه جویی آنان می ایستند، عامل بی نظمی و حامی تروریسم معرفی شوند و به جرم به خطر انداختن نظم و امنیت جهانی آنان را سرکوب کنند. از این رو، کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی در مقابل آنان، به دلیل نیازهایی که دارند و با توجه به تسلط ابرقدرت ها بر این گونه سازمان ها و نهادهای بین المللی، همیشه منفعلانه برخورد می کنند.

شاید بتوان گفت که یکی از مهم ترین پی آمدهای سیاسی جهانی شدن در حوزه های اقتصادی و سیاسی، وابستگی کشورهای اسلامی باشد. این وابستگی، متأسفانه زمینه ساز مشکلات زیادی در حوزه های مختلف برای کشورهای اسلامی می شود که در کل، با فرهنگ و آموزه های اسلامی ــ که خواهان عزت و استقلال برای کشورهای اسلامی است ــ هم خوانی نداشته و ندارد.

سوم ــ پی آمدهای فرهنگی

اشاره

سوم ــ پی آمدهای فرهنگی

هر چند جهانی شدن در حوزه اقتصاد از نمود عینی تری برخوردار است، در مقایسه با حوزه فرهنگ با چالش کمتری روبه رو است. مسئله مهم در این زمینه، افزایش حدود موضوع ها و پویش فرهنگی در سطح جهان است؛ به گونه ای که امروزه تحلیگران جهانی برپایه جغرافیای فرهنگی هم عرض با جغرافیای سیاسی سخن می گویند. در فرآیند جهانی شدن فرهنگی، فرهنگ مصرفی، مدگرایی، لذت طلبی و مسائلی مانند آن بسیار تبلیغ می شود. از

ص:۵۸

این رو، ما با یک امپریالیسم فرهنگی که در پی همگن سازی و یکدست کردن جهان از طریق جهانی کردن کالاهای مصرفی و فرهنگی خود است، روبه رو هستیم. بنابراین، در جهانی شدن فرهنگی چون فرهنگ به طور کامل به اقتصاد سرمایه داری وابسته است، ارزش زیباشناختی خود را از دست می دهد و ابزاری می شود.

اسلام و جهانی شدن فرهنگی

اشاره

اسلام و جهانی شدن فرهنگی

فرهنگ در اسلام، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. آن چیزی که امروزه سبب شده است و مسلمانان در برابر ستمگران و ابرقدرت ها مقاومت کنند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، عزت و استقلال خود را حفظ کنند و زیر بار زور نروند؛ وجود آموزه های دینی و اسلامی است که به صورت فرهنگ اسلامی تجلی پیدا می کند. برهمین اساس، جنبش ها و نهضت های بی شماری در سراسر جهان اسلام با الگوگیری از فرهنگ اسلامی شکل گرفته است و مسلمانان مبارزه دامنه داری را با بیگانگان شروع کرده اند. این به نحوی آمیختگی سیاست و دیانت را نشان می دهد که مسئله مهمی در فرهنگ اسلامی است.

تاریخ به خوبی نشان می دهد که هر گاه مسلمانان توانسته اند فرهنگ خود را در برابر حملات بیگانگان حفظ کنند، تمدن اسلام پویندگی خود را حفظ کرده است و هر گاه به فرهنگ خود بی اعتنایی کرده اند، شکست های سختی را متحمل شده اند. به همین سبب، از شروع برخورد تمدن اسلام و غرب، بیشترین هدف دشمنان اسلام، هدف قرار دادن فرهنگ اسلامی بوده است؛ زیرا این فرهنگ، توانایی بسیج توده های مسلمان را به خوبی داراست. از

این رو، در دهه های اخیر، راهبرد دشمنان اسلام، تضعیف فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است. و هر چند در گذشته این کار با شیوه هایی مانند اعزام مبلّغان و کشیشان مسیحی به صورت مستقیم بوده است، در دهه های اخیر با توجه به گسترش فزاینده ارتباطات و رسانه های گروهی، این مسئله از راه های پیچیده تری پیگیری می شود.

نکته ای را که نمی توان در این زمینه از نظر دور داشت، این است که تضعیف فرهنگ اسلامی را تنها از طریق منشأ خارجی صورت نمی گیرد، بلکه در این باره، باید بی توجهی کشورهای اسلامی و گسترش اختلافات بین آنها را هم به حساب آورد.

در عین حال، وضعیتی که هم اینک در جهان اسلام محسوس تر است، تهاجم فرهنگ و ارزش های کشورهای بیگانه به فرهنگ اصیل اسلامی است که با ساز و کار جدید، در سازمان ها و نهادهای مختلف و به نام «جهانی شدن» و «جهانی سازی» انجام می شود که محور آن، گسترش فرهنگ و ارزش های غربی و تضعیف فرهنگ و باورهای اسلامی است. در اینجا به برخی از پی آمدهای جهانی شدن در حوزه فرهنگی اشاره می کنیم:

۱. تضعیف فرهنگ اسلامی

۱. تضعیف فرهنگ اسلامی

به دلیل گسترش ارزش های مادی غرب و تلاش قدرت هایی که در پشت صحنه، این اقدامات را دامن می زنند، شاهد تضعیف فرهنگ اسلامی در جوامع اسلامی هستیم. از این رو، در پدیده جهانی شدن سهم یکسان برای کشورهای شمال و جنوب وجود ندارد؛ زیرا غرب با تلقی «مرکز محوری» در پی جهان گشایی فرهنگی از طریق ادغام سازی، همگن سازی، یکسان سازی و

تحمیل الگوهای لیبرالی و سکولار به کشورهای جنوب است.

فرهنگ غربی از طریق رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی؛ همچون ماهواره، اینترنت و مانند آن، بر نسل های جوان کشورهای اسلامی تأثیر می گذارد و آنان بیش از آنکه از ارزش های نهادهای جامعه پذیری، همچون خانواده و مدرسه تأثیرپذیر باشند، از عوامل ثانویه همچون وسایل ارتباط جمعی و رسانه های گروهی پیروی می کنند؛ که به ضعف فرهنگ و هویت اسلامی آنها می انجامد.

از این رو، دنیای مادی غرب، به دلیل تسلط بر رسانه های گروهی جهان و برخورداری از ابزار قدرت همچون پول، ثروت و امکانات، می کوشد فرهنگ و ارزش های خود را به سراسر جهان انتقال دهد. به همین دلیل، ساموئل هانتینگتون، نظریه پرداز بحث برخورد تمدن ها می گوید: «تمدن غرب، به دلیل برخورداری از سه امتیاز راسیونالیتی بودن، ابزاری بودن فرهنگ و صنعتی بودن، می تواند با قدرت در آستانه جهانی شدن گام بردارد».(۱)

دشمنان اسلام و در رأس آنها محافل صهیونیستی در امریکا که در شبکه سازنده فیلم های سینمایی در هالیوود نفوذ کرده اند، تنها از سال ۱۳۶۴ تاکنون، ۷۰۰ فیلم سینمایی بر ضد اسلام تولید کرده اند. دشمنان اسلام با ساخت و توزیع فیلم ها و سی دی ها در جهان توانستند تا حدودی افکار عمومی جهانیان را به اسلام و مسلمانان بدبین کنند. در این فیلم ها مسلمانان انسان هایی خون آشام، تروریست یا افراطی و منبع خشونت و خطری برای

۱- ساموئل هانتینگتون، نظریه برخورد تمدن ها، ترجمه: مجتبی امیری، تهران، بی نا، ۱۳۷۴، صص ۵۳ و ۵۴.

فرهنگ و تمدن غربی معرفی می شوند. محافل یهودی، با این گونه فیلم ها توانسته اند شهروندان امریکایی را بر ضد مسلمانان این کشور بسیج کنند. برای نمونه، یکی از فیلم هایی که در سال ۱۳۷۹ ساخته شده بود، مسلمانان را در امریکا تهدید اصلی معرفی می کرد.(۱)

۲. رواج مدگرایی و فرهنگ مصرفی

۲. رواج مدگرایی و فرهنگ مصرفی

یکی از آفت هایی که امروزه کشورها با آن روبه رو هستند، رواج مدگرایی است. این آسیب فرهنگی در کشورهای اسلامی، پی آمدهای ناگواری در پی داشته است. بی گمان، هدف کشورهای غربی از رواج مدگرایی در کشورهای اسلامی، وابسته کردن این کشورها به خود، ترویج ارزش های فرهنگ خود، به فروش رساندن محصولات نامرغوب خود و بسیاری از موارد مشابه است که از طریق فرهنگ مسلّط جهانی به فرهنگ کشورهای جهان سوم تزریق می شود. کشورهای غربی چنین وانمود می کنند که یک انسان مدرن و امروزی، نباید با مفاهیمی همچون، مک دونالد، پیتزا و مانند آن، بیگانه باشد. به همین دلیل، پیروی از فرهنگ و آداب و رسوم و مدل های رفتاری و زندگی غربی و اروپایی نشانه انسان مدرن است. بنابراین، با ترویج و تبلیغ مدگرایی در زمینه های مختلف، کردار و رفتار و طرز فکر در محیط های فردی و اجتماعی، در نوع غذا، مسکن، لباس و بسیاری از موارد دیگر، کشورهای اسلامی را وادار می کنند تا ثروت های خود را برای مصارفی هزینه کنند که جزو ضروریات زندگی آنها به شمار نمی آید.

ص:۶۲

۱- فصل نامه کتاب نقد، ش ۲۴ و ۲۵، ص ۲۷۲.

از این رو، بایـد مـدگرایی و پیروی از فرهنگ ابتـذال و مصـرفی غربی را یک آفت مهم در کشورهای اسـلامی دانست که می توان آن را در زمره کارکردهای فرهنگی جهانی سازی و تسلط فرهنگ مادی غرب بر جهان بررسی کرد.

۳. بحران هویت

۳. بحران هویت

یکی از پی آمـدهای جهـانی سازی و تسـلط فرهنگ مصـرفی و مادی غرب بر جوامع اسـلامی و مشـکل هایی که در این زمینه پدیـد می آیـد، بحران هویت است. جوانان کشورهای اسـلامی هنگامی که با فرهنگ خود بیگانه شونـد و در طول شـبانه روز بیشـتر از طریق رسـانه هـای گروهی غربی جـامعه پـذیر شونـد، دچـار بحران هویت می شونـد، بلکه به هویت خویش احسـاس وابسـتگی هم نمی کننـد و همه چیز را در تمسـک به فرهنـگ غرب می داننـد. از این رو، بحران هویت از مشـکل های اصـلی جوامع اسلامی به شمار می آید.

به باور برخی نظریه پردازان، جهانی شدن، هویت جدیدی را مطرح کرده است که تقریبا از عناصـر و پارامترهای فرهنگ دینی تهی است و در نتیجه بـا هویت اسـلامی همخوانی نـدارد؛ زیرا جهانی شـدن موجب تخریب سـنن و فرهنگ بومی کشورها می شود و به نوعی همسان سازی فرهنگی می انجامد. یکی از نظریه پردازان غربی در این زمینه می گوید:

«آموزه های تجـدد، عالم گیر و جهانی می شود و مؤلفه های جدیدی به عنوان تشـخص و هویت جهانی مطرح می گردد. این هویت بر باورهای لیبرالیستی غرب و در چارچوب انـدیشه لیبرالیسم تعریف می گردد... . جهانی شـدن، عملاً این مفهوم را القا می کند که هیچ کس از پی آمدهای ناشی از

گسترش تجدد در امان نیست و نمی تواند برخلاف آن گزینشی به عمل آورد».(1) بنابراین، جهانی شدن، حتی هویت شخصی افراد را دگرگون کرده است، و این دگرگونی ها، آن چنان گسترده است که وجوه بسیاری از زندگی خصوصی افراد را نیز متحول می کند.

ارزیابی

ارزیابی

با توجه به آنچه گذشت، معلوم شد که جهانی شدن دارای ابعاد و زوایای پیدا و پنهان زیادی است که همه شئون زندگی بشری را در بر می گیرد. مهم ترین ابعاد آن عبارتند از:

۱. بُعد قومی که از جریان جابه جایی انسان ها از جمله مهاجران، قومیت ها، آوارگان، پناهندگان و... پدید می آید.

۲. بُعد تکنولوژیکی و جریان ماشین محوری که به وسیله شرکت های چندملیتی و ملی و سازمان های دولتی پدید می آید.

۳. بُعد پولی که شامل جریان های سریع پولی در بازارهای ارز و ارتباطات بورس است.

۴. بُعد رسانه ای که عبارت است از جریان تولید تصاویر و اطلاعاتی که در قالب روزنامه ها، تلویزیون و فیلم ها منتشر می شوند.

۵. بُعد فلسفی که مربوط به انگاره های وابسته به ایدئولوژی های دولتی یا ضد دولتی مانند دموکراسی، آزادی، رفاه و حقوق بشر است.

۱- آنتونی گیدنز، تجدد و تشخص، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۳.

۶. بُعد اقتصادی که شامل جابه جایی کالاها و سرمایه و خدمات می شود.

با توجه به این مطالب، دو دیدگاه کلی درباره جهانی شدن به وجود می آید؛ نخست، دیدگاه سطحی و ابتدایی و در نهایت خوش بینانه که آن را یک فرآیند طبیعی در نظر می گیرد و دوم، دیدگاه واقع گرایانه و در نهایت بدبینانه که آن را یک توطئه از پیش تعیین شده و یک «پروژه غربی» می داند. البته دیدگاه سومی هم می تواند وجود داشته باشد که برپایه فرصت و تهدید است؛ یعنی جهانی شدن را بسته به اینکه فرصت و یا تهدید بدانیم، می توان بررسی کرد. باید گفت براساس آنچه در خارج به ویژه در کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی، در حال روی دادن است، بیشتر جهانی شدن را باید با نگاه بدبینانه دید؛ زیرا بیشتر ساز و کار و ابزار آن در عرصه های مختلف در اختیار ابرقدرت هاست، بنابراین، چون همواره جهانی شدن از حالت فرصت به تهدید تبدیل می شود، باید آن را به واژه «جهانی سازی» تعبیر کرد. جهانی سازی در حوزه سیاسی به فرسایش حاکمیت ملی کشورها و در بُعد فرهنگی به تهاجم فرهنگی در ابعاد مختلف و در بُعد اقتصادی، به زوال دولت های ملی و انفعال کشورهای اسلامی در برابر سازمان های بین المللی می انجامد. بنابراین، در بُعد سیاسی فرآیندی پدید می آید که دولت های کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای اسلامی، همانند گذشته نمی توانند حاکمیت خود را در زمینه های مختلف در داخل و خارج به پیش ببرند، بلکه گاه مجبورند به خاطر سیاست های الزامی جهانی که توسط ابرقدرت ها ترسیم می شود، از بعضی از وجوه حاکمیت خود چشم پوشی کنند.

همان گونه که جهانی سازی، در بعد فرهنگی زمینه ای را فراهم می آورد که

ص:۶۵

در آن، فرهنگ، ارزش ها، نمادها و باورهای جوامع تحت تأثیر قدرت مخرب رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی غربی قرار می گیرند و گاه فرهنگ غربی را فرهنگ جهانی و تأیید شده تبلیغ می کنند، در حوزه اقتصادی هم، جهانی سازی به دلیل قوانینی که توسط سازمان های اقتصادی بین المللی و شرکت های چند ملیتی ایجاد می شود، سرانجام انفعال کشورهای اسلامی را در پی دارد. این روند اقتصادی، ادامه اقتصاد آزاد و یا اقتصاد سرمایه داری است که از امپریالیسم مرسوم گذشته به امپریالیسم جدید روی آورده است و هیچ حد و مرزی برای حضور خود نمی شناسد. از این رو، کشورهای اسلامی مجبورند با ورود به این سازمان ها فعالیت کنند و امکان حیات اقتصادی مستقل برای آنها وجود ندارد؛ به گونه ای که سازمان تجارت جهانی «گات» در دور هشتم در اوروگوئه به برخی از کشورهای باقی مانده از جمله ایران گوشزد کرده است که اگر تا سال ۲۰۰۵ به عضویت این سازمان درنیاید، بر روی صادرات آنها به خارج، ۶۰۰ درصد تعرفه می بندد. ورود به این سازمان ها مستلزم عملی کردن بسیاری از قوانین لازم الاجرای این سازمان هاست که گاه با مصالح و منافع ملی و اسلامی سازگار نیست.

سرانجام اینکه می توان گفت، جهانی شدن در صورتی می تواند فرصتی برای کشورهای اسلامی باشد که این کشورها شرایطی فراهم آورند تا با میل و اختیار خود و همراه با قدرت ملی، در تمامی ابعاد با آن روبه رو شوند. در این صورت، جهانی شدن می تواند فرصتی برای پیشبرد اهداف اسلامی باشد و کشورهای اسلامی می توانند از منافع آن استفاده کنند.

فصل سوم: راهکارهای اصلاحی

اشاره

فصل سوم: راهکارهای اصلاحی

پس از اینکه چالش های کشورهای اسلامی و آسیب شناسی آن در عرصه های مختلف داخلی و خارجی ارزیابی، نقد و بررسی شد و دریافتیم که جهان اسلام، امروزه با مشکلات زیادی روبه رو است، به گونه ای که فرهنگ، اقتصاد و سیاست آن گرفتار بسیاری از سیاست های ابرقدرت ها و نظام های سلطه جهانی است، باید زمینه رویارویی با آن را بررسی و راه حلی عملی برای آن پیشنهاد کرد؛ چیزی که بتواند جوامع اسلامی را سامان دهد. پرسش مهمی که در این قسمت مطرح می شود، این است که از چه طریق و یا شیوه هایی می توان بر چالش های داخلی و خارجی که عقب ماندگی کشورهای اسلامی را به دنبال دارد، چیره شد؟ آیا کشورهای اسلامی، امکانات رویارویی و برخورد با این مسئله را دارند؟

از این رو، این قسمت از پژوهش درباره راه های عملی و اصلاحی برای مقابله با سیاست های استکباری در جهان سوم و به ویژه، کشورهای مسلمان است. در این باره، دو راه حل برای این مسئله پیشنهاد می شود؛ راه حل نخست، وحدت و دومی، هم گرایی کشورهای اسلامی و نزدیک سازی سیاست هایشان به یکدیگر است.

۱. وحدت

اشاره

۱. وحدت

وحدت از مفاهیمی است که در متون اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. از سوی دیگر، نقش مهمی در سیاست خارجی و داخلی جوامع اسلامی ایفا می کند. شاید بتوان گفت این مفهوم، در قرآن مجید بیشتر از دیگر مفاهیم سیاسی به کار رفته است. درک وضعیت کنونی جهان اسلام، مشکلات و اختلافات فرقه ای، قومی، مذهبی و عقیدتی که در فصل گذشته بررسی شد، ضرورت توجه به مفهوم وحدت را به شکل یک راه حل و استراتژی در حوزه داخلی و خارجی بیشتر مشخص می کند.

الف) مفهوم وحدت در قرآن

الف) مفهوم وحدت در قرآن

در قرآن کریم، آیات زیادی را می توان یافت که در آن به مسئله وحدت اشاره شده است. مفاهیمی چون «واعتصموا» (نساء: ۱۶۴)، «تعاونوا» (مائده: ۲)، «اصلاح فِی الناس» (نساء: ۱۱۴)، «الّف بینهم» (انفال: ۶۳)، «امه واحده» (انبیاء: ۹۲) و «اخوه» (حجرات: ۱۰) نمونه هایی از آن است.

محور وحدت در دیدگاه قرآنی، «توحید» و در مرتبه بعد «دین اسلام» است. قرآن کریم پیامبر را به سوی اهل کتاب می فرستد و از آنان برای پیوستن به شعار توحید و جدایی از غیر او دعوت می کند:

ای پیامبر، به اهل کتاب بگو، بیایید براساس کلمه ای که بین ما و شما مشترک است، غیر از خدا را نپرستیم و یکدیگر را در برابر خداوند به عنوان رب و پروردگار نگیریم... . (آل عمران: ۶۴)

این آیه شریفه، نشان می دهد که مرز اتحاد «توحید» است و مشرکان و کافران که بر محور توحید حرکت نمی کنند، در وحدت دینی پذیرفته

نخواهند شد. در تبیین محور وحدت، به آیات دیگری نیز که اعتقاد به رسول خدا و اعتقاد به اولی الامر و مانند آن را مشخص می کنند، می توان اشاره کرد.

ب) انواع وحدت

ب) انواع وحدت

به طور کلی، می توان چند نوع وحدت را بیان کرد:

یک ـ وحدت مطلق(۱)

وحدت مطلق، عبارت است از اتفاق نظر مسلمانان در همه عقاید، معارف و احکام اسلامی، با همه اصول و فروع آن. این وحدت، با نظر به آزادی اندیشه و تعقل در ویژگی ها و انتخاب دلایل در عناصر و اجزای اصلی عقاید و احکام دین اسلام، به اندازه ای گسترده است که می توان گفت امری امکان ناپذیر است.

دو ـ وحدت مصلحتی و عارضی(۲)

وحدت مصلحتی، از جبر عوامل خارج از حقیقت و متن دین پیش می آید و در مواقعی لازم است که آن عوامل، جوامع اسلامی را در خطر اختلاف قرار دهند. به طور معمول، در هنگام بروز عوامل نابودکننده و مخاطره آمیز، تضادها و اختلافات در میان فرقه ها و مذاهب مختلف نادیده گرفته می شود و نوعی هماهنگی میان آنان پدید می آید؛ چون این نوع هماهنگی معلول عوامل جبری خارج از متن دین است. با از میان رفتن آن عوامل، این اتحاد نیز منتفی می شود. همان گونه که توقع «وحدت مطلق» میان متفکران و مردم

۱- حسین ابوالفضلی، مقاله «وحدت شناسی در اندیشه امام خمینی رحمه الله، نفی وحدت تاکتیکی و تأکید بر وحدت استراتژیک»، پگاه حوزه، خرداد ۱۳۸۱، ش ۵۱، صص ۱۰ ـ ۱۲.

۲- همان، ص ۱۲.

جوامع اسلامی غیر منطقی است؛ توقع این وحدت مصلحتی عارضی که بتواند فرقه ها و مذاهب اسلامی را از هماهنگی و اتحاد دایمی و معقول برخوردار سازد نیز انتظاری نابه جاست.

سه _ وحدت معقول

این نوع وحدت، وحدتی است که با توجه به دین اسلام و آموزه های آن شکل می گیرد. به این دلیل معقول، گفته می شود که براساس اعتقاد همه مسلمانان و بدون توجه به عقاید شخصی و نظری و فرهنگ محلی، شایان بررسی است. از این رو، این وحدت منطقی و معقول است که براساس واقعیات و نیازهای همه مسلمانان است.

برخی از اندیشمندان، از نگاه دیگر وحدت را به اقسام دیگری هم تقسیم کرده اند:

۱. وحدت ایدئولوژیک؛

۲. وحدت استراتژیک؛

۳. وحدت تاکتیکی.

منظور از وحدت ایدئولوژیک، این است که زمینه ای برای هم گرایی همه مسلمانان در همه عقاید فراهم شود که البته شدنی نیست. در کنار آن، وحدت استراتژیک بر عقیده و تفکر کمتر تأکید دارد. معتقدان به این نوع وحدت، مشکل را در نبود درک مشترک در عمل به احکام و آموزه های اسلامی و مصالح مسلمانان می دانند. از این رو، براین باورند که اقدام یکنواخت مسلمانان، در مناسبات خارجی و بین المللی، زمینه ساز موفقیت آنها در خیلی از زمینه ها خواهد شد. برخلاف وحدت استراتژیک که در پی

وحدت پایدار و دایمی است، وحدت تاکتیکی همانند وحدت مصلحتی به وحدتی موقت و مقطعی اشاره دارد. پس وحدت استراتژیک می تواند وحدت معقول هم به شمار آید.

کارسازترین نوع وحدت برای جامعه امروز، وحدت «استراتژیک» است. بنابراین، کشورهای اسلامی و جهان اسلام می توانند آن را همچون چارچوبی برای رفع چالش ها و مشکلات خود به کار گیرند. در مباحث آینده به شیوه های دست یابی به این نوع وحدت و ارتباط آن با هم گرایی پرداخته خواهد شد.

۲. هم گرایی

اشاره

۲. هم گرایی

زیر فصل ها

الف) مفهوم هم گرایی

ب) وحدت سیاسی و هم گرایی

ج) هم گرایی در اندیشه اسلامی

د) محورهای هم گرایی کشورهای اسلامی

الف) مفهوم هم گرایی

الف) مفهوم هم گرایی

مفهوم هم گرایی در متون سیاسی کاربرد زیادی دارد و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق کاربرد آن بیشتر شده است، به گونه ای که می توان گفت پس از این مقطع، بیشتر کشورها می کوشند تا اهداف و منافع ملی خویش را از طریق «هم گرایی» تأمین کنند. بنابراین، باید گفت نظریه همکاری در موضوع های مختلف سیاسی، اقتصادی به ویژه در سیاست خارجی کشورها از مصادیق هم گرایی به شمار می آید. برخی از اندیشمندان، هم گرایی و وحدت را مرتبط می دانند. بر این اساس، وحدت و هم گرایی را یکی دانسته اند؛ در حالی که باید گفت وحدت به طور مطلق نمی تواند به هم گرایی بینجامد. به این دلیل، هم گرایی برخلاف وحدت که یک مفهوم برای نزدیک سازی افکار و عقاید و ادیان و مسلمانان به کار می رود و مفهومی اسلامی و مذهبی است و کاربرد فرهنگی دارد، هم گرایی مفهومی

سیاسی به شمار می رود و بیشتر در سطح سیاست خارجی و روابط بین الملل است و بر عملکرد تأکید دارد.

ب) وحدت سیاسی و هم گرایی

ب) وحدت سیاسی و هم گرایی

با اینکه وحدت را به طور مطلق نمی توان بر هم گرایی منطبق کرد؛ چون وحدت بیشتر در میان مذاهب و ادیان به کار می رود و هم گرایی در موضوع های سیاسی، می توان مفهوم وحدت سیاسی را با هم گرایی مرتبط دانست. در این صورت، مفهوم وحدت تنها به معنای وحدت عقیده نخواهد بود، بلکه استراتژی و روشی به شمار خواهد آمد که از آن در روابط سیاسی کشورها استفاده می شود.

آرمان وحدت منطقه ای و قاره ای و جهانی، از دیرباز الهام بخش ایدئالیست و جنبش های فکری وابسته به آن بوده است و از روزگاران گذشته، فلاسفه با تکیه بر نظریه های اجتماعی برخاسته از قانون طبیعت و تعلیمات مذهبی، تشکیل جوامع بزرگ را برای رسیدن به نیازهای بشری ضروری دانسته اند. افلاطون، طبیعت ناتوان انسان را موجد تشکیل جامعه به منظور همکاری و رفع نیازهای بشری می دانست.(۱)

شاید الگوی مدینه فاضله افلاطون را بتوان روشن ترین رابطه وابستگی متقابل انسان و جامعه و ضرورت ایجاد نظم و وحدت در روابط اجتماعی و در مقیاس خرد و کلان به شمار آورد. از این نظر، نظم و هم بستگی و

۱- مایکل ب. فاستر، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه: جواد شیخ الاسلامی، امیرکبیر، تهران، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۷.

هم گرایی را در متن طبیعت می توان دید. زندگی مورچگان و دیگر حشرات، نمونه ای از آن است.

اگوستین قدیس (۳۵۴ _ ۴۲۹ م.) وحدت سیاسی را در یک جامعه مذهبی که به آن (شهر خدا) یا مدینه متعالی لقب می داد، جست وجو می کرد. او بـا اشـاره به آیین دو شـهر (یکی شـهر خـدا که در آسـمان است و دیگری شـهر خاکی که روی زمین است) موضوع وحدت و هم گرایی جامعه بزرگ جهانی را به نوعی متبادر می کرد.

بدین سبب، اندیشـمندان کلاسیک از دیرباز به مسئله هم گرایی در قالب وحدت و همکاری اجتماعی پرداخته اند. این مسئله _ یعنی پرداختن به موضوع هم گرایی _ در نزد اندیشـمندان معاصـر هم نمود داشـته است که بیشـتر بـا عنوان «وظیفه گرایی» (Function Dlism)مطرح است. این گروه، از هراس روابط جنگل گونه جامعه یا جوامع آنارشـیستی و مناسبات خصمانه و تئوری های موازنه وحشت و بازدارنـدگی استراتژیکی، به نظریه هم بسـتگی برای دست یابی به صـلح پایـدار پناه برده اند. این اندیشـمندان، براین باورند که برای دست یابی به وحدت و هم گرایی، در چارچوب ضـرورت های حاکم بر روابط بین الملل، بایـد به اموری اقدام کرد که به سود متقابل کشورها باشد؛ مانند تولید، عرضه، صدور، مصـرف، کشاورزی، محیط زیست، فن آوری، سرمایه گذاری و مانند اینها. از این رو، بیشتر به رفتار دوستانه و همکاری بین المللی اشاره می کنند.

موریس دو ورژه، از اندیشمندان بنام فرانسه از دیرباز به نظریه هم گرایی،

ص:۷۳

با دیدگاه خاصی توجه کرده است. وی آن را فرآیند متحد کردن یک جامعه دانسته است و می کوشد با به کارگیری نظم، آن جامعه را هماهنگ سازد. البته می توان تعبیر جامعه را، هم در جامعه داخلی و هم جامعه در سطح کلان، یعنی جامعه بین المللی و یا سطح منطقه ای بیان کرد. از این رو، در میان اندیشمندان قدیم و جدید خارجی بر مفهوم هم گرایی بیشتر در قالب «وظیفه گرایی» تأکید شده است.

ج) هم گرایی در اندیشه اسلامی

ج) هم گرایی در اندیشه اسلامی

هم گرایی در اندیشه قرآنی، بیشتر با عنوان «وحدت سیاسی» به کار رفته است؛ زیرا قرآن کریم مسلمانان را یک امت و جامعه می داند و از آنان می خواهد تا راه های نزدیک شدن به یکدیگر را در سایه وحدت بپیمایند. این وحدت و هم گرایی بر پایه اصول کلی اسلامی است که عبارتند از:

۱. برابری بشر از تفاوت های اعتباری مانند نژادی، رنگ و پوست، جغرافیا و قوم و...؛

۲. همکاری، برادری و برابری انسان ها در چارچوب حکومتی واحد، عادل و بهره گیری از تمام مواهب و منابع مادی و معنوی در یک فضای توحیدی؛

۳. پیروی از آیین شرع، تشکیل جامعه منسجم (امت) اسلامی و حرکت در صراط مستقیم برای رسیدن به صفات عالی الهی.

بنابراین، هم گرایی در نظریه اسلامی از طریق وحدت سیاسی با توجه به متون دینی و دستورهای اسلامی پدید می آید که هدف اصلی آن، بیشتر منافع و مصالح انسانی و الهی است؛ برخلاف مفهوم هم گرایی در اندیشه غربی که

بیشتر بر محور منافع ملی کشورها و منافع مادی و سودجویانه است.

در صدر اسلام، مشی سیاسی پیامبر که باعث قبول دعوت او و وحدت قبایل پراکنده جزیزه العرب شد، چیزی جز بهره گیری از عوامل هم گرایی موجود نبود؛ به گونه ای که برخی با استناد به سند حقوقی بسیار محکم «منشور مدینه»، که مقررات ائتلاف بین قبایل مسلمانان و یهود را تدوین کرد، از آن به «کنفدراسیون» تعبیر می کنند.(۱)

افزون بر این، پیامبر با بستن پیمان صلح حدیبیه، گام دیگری در راه وحدت سیاسی مسلمانان برداشت. بر این اساس اندیشه اسلامی در زمینه وحدت و هم گرایی نه رنگ تعلّقات ناسیونالیستی دارد و نه انترناسیونالیستی. برخلاف آن وضعیت، ماهیت هم گرایی هایی که امروزه از آن یاد می شود و در انعقاد پیمان های نظامی و سیاسی نمود می یابد، بیشتر حالت قدرت طلبی و سلطه گری دارد.(۲)

بنابراین، پیامبر با استفاده از ارزش های مثبت و قدر مشترک های موجود و با در پیش گرفتن یک دیپلماسی فعال، توانست شالوده وحدت و هم گرایی ای را بریزد که در قرون متمادی با عبور از فراز و نشیب های زیاد، تا عمق سرزمین های مسیحی اروپایی در غرب و تا دورترین نقاط عالم در شرق فراگیر شود. متأسفانه، با وجود سرمایه های فراوان معنوی و تاریخ افتخارآمیز

۱- محمد حمدالله، اولین قانون مکتوب جهان، ترجمه: غلام رضا سعیدی، تهران، بعثت، ۱۳۵۸، صص ۶۵ _ ۶۸.

۲- عباس علی عمید زنجانی، وطن و سرزمین و آثار حقوقی آن در دیدگاه فقه اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶، صص ۷۸ و ۷۹.

گذشته اسلام، امروزه به دلیل کوتاهی مسلمانان در هم گرایی و وحدت سیاسی، شاهد مشکلات زیادی در حوزه جهان اسلام هستیم.

از آنچه گذشت، می توان گفت که هم گرایی عبارت است از: «اشتراک نظر و مساعی کشورهای مختلف در یک منطقه که منافع مشترک دارند. برای رسیدن به اهداف جمعی و جلوگیری از تهدیدهای احتمالی در زمینه های گوناگون، این هم گرایی در اندیشه اسلامی بیشتر با نام وحدت سیاسی تجلی پیدا می کند؛ یعنی زمینه های سیاسی مشترک که کشورهای اسلامی را در یک موضوع مشترک به هم نزدیک می کند. بی گمان اقدام رهبر فقید انقلاب اسلامی را در معرفی آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان روز قدس، می توان نمونه کاملی از استفاده از زمینه سیاسی (وحدت سیاسی) مسلمانان برای هم گرایی در مسئله فلسطین دانست.

ارزیابی

پیش تر، اندیشمندان اسلامی برای رویارویی با مشکلات جهان اسلام که گاه عقیدتی بود، راه حل وحدت شیعه و سنی را پیشنهاد می کردند و تصور بر این بود که مشکل اساسی در جهان اسلام، پیوند مذهبی در این زمینه است، ولی به دلیل گسترش وسایل ارتباط جمعی و تلاش دشمنان در نابودی هویت اسلامی، مسائل جدیدتری پیدا شد که پی آمدهای آن نه متوجه شیعه و سنی، که متوجه اصل و اساس اسلام بود. ازاین رو، مسلمانان باید خود را برای رویارویی با مسائل جدید _ که هویت اسلامی را به چالش وامی داشت _ آماده می کردند. به همین دلیل، اندیشمندان سیاسی جهان اسلام، نوعی از وحدت را مطرح کردند که پاسخ گوی مسائل جدید باشد که بیشتر به وحدت

سیاسـی تعبیر شد؛ زیرا بیشتر درباره مسائل روز جهان اسلام بود. از سوی دیگر، هم گرایی هم که یک مفهوم سیاسی است، بر اشتراک نظر کشورهـایی که موضوع هـای مشترک و تهدیـدهای مشترک دارنـد تأکیـد می کنـد و آنهـا را به چاره جویی می خوانـد. بر این اساس، شایـد بتوان از میان انواع وحدت که اشاره شد، وحدت استراتژیک را که به مسائل اساسـی جهان اسـلام اشاره دارد (وحـدت سیاسـی) با هم گرایی مرتبط دانست. البته هـدف از انتخاب وحدت استراتژیک، بی توجهی به دیگر انواع وحدت نیست، بلکه به دلیل آن است که این وحدت، پاسخ گوی مسائل اساسی تر جهان اسلام در حال و آینده است.

د) محورهای هم گرایی کشورهای اسلامی

اشاره

د) محورهای هم گرایی کشورهای اسلامی

پس از اینکه در پاسخ به پرسـش اصلی پژوهش، هم گرایی مهم ترین راه حل برای مبارزه کشورهای اسلامی با عقب ماندگی و رویـارویی با چالش های کنونی دانسـته شـد، اکنون بایـد دیـد این هم گرایی چگونه می توانـد عملی شود و زمینه تحقق آن کجاست؟

کشورهای اسـلامی از نوعی فرهنگ مشترک اسـلامی برخوردارند. دین اسـلام که جوهره فرهنگی این کشورها را تشکیل می دهد، خواهان برخورداری مسـلمانان از عزّت، اتحاد و آسایش و امنیت است و تحت سلطه قرار گرفتن مسلمانان را برنمی تابد. به طور کلی، یکی از اصول مهم و مطرح در فقه سیاسـی که زیربنای قدرت و روابط خارجی مسـلمانان است، قاعده نفی سبیل است که بر پایه آن، مسلمانان نباید در روابط با کشورهای دیگر به گونه ای عمل کنند که انفعال و ضعف و زبونی آنان را در پی داشته باشد. (نساء: ۱۴۱)

ص:۷۷

از پیامبر گرامی اسلام روایت شده است که «الاسلام یَعْلُو و لایُعلی علیه».(۱) این روایت بیانگر آن است که اسلام همواره از دیگر ادیان برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد. همچنین خداوند متعال در آیات بی شماری، عزت را از آنِ مسلمانان و دین اسلام دانسته و به مسلمانان یادآور شده است که زمینه دست یابی به چنین موقعیتی را فراهم آورند. این فرهنگ استقلال و برتری را نه فقط در حوزه سیاست، بلکه در تمامی حوزه ها از جمله اقتصاد باید خود مسلمانان ایجاد کنند و مسلمانان نباید وابستگی اقتصادی به غیر که موجب از بین رفتن عزت آنان می شود داشته باشند، از سوی دیگر توجه به علم آموزی و هنر، در فرهنگ اسلامی منعکس شده است و به مسلمانان توصیه می شود زمینه دست یابی به آن را فراهم سازند. از این رو، توجه به فرهنگ اسلامی و آموزه های دینی، مهم ترین مسئله ای است که می توان برپایه آن، به هم گرایی دست یافت. ولی نکته این است که فرهنگ اسلامی، امروزه در میان مسلمانان دچار فراموشی و تفسیرهای گوناگونی شده است.

این مسئله و درک آن برای مسلمانان از آن جهت اهمیت بیشتری دارد که اندیشمندان غربی در تهاجم خود، هدف اصلی را فرهنگ مسلمانان دانسته اند؛ به گونه ای که هانتینگتون می گوید:

تجدید حیات اسلامی سرچشمه اصلی منازعات غرب با اسلام در ربع قرن آینده خواهد بود و تمدن غرب، به ویژه در روابط با اسلام، با مشکل روبه رو

۱- المیزان، ج ۴، باب میراث اهل الملل.

خواهد شد... .(۱)

پس از بیـان این مطـالب، می توان نتیجه گرفت که اصولاًـ می توان از کشورهـای اسـلامی انتظار داشت که بیش از گذشـته به فرهنگ اصـیل اسـلامی خود توجه کننـد. بنابراین، توجه به آموزه های فرهنگ اسـلامی، همچون عزت، اسـتقلال، نفی سبیل و ماننـد آن می تواند زمینه مناسب برای هم گرایی کشورهای اسـلامی در حوزه فرهنگی فراهم آورد، کشورهای اسـلامی مایه هـای فرهنگی مشـترکی برای رسـیدن به هم گرایی دارنـد که شـرایط تحقق آن به عمـل خودشـان بسـتگی دارد. در هر حـال، فرهنگ اسلامی مهم ترین منبع قدرت و مهم ترین امکانات کشورهای اسلامی برای رسیدن به هم گرایی به شمار می رود.

آنچه امروزه در ایران اسلامی شاهد آن هستیم، می تواند گواه روشن بر این مسئله باشد که هر زمان مسلمانان به فرهنگ اصیل اسلامی خود و آموزه های آن توجه کرده اند، به استقلال خود دست یافته اند.

در ادامه، لازم است تـا شـیوه هـای هم گرایی در حوزه فرهنگی بیان شونـد و مشـخص شود که کشورهای اسـلامی از چه راه هایی می تواننـد به آن دست یابنـد. از این رو، آنچه خواهـد آمد، پیشـنهادی برای هم گرایی کشورهای اسـلامی است که می تواند محوری برای برنامه سازی باشد.

ص:۷۹

۱- ساموئـل هـانتینگتون، سـخنرانی تحت عنوان منـازعه غرب و اسـلام در دانشـگاه هـاروارد، سـال ۱۹۹۷، به نقـل از: فصـلنامه خاورمیانه، سال ۱۳۸۰، ش ۲.

یک ـ هم گرایی کشورهای اسلامی در زمینه های فرهنگی

اشاره

یک ـ هم گرایی کشورهای اسلامی در زمینه های فرهنگی

زیر فصل ها

اول ـ طرح فرهنگ اصیل اسلامی و جلوگیری از ترویج فرهنگ بیگانه

دوم ـ همکاری در جهت تولید و تبادل محصولات فرهنگی از طریق صدا و سیمای کشورهای اسلامی

سوم ـ همکاری برای تولید علم

اول ـ طرح فرهنگ اصیل اسلامی و جلوگیری از ترویج فرهنگ بیگانه

اول ـ طرح فرهنگ اصیل اسلامی و جلوگیری از ترویج فرهنگ بیگانه

دین اسلام و آموزه های اسلامی، یکی از سرمایه های عظیم مسلمانان به شمار می رود که برای آنان در تمامی زمینه های گوناگون زندگی، برنامه و راهکار دارد و سعادت دنیا و آخرت مسلمانان را در نظر داشته است. از منظر اسلامی، انسان در مقام خلیفه الله، باید در مراحل تکامل خویش به جایگاه مطلوب و مورد انتظار خویش برسد و از آنچه مانع رسیدن او به آن است دوری کند. از این رو، تمام دستورهای اسلامی ـ که فقه اسلامی بدان اشاره داشته است ـ در پی آنند تا مناسبات داخلی و خارجی مسلمانان را به بهترین شکل سامان بخشند.

تاریخ نشان داده است هر زمانی که مسلمانان به فرهنگ و هویت خویش بازگشته اند، از جایگاه ارزشمندی در میان جهانیان برخوردار شده اند. برعکس، هر زمان که به فرهنگ اسلامی و هویت واقعی خویش بی توجه بوده اند، با آسیب ها و چالش های بی شماری روبه رو شده اند.

بی گمان، در عصر کنونی، یکی از دغدغه اصلی جهان اسلام، بی اعتنایی مسلمانان به فرهنگ اسلامی خویش و تأثیر گرفتن از فرهنگ بیگانه است. این مسئله سبب شده است تا دشمنان اسلام، با توجه به نقش و تأثیر فرهنگ اسلامی در بیداری مسلمانان، با استفاده از شیوه های گوناگون، مسلمانان را با فرهنگ اصیل اسلامی خویش بیگانه سازند. در این میان، تهاجم فرهنگی راهبردی است که کشورهای مستکبر، برای رویارویی با فرهنگ اسلامی در نظر دارند. از این رو، بر کشورهای

اسلامی است تا بیش از گذشته به فرهنگ اسلامی خویش توجه کنند تا بتوانند به جایگاه مطلوب خویش برسند.

البته بایـد گفت هم گرایی فرهنگی، همـان گونه که وظیفه تـک تـک مسـلمانان در کشورهای اسـلامی است، وظیفه حاکمان کشورهـای اسـلامی هم است، بلکه بایـد گفت آنـان در ایجاد هم گرایی جهان اسـلام بیشترین نقش را برعهـده دارنـد. بـدین سبب، شایسـته است برای ایجـاد هم گرایی از طریق مطرح کردن فرهنـگ اصـیل خود و جلوگیری از چیرگی فرهنـگ بیگـانه، اقدامات زیر را انجام دهند:

الف) ترسیم چارچوب فرهنگی کشور خود، براساس مبانی و فرهنگ اصیل اسلامی؛

ب) تعامل با دیگر کشورهای مسلمان از طریق ارتباطات فرهنگی؛

ج) حضور فعـال در سازمـان هـای بین المللی و همکـاری در تصـمیم گیری مشترک بـا دیگر کشورهای اسـلامی از جمله، در سازمان کنفرانس اسلامی؛

د) حفظ نهادهای فرهنگی کشور در رویارویی با تهاجم فرهنگی از طریق حمایت از فرهنگ خودی.

دوم ـ همکاری در جهت تولید و تبادل محصولات فرهنگی از طریق صدا و سیمای کشورهای اسلامی

دوم ـ همکاری در جهت تولید و تبادل محصولات فرهنگی از طریق صدا و سیمای کشورهای اسلامی

بی گمان، یکی از شیوه های مهم در زمینه هم گرایی کشورهای اسلامی، همکاری رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی آنان است؛ زیرا در عصر اطلاعات که تمامی رسانه های جهانی در اختیار کشورهای مستکبر قرار دارد و از آنها به عنوان ابزار نفوذ خود در کشورهای دیگر استفاده می کنند، و کشورهای اسلامی نیز در نوک تهاجم فرهنگی دشمن قرار گرفته اند، هیچ

راهی به جز همکـاری و هم گرایی برای وسایل ارتباط جمعی کشورهای اسـلامی نیست. و تنها از این طریق است که آنان می توانند، فرهنگ و هویت و عزت اسلامی خویش را تأمین کنند.

در ایـن میـان، رادیـو و تلویزیـون از ابزار مهـم فرهنگی کشورهـاست کـه نقش بسـیار مهمی در فرهنـگ سـازی دارد. رادیـو و تلویزیون های کشورهای اسلامی می توانند از طریق تولید و تبادل برنامه های مفید و آموزنده در زمینه های مختلف، مقدمات هم گرایی کشورهای اسلامی را فراهم آورند.

پرسشـی که در اینجـا مطرح می شـود، این است که از چه طریـق این هم گرایی حاصـل می شـود و اصولاًـ آیـا برای این کـار، راهکار قانونی و مورد پذیرش کشورهای اسلامی در نظر گرفته شده است؟

در پاسخ به این پرسـش باید گفت، سازمان کنفرانس اسلامی که بزرگ ترین سازمان بین المللی اسلامی است، از آغاز به این مسئله واقف بوده است. کشورهای اسـلامی نیز که همگی عضو آن هسـتند، این همکاری و هم گرایی را در نظر داشته اند. از این رو، سازمانی به نام سازمان رادیو و تلویزیون های کشورهای اسلامی (۱)(I.S.B.O) تاسیس شده است.

در ادامه این سازمان را بیشتر معرفی خواهیم کرد.

محور فعالیت

مبـادله برنامه های رادیو و تلویزیونی و ایجاد مراکز ضـبط برنامه های رادیویی، همکاری با سازمان های بین المللی و منطقه ای در زمینه محصولات

ص:۸۲

۱- The Islamic States Broad Casting Organization.

رادیو و تلویزیون، از جمله محورهای سازمان یاد شده هستند.

هدف ها

۱. گسترش تبلیغات اسلامی و افزایش آگاهی از میراث اسلامی؛

۲. تقویت مفاهیم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تربیتی که هم بستگی اسلامی را در پی دارد؛

۳. مبادله برنامه های انتشاراتی مانند اخبار و اطلاعات فنی و تعلیم کادر لازم در کشورهای عضو.

از سوی دیگر، یک آژانس خبرگزاری اسلامی(۱) معروف به «اینا»(۲) هم در سازمان کنفرانس اسلامی برای تقویت هم گرایی کشورهای اسلامی در نظر گرفته شده است.

این آژانس، بر طبق تصمیم دومین اجلاس وزرای خارجه دولت های اسلامی، در «کراچی» تأسیس شد و اهداف آن عبارتند از:

الف) توسعه روابط نزدیک و گسترده میان کشورهای عضو؛

ب) افزایش تماس های شغلی و همکاری های فنی بین آژانس های خبرگزاری کشورهای عضو؛

ج) تلاش برای تحکیم اهداف جهان اسلام و تفاهم بیشتر ملت های مسلمان در زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.(۳)

ص:۸۳

۱- آنچه در معرفی این سازمان آمده، برگرفته از کتاب سازمان کنفرانس اسلامی در جهان متغیر، چاپ وزارت امور خارجه است.

۲- International Islamic News Agency.

۳- محمدالسید سلیم و عبدالمنعم المشاط، سازمان کنفرانس اسلامی در جهان متغیر، مترجم: حسن رضایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۷۳.

سوم ـ همکاری برای تولید علم

سوم ـ همکاری برای تولید علم

یکی دیگر از نیازهای ضروری و لازم برای دست یافتن کشورهای اسلامی به وحدت و هم گرایی در زمینه فرهنگی، ارتباط و تعامل سازنده بین مراکز آموزشی و پژوهشی کشورهای اسلامی است. طبیعی است که این همکاری، یکی از مهم ترین و ضروری ترین کارها در این باره است؛ زیرا امروزه کشورهای اسلامی با موج تهاجم فرهنگی غرب روبه رو هستند که به صورت های گوناگون، بر تمامی فضای فرهنگی و آموزشی جهان اسلام تأثیر گذاشته است. مواد آموزشی در علوم مختلف، استادان و متخصصان در هر زمینه، فضاهای آموزشی مدرن و پیشرفته و ابزار و وسایل اطلاع رسانی و آموزشی، در اختیار کشورهای سلطه جو است و کشورهای اسلامی، در حقیقت مجبورند در مسیر همان اندیشه هایی حرکت کنند که نظریه پردازان و اندیشمندان غربی مطرح کرده اند. البته این مسئله در برخی علوم جدید بیشتر احساس می شود.

آنچه گفته شد، گوشه ای از پی آمدهای وابستگی کشورهای اسلامی به فرهنگ غرب است.

البته نباید تصور شود که منظور ما بی نیازی کشورهای اسلامی در تمام زمینه هاست. یا اینکه کشورهای اسلامی نباید از علوم و فنون غربی و غیراسلامی استفاده کنند؛ زیرا امروزه نمی توان کشوری را یافت که در تمامی زمینه ها بی نیاز باشد. بر این اساس، حتی باید در برخی زمینه ها افرادی را به کشورهای خارجی بفرستند تا با جدیدترین علوم و فنون آشنا شوند. این

سخنان، بیشتر بر این نظر است که متأسفانه، تبادل فرهنگی صحیح و منطقی که امری پسندیده است، امروز به جریان یک طرفه و مسلطی تبدیل شده است که دیگر نمی توان نام تعامل و یا تبادل بر آن نهاد، بلکه جریانی است که طرف مقابل (فرهنگ غیر غربی) را به هیچ رو قبول ندارد و حتی فرهنگ اسلامی را مهم ترین دشمن خود می داند و شاید تمامی تلاش های امریکا در خاورمیانه، عراق، افغانستان و محدوده جهان اسلام، برای جلوگیری از نفوذ و گسترش این فرهنگ باشد.

چه باید کرد؟

این پرسشی است که پاسخ آن بسیار مهم است و همان گونه که گفته شد، مهم ترین مسئله در این زمینه تولید علم است و بس؛ یعنی مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی کشورهای اسلامی به جای فرو رفتن در روش ها و فرضیه ها و آموزش هایی که متناسب با شرایط زندگی غربی ساخته شده اند، باید خود، متناسب با شرایط و نیاز خود به تولید علم، نظریه و روش اقدام کنند و در این راه، البته می توان از فنون و علوم و روش های فرهنگ های دیگر هم بهره گرفت. شاید پرسیده شود از چه طریق و با چه مکانیسمی می توان این تولید علم را پی گرفت؟ در جواب باید گفت، از طریق همکاری فرهنگی کشورهای اسلامی به ویژه مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی این کار میسر است.

همکاری کشورهای اسلامی با کمیته اطلاعات و امور فرهنگ (کوفیاک)(۱) که وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی است، می تواند چارچوب خوبی برای

۱- Standing Committe For Information Culfural Affairs.

این نوع همکاری باشد. در اساس نامه این سازمان اهدافی مهم گنجانده شده است:

۱. ایجاد ارتباط بین ارگان ها و مؤسسه ها و دانشگاه های کشورهای اسلامی؛

۲. ترسیم استراتژی فرهنگی جهان اسلام و ارائه برنامه های علمی در این زمینه؛

۳. برطرف کردن موانع موجود بر سر راه فعالیت های فرهنگی کشورهای اسلامی.(۱)

آنچه بیان شد، برخی از زمینه های هم گرایی کشورهای اسلامی است که می توانند بیش از گذشته در زمینه هم گرایی جهان اسلام به کار روند.

دو _ هم گرایی کشورهای اسلامی در زمینه های سیاسی

اشاره

دو _ هم گرایی کشورهای اسلامی در زمینه های سیاسی

زیر فصل ها

اول _ امکانات کشورهای اسلامی در زمینه سیاسی

دوم _ شیوه های سیاسی هم گرایی کشورهای اسلامی

اول _ امکانات کشورهای اسلامی در زمینه سیاسی

اشاره

اول _ امکانات کشورهای اسلامی در زمینه سیاسی

زیر فصل ها

الف) روز جهانی قدس

ب) مراسم حج

الف) روز جهانی قدس

الف) روز جهانی قدس

پیشنهاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی رحمه الله مبنی بر اختصاص جمعه آخر ماه مبارک رمضان هر سال به روز جهانی قدس و حمایت جهان اسلام از مسلمانان فلسطین، موجی از امید را در دل های مسلمانان جهان زنده کرد. هر سال در این روز، مسلمانان در حالی که یک ماه رمضان را به عبادت الهی مشغول بوده اند و به استقبال عید فطر می روند، با برپایی مراسم روز جهانی قدس، بیش از پیش می توانند، زمینه اقدامات عملی را در حمایت از قیام به حق مردم فلسطین فراهم آورند. بنابراین، این روز

۱- کنفرانس اسلامی، ص ۶۰ .

می تواند فرصت خوبی برای تقویت هم گرایی سیاست های کشورهای اسلامی در زمینه سیاست خارجی باشد. حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

من از عموم مسلمانان و دولت های اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبان آنان به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان را دعوت می کنم که آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که ایام قدر است، انتخاب و طی مراسمی هم بستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند.(۱)

در جای دیگر ایشان می فرماید:

اگر در روز قدس، تمام کشورهای اسلامی و ملت ها به پا خیزند و فریاد بزنند، نه برای قدس تنها، برای همه ممالک اسلامی، پیروز خواهند شد.(۲)

ایشان در جای دیگر می فرماید:

من روز قدس را روز اسلام و روز رسول اکرم صلی الله علیه و آله می دانم و روزی که باید تمام قوای خودمان را مجهز کنیم و مسلمین را از آن انزوایی که آنها را کشانده بود، خارج شوند و با تمام قدرت در مقابل اجانب بایستند.(۳)

ب) مراسم حج

ب) مراسم حج

بی گمان هدف مهم از برگزاری مراسم و مناسک حج، آشنایی کشورهای اسلامی و مسلمانان با مشکلات یکدیگر است و طبیعی است که این آگاهی از مشکلات و چالش های سیاسی، می تواند کشورهای اسلامی و دولت های آنان را به سوی هم گرایی برای حل و فصل آنها هدایت کند. از این رو، در

۱- پیام امام خمینی به مسلمانان جهان، ۱۷/۵/۵۸.

۲- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۸۲، ۱۸/۵/۵۹.

۳- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۲۸، ۴/۹/۵۸.

ایام حج که هر ساله میلیون ها مسلمان با یک دین و یک هدف و یکرنگ و یکدل در کنار خانه خدا حاضر می شوند، فرصت مناسبی است تا کشورهای اسلامی به ویژه دولت های آنان، با تشکیل یک همایش و گفت وگوی علمی، مسائل و مشکلات اساسی جهان اسلام را مطرح کنند و چگونگی همکاری در سیاست خارجی را بررسی کنند. آنچه در مراسم حج هر سال با نام مراسم برائت از مشرکین انجام می شود، می تواند به این مسئله مهم و ضروری هدایت شود و کشورهای اسلامی، راه های حضور و نفوذ خود در سطح بین الملل و خنثی سازی توطئه های دشمنان را بررسی کنند. امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

ای زائران خانه خدا، توطئه های چپ و راست و به خصوص امریکای چپاولگر و متجاوز و اسرائیل جنایتکار را به گوش عالمیان برسانید و از آنان استمداد کنید و جنایات این جنایتکاران را بشمارید و به خواست خداوند قادر، وعده نصرت و پیروزی به شما می دهم.(۱)

در هر حال، مراسم باشکوه حج، فرصت مناسبی است تا اندیشمندان و مسلمانان کشورهای مختلف اسلامی با تبادل نظر و ایراد مباحث درباره مسائل و مشکلات جهان اسلام، هم فکری کنند. در این زمینه صدا و سیما می تواند از طریق شبکه جام جم و رادیوهای برون مرزی در موسم حج، این مراسم را پشتیبانی کند.

دوم _ شیوه های سیاسی هم گرایی کشورهای اسلامی

اشاره

دوم _ شیوه های سیاسی هم گرایی کشورهای اسلامی

هر چند کشورهای اسلامی امروز در زمینه مسائل سیاسی در حوزه داخلی

ص:۸۸

۱- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۲۲، ۳۰/۸/۵۸.

و مواردی چون حکومت و میزان مشارکت افراد در آن، احزاب و گروه های سیاسی و مسائلی مانند اینها، در دسته بندی های متنوعی جای می گیرند، در زمینه مسائل سیاست خارجی، همانندی های دارند که آنان را به سمت همکاری بیشتر برای دست یابی به اهداف کلی اسلامی و منافع ملی رهنمون می سازد. به طور مشخص، امروزه کشورهای اسلامی با داشتن حدود یک میلیارد جمعیت و ۵۵ کشور که دارای استقلال رأی در سازمان ملل متحد هستند، بیشتر با یک عدم هم گرایی در عمل روبه رو هستند و کمتر توانسته اند در زمینه مسائل و چالش هایی که کشورهای اسلامی را تهدید می کند، وحدت رویه داشته باشند. نداشتن سیاست خارجی مشخص درباره مسئله فلسطین، سلطه امریکا در جهان اسلام، تروریسم، حقوق بشر، جهانی شدن و مسائل دیگر، آنها را با دسته بندی های متعددی روبه رو کرده است. بدیهی است آنچه می تواند مشکل سیاسی کشورهای اسلامی را به ویژه در زمینه سیاست خارجی مرتفع سازد، هم گرایی است. برای رسیدن به این هدف مهم لازم است تا کشورهای اسلامی اقدامات زیر را انجام دهند:

الف) پی ریزی سیاست خارجی برپایه فرهنگ و آموزه های اسلامی

الف) پی ریزی سیاست خارجی برپایه فرهنگ و آموزه های اسلامی

امروزه ابرقدرت ها برای رسیدن به اهداف و مقاصد خود، در اندیشه کسب قدرت و یا حفظ آن هستند. از این رو، قدرت طلبی و بهره مندی از آن، مهم ترین هدف در سیاست آنها به شمار می آید. این در حالی است که هدف در سیاست از منظر اسلامی، با فرهنگ غربی متفاوت است. در فرهنگ اسلامی نمی توان برای رسیدن به هدف، از هر وسیله ممکن استفاده کرد، در

حالی که این مسئله از دیدگاه غرب امری پذیرفته شده است.(۱)

متأسفانه به دلیل تأثیرپذیری فرهنگ برخی از کشورهای اسلامی از فرهنگ و آموزه های غربی و قبول نظریه های علمی آنان، موضوع سیاست در این گونه کشورها دچار تحول شده و آن را از فرهنگ و سیاست اسلامی دور کرده است. از این رو، شاید مهم ترین مسئله در زمینه سیاسی و هم گرایی مربوط به آن، پی ریزی یک سیاست اسلامی باشد. این مسئله خواهد توانست درک بهتر و صحیحی از سیاست خارجی و پیمودن مسیر هم گرایی سیاسی برای کشورهای اسلامی به دنبال داشته باشد. در این زمینه، برخی از آموزه های اسلامی _ که مربوط به سیاست خارجی مسلمانان است _ بیان می شوند:

یک _ اصل خلافت الهی: از دیدگاه قرآن، انسان خلیفه الله در زمین و عهده دار استقرار حاکمیت خداوند و وارث نهایی زمین و حکومت در آن است. انسان موظف است شرایط لازم را برای اجرای این مسئولیت بزرگ به دست آورد و از همه امکانات معنوی و مادی خویش در این مسیر بهره گیرد.

قرآن کریم می فرماید: «وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَهِ إِنّی جاعِلٌ فِی ٱلْأَرْضِ خَلیفَهً؛ آن گاه که پروردگار تو خطاب به فرشتگان گفت من اراده کردم که در روی زمین حکومت کنی...». (بقره:۳۰)

دو _ امت واحده: قرآن، انسان ها را با وجود اختلاف، تمایز و تفاوت های گوناگونی که بین آنها وجود دارد، مجموعه ای هم گرا و همگون خلق کرده

۱- نک: اندیشه های اندیشمندان واقع گرای غربی از جمله ماکیاول در کتاب شهریار.

است و آنها را به یک سازمانـدهی فراگیر دعوت می کنـد: «کانَ النّاسُ أَمَّةً واحِـدَةً فَبَعَثَ اللّهُ النَّبِیِّینَ؛ مردم در نخستین روزهای حیات اجتماعی، امت واحد بودند. از آن پس خداوند انبیا را برانگیخت.» (بقره: ۲۱۳)

سه ـ اصـل ظلم زدایی: قرآن کریم بر ضـرورت ظلم زدایی از جـامعه، در صـحنه فعـالیت های اجتماعی تأکیـد می کنـد و می فرماید:

«لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ؛ نباید ظلم کنید و به آن تن در دهید.» (بقره: ۲۷۹)

چهـار ـ اصـل نفی سبیـل: برپـایه آموزه های قرآنی، مسـلمانان در هیـچ زمینه ای نبایـد به زیر سـلطه کفار درآینـد و موظفنـد، موجبات سـربلندی خویش را فراهم آورنـد: «وَ لَنْ یَجْعَلَ اللّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلاً؛ خداونـد هرگز کافران را بر مومنان مسلط نکرده است.» (نساء: ۱۴۱)

پنـج ـ اصـل استضـعاف زدایی: «یَقُولُ الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِینَ اسْتَکْبَرُوا لَوْ لا أَنْتُمْ لَکُنّا مُؤْمِنِینَ؛ مستضـعفان می گوینـد: «اگر مستکبران نبودند، ما از مؤمنان بودیم.» (سبا: ۳۱)

طبق این اصل، اسـتبکار یکی از عوامل مهمی است که می توانـد تضـعیف قدرت و نفوذ کشورهای اسـلامی را به دنبال داشـته باشـد. از این رو، مسـلمانان بایـد بـا این پدیـده شوم به مقابله برخیزنـد و زمینه آن را در عرصه های حیات اجتماعی ـ سیاسـی خویش از بین ببرند.

شش ـ اصل صـلح گرایی: از دیـدگاه اسـلام، صـلح، خود یک هـدف است و مسـلمانان بایـد برای ایجاد آن در جهان تلاش کنند.

قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا إِلی کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ أَلاّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللّهَ.

بگو، ای اهل کتاب، بیایید بر سخنی که بین ما و شما یکسان است، گرد هم آییم» (آل عمران: ۶۱).

هفت ـ اصل گسترش عدالت: برپایه آموزه های اسلامی، هدف از ایجاد جامعه

انسـانی و ارتباطـات انسـانی، گسترش عـدالت در زمین است و انبیـا در همین زمینه تلاش کرده انـد: «أَمِرْتُ لِأَعْـدِلَ بَیْنَکَمُ؛ من مأمورم که عـدالت را در میان شـما برپا دارم» (شورا:۱۵). یا «إِنَّ اللّه َیَأْمُرُ بِالْعَـدلِ؛ خداوند به عدالت پیشـگی فرمان می دهد.» (نحل: ۹۰)

هشت ـ اصل وحـدت: برپایه آموزه های اسـلامی، مسـلمانان باید برای وحدت و یکپارچگی تلاش کنند. خداوند می فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا...؛ به ریسمان خداوند چنگ زنید و متفرق نشوید.» (آل عمران: ۳۰)

افزون بر این اصول، می توان به آموزه های دیگری که می توانند در زمینه سـیاست اسـلامی مؤثر واقع شوند اشاره کرد، مانند: اصل جهاد، اصل دعوت، اصل تألیف قلوب و... .

کشورهـای اسـلامی بایـد بر مبنـای این اصول و مبانی ـ که نشان دهنـده سیاست اسـلامی است ـ برای رسـیدن به هم گرایی تلاش کنند و به جای پیروی از سیاست غربی که با هدف انسان محوری است (اومانیسم)، با عمل به آموزه های اسلامی، برای رسیدن به جامعه خدا محور و بسط آن در روابط سیاسی بکوشند.

به همین دلیل، کشورهای اسلامی باید سیاست خارجی خود را بر پایه فرهنگ و آموزه های اسلامی تدوین کنند که نتیجه آن، سیاست اسلامی خواهد بود که بیانگر فرهنگ و هویت واقعی آنهاست.

ب) هم سویی دولت ها با ملت ها

ب) هم سویی دولت ها با ملت ها

هم گرایی جهـان اسـلام در زمینه هـای سیاسـی، فرهنگی و اقتصـادی از موضوع هایی است که کشورهای اسـلامی امکانات و ظرفیت های آن را دارند، ولی این به هم سویی و همکاری دو گروه وابسته است: گروه اول، مردم،

نخبگان، روشن فکران، اندیشمندان و عالمان دینی هستند که قدرت تأثیرگذاری دارند و می توانند جریان ساز باشند. این افراد باید به درک متقابل و ضرورت هم گرایی برسند و با نظریه پردازی و بیان روش ها و چگونگی ایجاد، به تحقق آن اقدام کنند.

گروه دوم، دولت ها هستند. این وظیفه دولت های کشورهای اسلامی است که بستر لازم را فراهم آورند؛ زیرا اگر مردم و نخبگان به این مهم برسند، ولی دولت ها اقدامی نکنند، نتیجه ای به دست نخواهد آمد. از این رو، نقش دولت ها بسیار مهم و شایان توجه است. دولت های اسلامی در صورتی می توانند در مسیر ایجاد هم گرایی گام بردارند که نماینده ملت خود باشند و مستقل از سیاست ابرقدرت ها و نقشه های آنان عمل کنند. آنچه در زمینه هم گرایی در زمینه های مختلف در جهان اسلام گفته شده و تاکنون عملی نشده است، به دلیل نبود یکی از این دو عامل بوده است.

ج) به کارگیری امکانات و ظرفیت های جهان اسلام برای مقابله با سیاست های امریکا در منطقه

ج) به کارگیری امکانات و ظرفیت های جهان اسلام برای مقابله با سیاست های امریکا در منطقه

امروزه، امریکا بزرگ ترین دشمن مسلمانان به شمار می آید و نیز بیشترین حمله و تهدید این کشور متوجه کشورهای اسلامی است. به گونه ای که حضور امریکا در منطقه خاورمیانه، با هدف محدودیت اسلام و ارزش های آن صورت گرفته است. مقامات امریکایی بارها به صراحت به این مسئله اعتراف کرده اند و این مسئله، از سیاست های اساسی امریکا از گذشته تاکنون است.

ریچارد نیکسون، رئیس جمهور سابق امریکا در زمان حمله امریکا به کویت می گوید:

ص:۹۳

جهان اسلام در قرن ۲۱ میلادی، یکی از مهم ترین میدان های زورآزمایی سیاست خارجی امریکاست. با پایان یافتن جنگ سرد، یخ رقابت های دیرینه پس از ۴۵ سال کم کم دارد آب می شود و در منطقه ای که مهم ترین همسایه هر کشور، رقیب و بدترین دشمن اوست، بی ثباتی خطر بزرگی برای ما محسوب می شود.(۱)

وی کشورهای اسلامی و اسلام را مهم ترین تهدید برای امریکا در قرن ۲۱ می داند و توصیه می کند که سیاست مداران امریکا، اقدامات خاص خود را برای مهار آنان انجام دهند: «سیاست مداران امریکا در جهان اسلام باید از درون یک لانه مار که آکنده از منازعات زهرآگین عقیدتی و رقابت های ملی است، راه خود را بیابند».

مسلم است که هدف امریکا و استکبارگران از تهدید جهان اسلام، جلوگیری از احیای مجدد تمدن اسلامی است که در گذشته توانسته بود در بسیاری از مناطق جهان نفوذ پیدا کند. کم نیستند عالمانی که در جهان اسلام، در زمینه علوم مختلف در سطح جهان تأثیرگذار بوده اند. از این رو، اگر جهان اسلام در آرامش و به دور از تهدیدهای منطقه ای و جهانی باشد، با توجه به امکانات و ظرفیت هایی که دارد می تواند به جایگاه گذشته خویش برسد و ترس استکبار از همین موضوع است. به همین علت، درصدد است با ایجاد تهدیدها و چالش هایی که به وجود می آورد، راه نفوذ آن را سد کند. ریچارد نیکسون در این زمینه می گوید:

همان طور که علم شرقی، رنسانس را در غرب برافروخت، اکنون وقت آن

۱- فرصت را از دست ندهیم، ص ۲۴۵.

است که غرب هم در رنسانس دنیای اسلام سهمی داشته باشد. اگر ما دولت های تجددطلب دنیای اسلام را شریک تمام عیار خود تلقی کنیم و اگر بکوشیم مسائل دشوار امنیتی خاورمیانه را حل کنیم، به این تولد دوباره کمک کرده ایم... یکی از منافع حیاتی ما این است که از افتادن سلاح های هسته ای به دست هر دولتی که در جهان، توسعه یافته است تا بالقوه متجاوز باشد جلوگیری کنیم و ایالات متحده برای رفع تهدیدهایی که متوجه این منافع می شود، باید به نیروی نظامی متوسل گردد.(۱)

با توجه به آنچه گفته شد، یکی از اهداف مهم ایالات متحده امریکا در جهان اسلام به ویژه منطقه خاورمیانه، تهدید کشورهای اسلامی و جلوگیری از توانمند شدن این کشورهاست تا با این کار بتواند از رسیدن آنها به تمدن و پیشرفت جلوگیری کند. تجاوز به افغانستان، عراق، تهدید کشورهایی مانند سوریه، ایران و کشورهای دیگر اسلامی با بهانه های مختلفی مانند مبارزه با تروریسم، بنیادگرایی، سلاح های هسته ای را می توان در همین زمینه تجزیه و تحلیل کرد.

از این رو، کشورهای اسلامی و مجموعه جهان اسلام، باید با همکاری و هم گرایی همه جانبه نگذارند تا منافع ملی و اسلامی آنان را برخی کشورها از جمله امریکا تهدید کنند. کشورهای اسلامی می توانند با به کارگیری ظرفیت ها و امکاناتی که دارند، در این زمینه گام های اساسی بردارند:

یک ـ ایجاد یک نیروی نظامی مشترک از کشورهای اسلامی، به منظور حل برخی از درگیری ها و ایجاد آرامش و صلح و جلوگیری از بهانه تراشی

۱- همان.

امریکا برای نفوذ در کشورهای اسلامی. همانند افغانستان و عراق.

دو ــ بررسی و شناسایی مهم ترین چالش ها و مشکلات موجود جهان اسلام در صحنه روابط بین الملل و چارچوبی در خصوص چگونگی رویارویی با سیاست های استکباری امریکا.

سه ــ بررسی سیاست های امریکا در جهان اسلام، در مراکز آموزش عالی و دانشکده های علوم استراتژیک کشورهای اسلامی و بررسی چگونگی برخورد با آن و تعامل اطلاعات در این باره.

د) ایجاد اتحادیه ها و پیمان های نظامی و سیاسی بین کشورهای اسلامی

د) ایجاد اتحادیه ها و پیمان های نظامی و سیاسی بین کشورهای اسلامی

کشورهای ابرقدرت در سطح جهان با ایجاد دسته بندی کشورها و ایجاد پیمان های متعدد، در پی سلطه بر جهان و توسعه میدان نفوذ خود هستند. به گونه ای که ملاحظه می شود تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آنچه در جهان حاکم بود، وجود دو بلوک در سطح جهان بود که عبارت بودند از: بلوک شرق؛ شامل کشورهایی که بیشتر از مرام کمونیستی پیروی می کردند و در رأس آنها اتحاد جماهیر شوروی سابق بود و دوم بلوک غرب؛ که شامل کشورهایی می شد که پیرو نظام سرمایه داری بودند و در رأس آن ایالات متحده امریکا بود. این دو بلوک، جهان را به دو منطقه تحت نفوذ خود تقسیم کرده بودند؛ ولی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جهان وارد مرحله تازه ای از تحولات سیاسی و اجتماعی شد که از مهم ترین پی آمدهای آن، تغییر ساختار سیاسی و نظامی جهان بود. بر این اساس، سیستم موازنه قوا که پیش از آن وجود داشت و برپایه نظام دو قطبی بود، از میان رفت و ایالات متحده امریکا با درک شرایط موجود، دُکترین آینده خویش را «نظم نوین

جهانی» اعلام کرد که یکی از اهداف مهم آن به دست گرفتن جهان و ایجاد جهان تک قطبی بود. پس از آن، بسیاری از کشورهایی که پیش تر در بلوک شرق بودند، با وضعیت جدید به بلوک غرب و دامان ایالات متحده امریکا پیوستند. برخی از کشورهای اسلامی از جمله کشورهای عربی از این دسته هستند. ایالات متحده امریکا توانست در منطقه جهان اسلام، پیمان های نظامی و سیاسی متعددی با برخی از این کشورها همانند کویت، قطر، بحرین و... منعقد سازد. این در حالی است که مسلمانان به دلیل استقلال و عزتی که برپایه آموزه های اسلامی باید از آن برخوردار باشند، از پیوستن به چنین پیمان هایی منع شده اند. شاید بهترین کار در این زمینه، هم گرایی سیاسی کشورهای اسلامی از طریق ایجاد پیمان های سیاسی و دفاعی با یکدیگر باشد که در این صورت، افزون بر جلوگیری از نفوذ دشمنان اسلام، خواهند توانست بر سرنوشت خویش مسلط شوند. برخی از مهم ترین اهداف ایجاد این پیمان های سیاسی و نظامی می تواند چنین باشد:

یک ــ به دست گیری ابتکار عمل توسط کشورهای اسلامی در صحنه سیاست خارجی؛

دو ــ جلوگیری از فرصت طلبی کشورهای سلطه گر و مداخله آنان در کشورهای اسلامی؛

سه ــ حل و فصل مسالمت آمیز منازعه های کشورهای اسلامی.

ه) بررسی چگونگی برخورد کشورهای اسلامی با مسئله جهانی شدن

ه) بررسی چگونگی برخورد کشورهای اسلامی با مسئله جهانی شدن

امروزه یکی از موضوع های مهمی که کشورهای اسلامی را به بحث و نگرانی اساسی واداشته، مسئله جهانی شدن است. البته خود مفهوم جهانی

شـدن از نظر ابعـاد و پی آمـدها و نشـانه ها دچار ابهامات زیادی است، ولی به هر روی، یکی از موضوع هایی است که تمامی زوایای آن بایـد از دیدگاه اسـلامی بررسـی شود؛ زیرا امروزه جهانی شدن یا جهانی سازی، بیشتر حوزه های مختلف سیاسـی، اقتصـادی و فرهنگی کشورهـا را به خود مشـغول کرده است. به گونه ای که کشورهـا در زمینه فرهنـگ، سیاست و اقتصاد در روندی گریزناپذیر قرار گرفته اند که پیمودن آن با فرهنگ آنان سازگاری ندارد.

از سوی دیگر نمی توان نسـبت به مسـئله جهـانی شـدن فقـط بـا نگاه تهدیـد نگریست؛ بلکه امکان و فرصت های مثبتی هم در جهانی شـدن وجود دارد که کشورهای اسـلامی بایـد ابعاد و پی آمـدهای مثبت و منفی جهانی شـدن، هر دو را بررسـی کنند، بنابراین، درک صـحیح از این پدیـده و تبدیل تهدیدهای آن به فرصت، از مهم ترین مسائلی است که باید کشورهای اسـلامی نسبت به آن اقدام کنند.

معمـای جهـانی شـدن و یـا جهـانی سـازی از دغـدغه هـای اساسـی در کشورهـای اسـلامی اسـت که قبـل از هر چیز متفکران، اندیشمندان و صاحب نظران باید با دقت آن را بررسی کنند و رابطه آن را با اسلام روشن سازند.

ورود بـه برخی سازمـان هـای بیـن المللی، همچـون سازمـان تجـارت جهـانی، تهـاجم فرهنگی، بحران هـویت، کـثرت گرایی، دموکراسی، حقوق بشر و بسیاری از موضوع های دیگر را با توجه به جهانی شدن و پذیرش آن می توان مطرح کرد. همچنین، کشورهای اسـلامی، در این گونه زمینه ها، نگرانی های زیادی دارند که بر فرض قبول و یا عدم قبول گفتمان جهانی شدن، بر ابعاد

آن افزوده و یا کاسته می شود. بنابراین، کشورهای اسلامی باید پیش از آنکه دچار انفعال شوند، زمینه های گفته شده را بررسی و تمامی تحولات را با توجه به دیدگاه اسلامی تجزیه و تحلیل کنند. از این رو، تحقیقات در محورهای زیر بسیار لازم و ضروری به نظر می رسد:

۱. ماهیت جهانی شدن و جهانی سازی؛

۲. جهانی شدن فرصت است یا تهدید؟

۳. ابعاد و پی آمدهای جهانی شدن در حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ.

سه ـ هم گرایی کشورهای اسلامی در زمینه اقتصادی

اشاره

سه ـ هم گرایی کشورهای اسلامی در زمینه اقتصادی

عامل دیگری که می تواند کشورهای اسلامی را در رسیدن به هم گرایی کمک کند، حوزه مسائل اقتصادی است. به طور معمول، امروزه کشورها می کوشند تا برای رسیدن به تفاهم و اشتراک نظر در موضوع های سیاسی، از حوزه اقتصادی شروع کنند؛ زیرا حساسیت کمتری دارد و در پی آن، هم گرایی و اشتراک منافع و همکاری در زمینه های دیگر هم ایجاد می شود، ولی باید دید که کشورهای اسلامی در این زمینه چه امکانات و ظرفیت هایی دارند.

اول ـ امکانات کشورهای اسلامی در زمینه اقتصادی

اشاره

اول ـ امکانات کشورهای اسلامی در زمینه اقتصادی

هر چند امروزه کشورهای اسلامی با مشکلات اقتصادی زیادی روبه رو هستند، با این حال، دارای توانمندی ها و ظرفیت های زیادی هستند که می توانند از آنها بهره برداری کنند.

یک ـ نفت

یک ـ نفت

در جهان امروز، نفت عامل تعیین کننده اقتصادی، سیاسی و امنیتی

است. به گونه ای که امروزه بیش از ۷۰ درصد انرژی مورد نیاز انسان ها از طریق نفت و گاز و ۱۵ تا ۲۰ درصد از طریق زغال سنگ و حدود ۱۰ درصد از طریق برق و انرژی هسته ای تأمین می شود. نفت در بخش کشاورزی نیز با کمک به تولید فرآورده های شیمیایی، مانند کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات تحول بزرگ در زمینه تولیدات کشاورزی فراهم آورده است که به «انقلاب سبز» معروف شده است.

از مجموع ذخایر اثبات شده جهان، ۲۱ درصد در نیم کره غربی و ۷۹ درصد در نیم کره شرقی قرار دارد. کشورهای اسلامی عضو اُپک، با بیش از ۷۰ درصد و کشورهای حوزه خلیج فارس به تنهایی ۶۰ درصد ذخایر اثبات شده را در اختیار دارند.(۱) از این رو، سهم کشورهای اسلامی در تولید انرژی جهانی به خوبی مشخص می شود و جهان اسلام می تواند با تکیه بر این منابع و انرژی ای که در اختیار دارد، در نظام بین المللی تأثیرگذار باشد.

با توجه به اینکه درآمد بیشتر کشورهای اسلامی از نفت به دست می آید و این ماده حیاتی نقش مهمی در وضعیت اقتصادی آنها دارد، لزوم هم گرایی درباره مسائل مربوط به نفت بسیار ضروری به نظر می رسد.

دو ـ نیروی انسانی فراوان

دو ـ نیروی انسانی فراوان

یکی از عوامل مؤثر در زمینه اقتصاد و توسعه، نیروی انسانی است و نقش نیروی انسانی نسبت به عوامل دیگر، همچون سرمایه و کار شایان توجه است. امروزه کشورهای توسعه یافته، با مشکل نبود نیروی انسانی ارزان و

۱- حسین ابوالفضلی، مقاله «کشورهای اسلامی و زمینه هم گرایی»، پگاه حوزه، ش ۴۸ صص ۸ و ۹.

جوان روبه رو هستند و این در حالی است که جمعیت زیاد و درصد بالای جوانان، از ویژگی های مجموعه کشورهای اسلامی است. البته بایـد دانست که برخورداری از جمعیت زیـاد و جوان، به تنهـایی نمی توانـد عامل کارساز و مفیـدی باشـد، بلکه در کنـار آن بایـد به عوامـل دیگری که زمینه اسـتفاده صـحیح از آنها را فراهـم می آورد، توجه کرد. به همین دلیل، بی توجهی به این مسئله، به جای فرصت ها در این کشورها، تهدیدهایی فراهم آورده است. بی توجهی به مزایایی که جمعیت زیاد می تواند درپی داشته باشـد، و عـدم اسـتفاده کشورهای اسـلامی از آن، باعث شده است که فرصت جمعیت زیاد تبدیل به تهدید شود. امروزه این مسـئله به یـک معضـل اساسـی برای این کشورها تبـدیل شـده است که بی کاری، فقر و بسـیاری از ناهنجاری های اجتماعی از این مسئله تأثیر می پذیرد.

افزون بر اینکه، کشورهـای اسـلامی در زمینه های توریستی هـم دارای جاذبه های فراوانی هسـتند که سوددهی اقتصادی زیادی می تواند داشته باشد.

دوم ـ شیوه های هم گرایی در حوزه اقتصادی

اشاره

دوم ـ شیوه های هم گرایی در حوزه اقتصادی

پس از اینکه امکانـات و ظرفیت هـای جهـان اسـلام برای دست یابی به هم گرایی اقتصادی بیان شـد، به شـیوه های هم گرایی اقتصادی می پردازیم:

یک ـ سیاست گذاری در زمینه تولید، توزیع و مصرف نفت در بازارهای جهانی

یک ـ سیاست گذاری در زمینه تولید، توزیع و مصرف نفت در بازارهای جهانی

هر چند کشورهای اسـلامی از منابع و امکانات بی شماری مانند منابع نفتی برخوردارند، متأسفانه به دلیل برخی مسائل نتوانسته انـد از فوایـد آن برخوردار باشـند و همچنان در زمینه های اقتصادی با مشـکلات زیادی، از جمله معضل اقتصاد تک محصولی روبه رو هستند. شاید بتوان گفت مهم ترین عامل، نداشتن

ص:۱۰۱

استراتژی و سیاست مشخص برای استفاده از این منبع خدادادی است. ضمن اینکه بیشتر سیاست های مربوط به عرضه، تولید و مصرف این ماده، خارج از اختیار و کنترل این کشورها و در دست کارتل های نفتی و قدرت های بزرگ ــ که در بازارهای جهانی ایفای نقش می کنند ــ قرار دارد.

شایسته است، کشورهای اسلامی با درک اهمیت وضعیت داخلی و خارجی خود و اهمیت این ماده حیاتی در اقتصاد جهانی، به سیاست گذاری مستقل، بدون توجه به سیاست های کشورهای قدرتمند، اقدام کنند. در این زمینه کشورهای اسلامی به چند محور باید توجه کنند:

اول) شناخت بیشتر وضعیت کنونی خود و توجه به امکانات و توانمندی مجموعه جهان اسلام و درک ضرورت هم گرایی؛

دوم) اقدام برای پرورش و آموزش نیروی های متخصص و کارآمد و تبادل دانش و نیروی انسانی؛

سوم) عدم تأثیرپذیری از سیاست های جهانی و لزوم اعتماد به نفس بیشتر؛

چهارم) پی ریزی اقتصاد متوازن و اتکا نداشتن بیش از اندازه به نفت و صرفه جویی در این زمینه.

دو ــ طرح تشکیل بازار مشترک اسلامی

دو ــ طرح تشکیل بازار مشترک اسلامی

یکی از راه های دیگر هم گرایی اقتصادی، برای کشورهای اسلامی، تشکیل بازار مشترک اقتصادی است. امروزه مسلمانان در سراسر جهان با وجود برخورداری از جمعیت زیاد و منابع انرژی بسیار، متأسفانه به دلیل تسلط کشورهای توسعه یافته بر بازارهای جهانی و اعمال نظر در تولید، توزیع،

ص:۱۰۲

مصـرف و الگوهای مصرفی، نتوانسته اند در این زمینه ها تأثیرگذار باشند. این در حالی است که کشورهای اروپایی و غربی با تشـکیل بازار مشترک مانند بازار مشترک اروپا، عمده بازارهای مصرف جهانی از جمله کشورهای اسلامی را در اختیار دارند. این مسـئله پی آمـدهای نـامطلوبی افزون بر ابعـاد اقتصـادی، در بُعـد فرهنگی به جـای می گـذارد. ورود محصولات اقتصادی، غـذایی و مصـرفی بـا مارک های مختلف که طبق الگوهای مصـرفی و ارزشـی غربی تهیه و تولیـد شـده انـد، زمینه ساز تغییر و تحول در فرهنـگ و ارزش های اسـلامی در کشورهای اسـلامی خواهـد شـد. در این زمینه، می توان به گسترش شـرکت ها و مؤسسه ها و فروشگاه های مختلفی اشاره کرد که امروزه در بیشتر کشورهای اسلامی به فعالیت مشغولند و مروج فرهنگ غرب هسـتند. واژه کوکاکولا، پیتزا، مک دونالد و... برای افراد جوامع اسـلامی آشناتر از بسیاری چیزهاست. جالب اینکه، بسیاری از این شرکت ها و مؤسسه ها در اختیار یهودیان در کشورهای مبدأ است.

از این رو، تشـکیل یـک بـازار مشترک اسـلامی بسـیار لازم و ضـروری به نظر می آیـد. البته این ایـده سال هاست که در مقام حرف مطرح می شـود، ولی عملی نشـده است. مهم ترین دلیـل و یـا دلایـل عـدم تحقق آن می توانـد، پراکنـدگی کشورهـای اسـلامی و گوناگونی های فرهنگی حاکم بر کشورهای اسـلامی باشـد. سازمان کنفرانس اسـلامی می توانـد از طریق نهادهای اقتصادی خود مانند کمیته دایمی همکاری های اسلامی و تجاری، در مسیر حل این مسئله

گام بردارد.(۱) از آنجاکه کشورهای اسلامی فعالیت های خود را در قالب بازارها و اتحادیه های مختلف انجام می دهند، کمتر زمینه هم گرایی فراهم شده است. اتحادیه ها و بازارهایی چون شورای اقتصادی عرب، بازار مشترک عرب، شورای همکاری خلیج فارس و سازمان های دیگر. این در حالی است که تشکیل یک بازار واحد برای همکاری های اقتصادی لازم و ضروری است و چگونگی ایجاد و تشکیل آن می تواند از طریق سازمان کنفرانس اسلامی و طی اجلاس های متعدد و رایزنی تمامی کشورهای اسلامی مشخص شود.

سه _ ایجاد پول واحد اسلامی

سه _ ایجاد پول واحد اسلامی

ایالات متحده امریکا پس از جنگ جهانی دوم، به دلیل موقعیت و نفوذی که در حل و فصل مسائل جهانی داشت، برای نفوذ بیشتر در جهان اقداماتی در محورهای مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی انجام داد. برای نمونه، برای تسلط بر سیاست و قدرت جهان، سازمان ناتو را تشکیل داد تا اهرم های قدرت جهانی را در اختیار داشته باشد. هر چند کشورهای اروپایی هم عضو آن هستند، عمده تصمیم گیری در تحولات، در اختیار امریکاست. در بُعد اقتصادی اقدامات زیادی کرد. برای نمونه، در کنفرانس برتون وُدز (Bertion Woods)، واحد پول جهانی را که تا آن زمان پوند انگلیس بود، به دلار امریکا تغییر داد که می توانست نقش مهمی در تصمیم گیری و نفوذ آن کشور در فعالیت های اقتصادی جهان داشته باشد؛ زیرا در فعالیت های اقتصادی جهانی، همواره بیشترین سود به خزانه آن کشور واریز شود. و علت این امر این است

۱- سلیم محمد، سازمان کنفرانس اسلامی در جهان متغیر، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ص ۴۱.

که ارزهای دیگر در مقابل آن، توان مقابله ندارند و تغییرات آن تأثیر عمده بر بازارهای جهانی دارد.

کشورهای اسلامی برای رویارویی با آن و بهره مندی از استقلال و عزت اسلامی که به آن دعوت شده اند، باید اقدام به ایجاد پول واحد اسلامی کنند. این مسئله به دلیل تعداد زیاد کشورهای اسلامی (حدود ۵۵ کشور) و برخورداری از منابع زیاد، می تواند پشتوانه مناسبی باشد. از سوی دیگر، مهم ترین نتیجه این کار هم گرایی بیشتر کشورهای اسلامی در زمینه های مختلف خواهد بود.

چهار ـ تبادل نیروی انسانی (نیروی کار متخصص)

چهار ـ تبادل نیروی انسانی (نیروی کار متخصص)

کشورهای اسلامی با داشتن نیروی انسانی زیاد، یکی از مؤلفه های مهم اقتصاد را در اختیار دارند و می توانند با تبادل نیروی کار متخصص، به اهداف مشترک اقتصادی دست یابند.

کشورهای اسلامی در زمینه های مختلف اقتصادی تجربه های مختلفی دارند که می توانند همدیگر را تکمیل کنند. برخی از کشورها در زمینه کشاورزی، برخی در زمینه منابع و معادن و بهره برداری اصولی از آن، بسیاری از آنها در زمینه نفت و بسیاری در زمینه های دیگر تخصص دارند.

برای نمونه، کشورهای مالزی و اندونزی و کشورهای مسلمان دیگرْ حوزه جنوب شرقی آسیا، در زمینه توسعه و صنعت دارای تجربیات مهمی هستند و جایگاه مطلوبی در اقتصاد منطقه دارند که می توانند برای کشورهای دیگر مفید و راه گشا باشد. کشورهای آفریقایی، بیشتر در زمینه بهره برداری از منابع و معادن دارای اطلاعات خوبی هستند. جمهوری اسلامی ایران در زمینه

تکنولوژی و فن آوری مرتبط بانفت و صنعت فولاد دارای تجربیات سودمندی است. برخی از کشورها چون پاکستان، هند، ایران و... دارای تخصص انرژی اتمی در زمینه های کشاورزی و صنعتی هستند که جزو انرژی های جانشین نفت است.

بنابراین، اگر مجموعه کشورهای اسلامی بتوانند در زمینه نیروی انسانی و متخصص تبادل اطلاعات و نیرو کنند و علوم و تجربیات خود را به یکدیگر منتقل سازند، چشم انداز مناسبی را برای هم گرایی اقتصادی آنها پیش رو خواهد داشت.

در پایان این فصل، برخی از دیدگاه های حضرت امام رحمه الله و مقام معظم رهبری درباره هم گرایی اقتصادی کشورهای مسلمان آورده می شود:

الف) دیدگاه امام خمینی رحمه الله

از عجایب اینکه، ثروت در دست مسلمین در شرق است، این ثروت مهم در شرق است. در دست مسلمین است، در ممالک اسلامی است، این معادن بسیار مهمی که در دنیا هر مملکتی پیشرفت کرده است، به واسطه این مخازن پیشرفت کرده است. هر مملکتی مقدم شده است، به واسطه نفت مقدم شده است. اینها در دست شماست. عراق بحمدالله نفت دارد، ایران نفت دارد، کویت نفت دارد، حجاز نفت دارد، نفت دست مسلمین است. آنها باید بیایند به شما تملق بگویند، دست شما را ببوسند، پای شما را ببوسند و این ذخایر را به قیمت ارزشمند بخرند... تا وحدت کلمه نباشد، تا رؤسای اسلام وحدت کلمه در خودشان ایجاد نکنند، تا فکر نکنند، بر بدبختی های ملت اسلام، بدبختی های اسلام، بدبختی های احکام اسلام، عزت اسلام، قرآن کریم

ص:۱۰۶

سیادت نمی توانند بکنند... .(۱)

من امیدوارم که ممالک اسلامی در این وقتی که دنیا یک تحولی پیدا کرده است و مستضعفین بیدار شدند و بسیاری از ممالک، استقلال از سایر ممالک پیدا کرده اند، ما مسلمین که جمعیت مان اگر باهم باشیم بیشرین جمعیت را داریم و ذخایر ما بزرگ ترین ذخایر است. و افرادمان بزرگ و برجسته است بتوانیم با وحدت اسلامی و زیر تعالیم قرآن مجید با هم مجتمع باشیم.(۲)

ب) رهنمودهای مقام معظم رهبری

یک _ عقب ماندگی کشورهای اسلامی

امروزه بیشتر کشورهای اسلامی پس از ده ها سال که جیب کمپانی ها و دولت های غربی از منابع آنها پر شده است، هنوز در وادی عقب ماندگی سرگردانند و هنوز محتاج صنعت و علم و کالاهای غربی و در عالم سیاست طفیلی و پیرو ناگزیر آنها هستند. این همان خسران عظیمی است که از روز اول بر اثر عدم توجه به اصل اسلام، یعنی توحید اسلامی پیش آمد.(۳)

دو _ علت عقب ماندگی

شما وضع مسلمانان و کشورهای اسلامی در دنیا را از لحاظ گرسنگی، فقر، صنعت، سیاسی، ناآگاهی، عقب افتادگی و دنباله روی سیاسی و اقتصادی نگاه کنید و از خودتان بپرسید چرا این چنین است؟ مسلمانان و کشورهای اسلامی چه چیز کم داشتند؟ آیا منابع طبیعی شان کم بود؟ کمبود نیروی انسانی داشتند؟ موقعیت جغرافیایی خوبی نداشتند؟ هیچ کدام اینها نبود. خواهید گفت پس چرا در این وضع اسف بار قرار گرفتند؟ جواب این است که دشمنان با سوءاستفاده از غفلت مردم و خیانت سران در طول صد سال،

۱- سخنان امام خمینی رحمه الله، درباره وظایف سران دول اسلامی، صحیفه نور، ج۱، ص ۹۳.

۲- سخنان امام خمینی رحمه الله، وحدت از دیدگاه امام، ص ۶۸۵.

۳- سخنرانی به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی رحمه الله، ۱۰/۳/۶۹.

دویست سال، به آنها حمله معنوی و فرهنگی و در کنار آن حمله اقتصادی و نظامی کردنـد و کشورهای اسـلامی را به تـدریج به این وضعیت که می بینید درآوردند.(۱)

سه _ اهداف استکبار در عقب نگه داشتن کشورهای اسلامی

آری، استکبار و دار و دسته خبری و تبلیغاتی و قلم ها و بوق های مزدورش از اینکه کشوری در اعماق کهنه پرستی و ملتی در حال و هوای سنت های جاهلی خود سر کند، ولی درهای خزاین مادی را به روی آنها بگشاید و تسلیم فزون خواهی و سلطه طلبی آنـان شود و فرهنـگ فساد، فحشا، مصـرف زدگی، می خوارگی و شـهوت رانی را در آن بپـذیرد، نه تنها نگران نیسـتند، بلکه بسـی خشـنودند. آنان از بازگشت ملت ها به گذشـته ای که به آنان عزت و عظمت را یادآوری کند، راه جهاد و شهادت را به روی آنان باز کند، کرامت انسانی را به آنان برگرداند، دست سـلطه گران را از غارت و چپاول به مال و ناموس آنان قطع کند، آیه «و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا» و آیه کریمه «و للّه العزه و للرسوله و للمومنین سبیلا» را به آنان بیاموزد [نگران هستند].(۲)

سخن آخر

سخن آخر

در حالی که کشورهای اسـلامی که امروزه جهان اسـلام نامیـده می شوند، دارای امکانات و توانایی های زیادی در زمینه های مختلفند، متأسـفانه در صـحنه داخلی و خارجی با مشـکلات بی شماری روبه رو هستند. به طور کلی، مشکلات جهان اسلام را در دو حوزه داخلی و خارجی می توان بررسی کرد. مشکلات داخلی بیشتر به وضعیت و شرایط این کشورها برمی گردد که

۱- سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۱/۷/۱۳۶۹.

۲- پیام به حجاج بیت الحرام، ۱۴/۴/۱۳۶۸.

مهم ترین آن ها اختلافات قومی و قبیله ای و برداشت های مختلف از اسلام است که زمینه ساز مشکلات زیادی می شود. در عین حال، مهم ترین مشکل جهان اسلام، عوامل خارجی است؛ به این معنا که ابرقدرت ها و استعمارگران در طول تاریخ، از این ضعف های داخلی استفاده کرده اند و بر دامنه آن افزوده و بهانه ای برای تسلط بر ثروت و امکانات این کشورها یافته اند.

نکته ای که نباید از آن غافل شد، این است که تنها راه حل در شرایط موجود، به ویژه با توجه به شرایط فعلی جهان که ابرقدرت ها و در رأس آنها امریکا، اسلام را مانع جدی برنامه های خود در نظم نوین خود می دانند و در صددند تا به بهانه های مختلف برای کشورهای اسلامی مانع ایجاد کنند؛ وحدت و هم گرایی است که از آن می توان برای مقابله جهان اسلام با چالش های محیطی و تهدیدهای خارجی استفاده کرد. امروزه تنها نمی توان به شعار وحدت در قالب وحدت شیعه و سنی و یا وحدت ایدئولوژیک بسنده کرد؛ چرا که سرعت تهدیدها و تهاجمات مختلف بر ضد جهان اسلام در محورهای مختلف به قدری زیاد است که مسئله اختلافات داخلی و تأکید بر حل آن، در درجه پایین تر قرار می گیرد. بر این اساس، جهان اسلام و مجموعه کشورهای اسلامی باید به دنبال راه هایی باشند که از آن طریق بتوانند در روابط خارجی و در عرصه عمل با تکیه بر مشترکات و منافع ملی و اسلامی به یک وحدت رویه برسند. بنابراین، مهم ترین راهکار در این زمان، وحدت رویه است که در ادبیات سیاسی، هم گرایی نامیده می شود. کشورهای اسلامی، افزون بر نیاز به هم گرایی، متوجه یک مسئولیت اسلامی هم هستند و آن، توجه به عزت و استقلال است که در متون اسلامی و آموزه های دینی

بـه آن اشـاره شـده اسـت. از ایـن رو، تـوجه بـه ایـن اصـل مهـم (قاعـده نفی سبیـل) می توانـد زمینه هم گرایی را فراهم آورد. کشورهـای اسـلامی ضـمن توجه به مؤلفه های جهانی هماننـد جهانی شـدن، ارتباطات، دموکراسـی، حقوق بشـر و... با در نظر داشـتن شـرایط و مقتضـیات اسـلامی، در عین جهانی فکر کردن، بومی عمل کنند. این در حالی است که اگر خواسته باشند از فرصت هایی که در جهان خارج است، بهره منـد شونـد و تهدیـدهای آن را دفع کنند، این امر باز نیازمند هم گرایی و وحدت رویه در موضوع های مختلف است.

ص:۱۱۰

فصل چهارم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل چهارم: همراه با برنامه سازان

بی گمان موضوع هم گرایی جهان اسلام در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از موضوع های مهم برای تمامی کشورهای اسلامی است؛ زیرا امروزه بیش از گذشته مسائل و مشکلات داخلی و خارجی فرا روی مسلمانان و مجموعه جهان اسلام قرار دارد. شاید بتوان گفت، به دلیل ماهیت روابط بین المللی و شرایط حاکم بر آن امکان دست یابی کشورهای اسلامی به اهداف مشترک، بدون در نظر گرفتن وحدت و هم گرایی امکان پذیر نباشد.

۱. نقد برنامه های سیاسی

۱. نقد برنامه های سیاسی

متأسفانه، برنامه های سیاسی که اکنون از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می شود، بیشتر جنبه نظری و کمتر جنبه کاربردی دارد. افزون بر اینکه، بحث اساسی هم گرایی تاکنون شاید هیچ گاه مورد توجه برنامه سازان نبوده است. این در حالی است که اهمیت این موضوع شاید نسبت به دیگر برنامه ها خیلی بیشتر باشد. با مراجعه به سخنان رهبر فقید انقلاب اسلامی و رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت اللّه خامنه ای می توان ضرورت پرداختن به موضوع هم گرایی را دریافت.

از سوی دیگر، در حالی که تهاجم غرب و در رأس آن امریکا به

کشورهای اسلامی، وارد مرحله جدیدی شده است که تجاوز نظامی به افغانستان و عراق مهم ترین شاهد آن است، باید این موضوع را پررنگ کرد. گرچه ما شاهد برنامه های زیادی درباره تهاجم نظامی امریکا به عراق، حضور امریکا در خاورمیانه، بنیادگرایی اسلامی، بحث تروریسم، حقوق بشر و مسائلی مانند اینها هستیم، متأسفانه کمتر برای رفع و دفع این مسائل و مشکلات از طریق برنامه های سیاسی راهکاری ارائه می شود. در حالی که می توان با طرح بحث هم گرایی و ضرورت آن و راه های مقابله با سیاست های استکباری موجود از طریق هم گرایی بر غنای برنامه های سیاسی افزود. در هر حال، در برنامه های سیاسی موجود، جای این موضوع یعنی هم گرایی جهان اسلام بسیار خالی به نظر می رسد.

۲. پیشنهادهای کلی

۲. پیشنهادهای کلی

۱. برنامه سازان به این نکته توجه داشته باشند که کشورهای اسلامی در عین اینکه جزو امت بزرگ اسلامی هستند، ولی در مجموعه حکومتی آنان و حتی در پُست های حساس، افرادی هستند که نه تنها پای بند احکام اسلامی نیستند، بلکه به لحاظ نظری هم با دیدگاه های اسلامی مخالفت می کنند. بنابراین، در برنامه ها به ویژه برنامه های برون مرزی باید لحن و ادبیات به کار رفته به گونه ای مسالمت آمیز باشد و از هر نوع کلام تند و خشن پرهیز شود.

۲. همان گونه که در مباحث پیشین اشاره شد، هم گرایی یک نوع وحدت استراتژیک در برابر دشمن مشترک است. از این رو، باید برنامه سازان بر محوریت مشترکات و به کارگیری صحیح از آن، برای حفظ و ارتقای اقتدار

کشورهای اسلامی در جهان معاصر تأکید کنند و از بیان مسائل تفرقه آمیز و غیر عملی که نتیجه ای جز ایجاد شکاف نخواهد داشت، پرهیز کنند.

۳. با توجه به حساسیت خاصی که موضوع هم گرایی دارد، لازم است برنامه سازان حتما با کارشناسان خبره در مسائل سیاسی و بین المللی مشاوره کنند و از دیدگاه های اصلاحی آنان بهره گیرند.

۴. در طرح چنین مباحثی، افزون بر بحث های مقدماتیِ نظری، باید شیوه های عملی آن را با توجه به نظر محققان بررسی کرد و موانع، محدودیت ها و شرایط جهانی را در آن در نظر گرفت، تا دچار تناقض نشد.

۳. پیشنهادهای برنامه ای

۳. پیشنهادهای برنامه ای

در ساخت برنامه ها با موضوع هم گرایی، می توان به پی آمدهای عدم هم گرایی در بحران های منطقه ای و جهانی از جمله، جنگ خلیج فارس، جنگ افغانستان، جنگ عراق، تهاجم فرهنگی و... اشاره کرد. همچنین در بحث هم گرایی از موضوع سلمان رشدی و حفظ سقف تولید نفت از سوی اعضا در سال های اخیر و... به عنوان سوژه یاد کرد.

در خصوص هم گرایی جهن اسلام از چند قالب می توان برای برنامه سازی استفاده کرد:

۱. برنامه مستند: به تصویر کشیدن امکانات عظیم کشورهای اسلامی در زمینه های مختلف از جمله: نفت، نیروی جوان، نیروی کار. و امکانات زیاد دیگر با استفاده از نرشین و تصویر. می توان در هر برنامه، به بررسی کشوری خاص پرداخت.

ص:۱۱۳

۲. قالب گفت وگو که احتمال می رود برای این موضوع یعنی هم گرایی جهان اسلام مناسب تر باشد. در این قالب، می توان با هدف نشان دادن آسیب ها و راهکارهای جهان اسلام، با تمامی صاحب نظران داخلی و خارجی به بحث نشست. مثلاً می توان در هر برنامه ای در حالی که کارشناسان و صاحب نظران داخلی شرکت دارند، با یکی از اساتید دانشگاه و یا اندیشمندان و متخصصان کشورهای اسلامی دیگر هم ارتباط برقرار کرد. (از طریق ارتباط مستقیم و یا برنامه تولیدی که قبلاً با آنها مصاحبه شده است) و از این طریق بحث هم گرایی و اهمیت آن را از حوزه صرف داخلی فراتر برد و به عنوان مسئله ای جهانی به آن پرداخت.

البته این برنامه می تواند از نظر زمان پخش، در آستانه روز قدس و یا ایام حج و یا میلاد حضرت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله باشد تا حساسیت و توجه بیشتر بینندگان را به دنبال داشته باشد.

۴. پرسش های مردمی

۴. پرسش های مردمی

۱. به نظر شما مهم ترین مشکل های کشورهای اسلامی چیست؟

۲. چرا کشورهای اسلامی تاکنون نتوانسته اند به وحدت و هم گرایی برسند؟

۳. شما چه راه کاری را برای اتحاد و هم گرایی کشورهای اسلامی پیشنهاد می کنید؟

۴. وظیفه کشورهای اسلامی در قبال مسئله فلسطین چیست؟

۵. چرا کشورهای اسلامی با وجود داشتن ثروت نفت مشکلات زیادی در

زمینه های اقتصادی دارند؟

۶. وظیفه دولت ایران درباره حمایت از مسلمانان جهان چیست؟

۷. آیا شما سیاست خارجی کشورمان را در جهان اسلام مثبت ارزیابی می کنید؟

۸. شرکت در راهپیمایی روز قدس چه تأثیری در حمایت از مسلمانان جهان اسلام دارد؟

۹. چگونه می توان از مراسم حج در جهت اتحاد مسلمانان استفاده کرد؟

۱۰. هدف دشمنان از ایجاد و تفرقه در کشورهای اسلامی چیست؟

۵. پرسش های کارشناسی

اشاره

۵. پرسش های کارشناسی

زیر فصل ها

الف) برخی پرسش های کارشناسی درباره هم گرایی فرهنگی

ب) برخی پرسش های کارشناسی در زمینه هم گرایی سیاسی

ج) برخی پرسش های کارشناسی درباره هم گرایی اقتصادی

الف) برخی پرسش های کارشناسی درباره هم گرایی فرهنگی

الف) برخی پرسش های کارشناسی درباره هم گرایی فرهنگی

۱. تبادل فرهنگی و تعامل فرهنگی چه تفاوتی با تهاجم فرهنگی دارد؟

۲. کشورهای اسلامی از چه طریقی می توانند به یک هم گرایی فرهنگی دست یابند؟

۳. امکانات کشورهای اسلامی در زمینه هم گرایی فرهنگی چیست؟

۴. چرا کشورهای اسلامی با وجود پشتوانه محکم فرهنگی چون قاعده نفی سبیل، هنوز نتوانسته اند در عمل به یک هم گرایی فرهنگی برسند؟

۵. نقش سازمان کنفرانس اسلامی در زمینه تحقق هم گرایی فرهنگی جهان اسلام چیست؟

۶. رادیو و تلویزیون های کشورهای اسلامی از چه طریقی می توانند در زمینه هم گرایی فرهنگی مؤثر واقع شوند؟

ص:۱۱۵

۷. حوزه های علمیه برای شناسایی و تبیین استراتژی فرهنگی جهان اسلام چه وظیفه ای دارند؟

۸. نقش تولید علم در جهان اسلام در هم گرایی فرهنگی آن چیست؟

ب) برخی پرسش های کارشناسی در زمینه هم گرایی سیاسی

ب) برخی پرسش های کارشناسی در زمینه هم گرایی سیاسی

۱. اهمیت هم گرایی سیاسی در جهان اسلام چیست؟

۲. کشورهای اسلامی چه امکاناتی و چه محدودیت هایی در این زمینه دارند؟

۳. هدف امام خمینی رحمه الله از نام گذاری جمعه آخر ماه مبارك رمضان هر سال با عنوان روز قدس چیست؟

۴. کشورهای اسلامی از چه طریقی می توانند سیاست های خصمانه امریکا و اسرائیل را پاسخ گو باشند؟

۵. چرا کشورهای اسلامی در سازمان های بین المللی با انفعال روبه رو هستند و راهکارهای خروج از این وضعیت چیست؟

۶. کشورهای اسلامی چگونه می توانند از مراسم حج برای هم گرایی سیاست های خارجی خود استفاده کنند؟

ج) برخی پرسش های کارشناسی درباره هم گرایی اقتصادی

ج) برخی پرسش های کارشناسی درباره هم گرایی اقتصادی

۱. میزان ذخایر نفت کشورهای اسلامی و درصد تأمین بازارهای جهانی و تأثیر آن بر اقتصاد جهانی چیست؟

۲. مهم ترین امکانات کشورهای اسلامی در زمینه هم گرایی اقتصادی چیست؟

۳. میزان وابستگی کشورهای اسلامی بر منابع نفتی چقدر است؟

ص:۱۱۶

۴. نقش اوپک در هم گرایی اقتصادی جهان اسلام چیست؟

۵. موانع هم گرایی اقتصادی کشورهای اسلامی چیست؟

۶. بازار مشترک اسلامی و تشکیل آن چه نقشی در هم گرایی اقتصادی کشورهای اسلامی می تواند داشته باشد؟

۷. ایجاد پول واحد اسلامی، چگونه می تواند در خدمت هم گرایی اقتصادی کشورهای اسلامی قرار گیرد؟

۸. تأثیر استعمار بر منابع و امکانات اقتصادی کشورهای اسلامی چه تأثیری بر عدم هم گرایی این کشورها داشته است؟

ص:۱۱۷

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن کریم.

۱. آقازاده، غلام رضا، خلیج فارس و مسائل آن (مجموعه مقالات)، تهران، دفترمطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸.

۲. الهی، همایون، امپریالیسم و عقب ماندگی، تهران، نشر قوس، ۱۳۷۲.

۳. امام خمینی و اختیارات ولی فقیه، ترجمه: مبحث ولایت فقیه از کتاب بسیج، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.

۴. ایولا کست، ژئوپلوتیک اسلام، ترجمه: آگاهی، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، بی تا.

۵. تاج، محمدمصطفی، ماجرای فلسطین و اسرائیل، تهران، دفتر فرهنگ اسلامی،۱۳۸۰.

۶. ثواقب، جهانبخش، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.

۷. حائری، عبدالحسین، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.

۸. حلبی، علی اصغر، تاریخ اندیشه های سیاسی در ایران و جهان اسلام، تهران، انتشارات بهبهانی، ۱۳۷۲.

۹. حمدالله، محمد، اولین قانون اساسی مکتوب جهان، ترجمه: غلامرضا سعیدی،تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۵۵.

۱۰. خمینی، روح اللّه ، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.

۱۱. ________________ ، کلمات قصار پندها و حکمت ها، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸.

۱۲. دهشیری، محمدرضا، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز اسنادانقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

۱۳. ذوقی، ایرج، مسائل سیاسی و اقتصادی نفت در ایران، تهران، انتشارات پاژنگ،۱۳۷۶.

۱۴. سلیم، محمدالسید و عبدالمنعم المشاط، سازمان کنفرانس اسلامی در جهان متغیّر،ترجمه: حسن رضایی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۶.

۱۵. شمس الدین، محمدمهدی، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه: آیت اللّه زاده شیرازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

۱۶. عزتی، عزت اللّه ، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، قم، سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۷۸.

۱۷. ________________، ژئو پلوتیک، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۰.

۱۸. عمید زنجانی، عباس علی، وطن و سرزمین و آثار حقوقی آن از دیدگاه فقه اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶.

۱۹. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی،تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۲.

۲۰. ________________________، شش گفتار درباره دین و جامعه، تهران، انتشارات موج، ۱۳۶۹.

۲۱. فاستر، مایکلب، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه: جواد شیخ الاسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، بی تا.

۲۲. قاضی زاده، کاظم، اندیشه های فقهی سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۲۳. گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخص، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.

۲۴. لوئیس، برنارد، دو هزار سال تاریخ ظهور مسیحیت تا امروز، ترجمه: حسن کامشاد، نشر نی، ۱۳۸۱.

۲۵. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و غرب، ترجمه: محمدتقی فخر گیلانی، بی تا.

۲۶. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۶۲.

۲۷. منصوری، جواد، شناخت استکبار جهانی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.

۲۸. ______________________________، شناخت استکبار جهانی، مشهد، انتشارات قدس رضوی، ۱۳۶۹.

۲۹. موصلی، احمد، اصول گرایی اسلامی و نظام بین المللی، ترجمه مهرداد آزادادربیلی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.

۳۰. نظری، مرتضی، بررسی شیوه های تبلیغات مسیحیت علیه اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

۳۱. نیکسون، ریچارد، فرصت را از دست ندهیم، ترجمه: حسن رفیعی نژاد، تهران، وزارت امور خارجه، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۱.

۳۲. هانتینگتون، ساموئل، نظریه برخورد تمدن ها، ترجمه: مجتبی امیری، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.

نشریه

۱. ابوالفضلی، حسین، پگاه حوزه، «دهه سوم فرصت ها و تهدیدها»، ش ۶۶، ۱۳۸۱.

۲. ابوالفضلی، حسین، پگاه حوزه، «هم گرایی کشورهای اسلامی و مقابله با چالش های محیطی»، ش ۴۸، ۱۳۸۱.

۳. فصل نامه کتاب نقد، ش ۲۴ و ۲۵، ۱۳۸۱.

۴. عبدالحمید، محسن، جهانی شدن از منظر اسلامی، پگاه حوزه، ش ۳۷، ۱۳۸۰.

منابع انگلیسی

۱ - R. W. Southen, Western, Views of Islam (Cambrig Mass) U. S. A, ۱۹۶۲.

۲ - Holton Globalization, Monthy, Review, ۴۴ N. ۱۹۹۷.

ص:۱۲۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹